



# اخلاق نظامی

۱۰۳/۲

پژوهشکده تحقیقات اسلامی  
نمایندگی ولی فقیه در سپاه



## نمایندگی ولی فقیه در سپاه

نام کتاب: اخلاق نظامی	کد: ۱۰۳/۲
تهیه کننده: پژوهشکده تحقیقات اسلامی	
نویسنده: علی اصغر الهامی نیا	
ناشر: معاونت تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه	
حروفچینی و صفحه‌آرایی: پژوهشکده تحقیقات اسلامی	
چاپ: مرکز چاپ نمایندگی ولی فقیه در سپاه	
تاریخ انتشار: پاییز ۱۳۹۰	
شمارگان: ۱۰۰۰	

## فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۸
مقدمه.....	۱۰
<b>درس اول: ایمان و یقین</b>	
۱. واژه ایمان در لغت و اصطلاح.....	۱۲
۲. حقیقت ایمان.....	۱۲
۳. ارکان ایمان.....	۱۳
۴. ضرورت ایمان در نیروهای مسلح.....	۱۳
۵. ایمان، رمز پیروزی.....	۱۴
۶. آثار گرانقدر ایمان.....	۱۴
۷. تعریف یقین.....	۱۶
۸. فضیلت یقین.....	۱۶
۹. نشانه‌های یقین.....	۱۷
۱۰. آثار یقین.....	۱۸
الف. آرامش روحی.....	۱۸
ب. صبر.....	۱۸
ج. اخلاص.....	۱۹
د. زهد.....	۱۹
ه. توکل.....	۱۹
و. رضا و تسلیم.....	۱۹
ز. آسان شدن انفاق.....	۲۰
<b>درس دوم: جهاد و شهادت طلبی</b>	
۱. معنای جهاد.....	۲۱
۲. ارزش جهاد و مجاهد.....	۲۱
۳. اخلاقیات مجاهد.....	۲۲
۴. آداب جهاد.....	۲۴
۴. شهادت طلبی.....	۲۶
۵. جایگاه مکتبی شهادت طلبی.....	۲۷
۶. مبانی شهادت طلبی.....	۲۷
۷. نشانه‌های شهادت طلبی.....	۲۹
<b>درس سوم: عبودیت و بندگی در برابر خدا؛ اطاعت و فرمانبری از رهبری</b>	
۱. تعریف عبودیت.....	۳۱
۲. ارزش عبودیت.....	۳۲
۳. مراتب عبودیت.....	۳۲
۴. آثار عبودیت.....	۳۳
۵. آفات عبودیت.....	۳۵
۶. اطاعت و فرمانبری از رهبری.....	۳۶
۷. آثار اطاعت از رهبری.....	۳۷
الف. وحدت نیروها.....	۳۷
ب. پایداری در میدان نبرد.....	۳۷

## ۴ اخلاق نظامی

ب. غیرت ناموسی .....	۵۲	ج. اجرای دقیق طرحها و نقشه‌ها .....	۳۸
ج. غیرت ملی .....	۵۳	د. تضعیف روحیه دشمن .....	۳۸
۴. انتظار ملت از نیروهای مسلح .....	۵۴	۸. عوامل نافرمانی .....	۳۹
۵. عفت و پاکدامنی .....	۵۴	الف. دنیا دوستی و رفاه طلبی .....	۳۹
۶. ارزش عفت .....	۵۴	ب. بهانه جویی .....	۳۹
۷. راههای دستیابی به عفت .....	۵۵	ج. نا آگاهی .....	۴۰
۸. آثار عفت .....	۵۷	د. تفرقه .....	۴۰

### درس ششم: کرامت، بزرگواری و قناعت

۱. تعریف کرامت و بزرگواری .....	۵۹
۲. ارزش کرامت .....	۶۰
۳. ویژگی‌های کریمان .....	۶۱
۴. جلوه‌های کرامت .....	۶۱
۵. قناعت .....	۶۳
۶. زمینه‌های قناعت .....	۶۴
۷. فواید قناعت .....	۶۶

### درس هفتم: ایثار و شجاعت

۱. معنای لغوی و اصطلاحی ایثار .....	۶۹
۲. اهمیت ایثار .....	۶۹
۳. اقسام ایثار .....	۷۱
الف. مثبت .....	۷۱
ب. منفی .....	۷۲
۴. فواید ایثار .....	۷۲
۵. شجاعت .....	۷۳
۶. ضرورت شجاعت در نیروهای نظامی .....	۷۴
۷. خاستگاه شجاعت .....	۷۴
۸. نشانه‌های شجاعت .....	۷۵
۹. تشجیع و تهییج .....	۷۶

### درس هشتم: نظم و تلاش

۱. معنای لغوی و اصطلاحی نظم .....	۷۷
-----------------------------------	----

### درس چهارم: پرهیز از غرور و طغیان

۱. غرور در لغت و اصطلاح .....	۴۲
۲. نکوهش غرور .....	۴۲
۳. نشانه‌های غرور .....	۴۳
۴. اسباب غرور در نیروهای مسلح .....	۴۴
۵. آثار تخریبی غرور .....	۴۴
۶. پیشگیری و درمان .....	۴۵
۷. پرهیز از طغیان .....	۴۶
۸. نکوهش شدید طغیان .....	۴۶
۹. کاربرد تعدی و طغیان .....	۴۶
الف. عقیدتی .....	۴۷
ب. قانونی .....	۴۷
۱۰. زمینه‌ها و انگیزه‌ها .....	۴۷
الف. قدرت و ثروت .....	۴۷
ب. جاه طلبی و دنیا دوستی .....	۴۸
ج. انتقام جویی .....	۴۸
۱۱. کیفر طاغیان .....	۴۸
۱۲. پیشگیری .....	۴۹

### درس پنجم: غیرت و مردانگی و عفت و پاکدامنی

۱. تعریف غیرت .....	۵۰
۲. ضرورت غیرت .....	۵۰
۳. انواع غیرت .....	۵۱
الف. غیرت دینی .....	۵۱

## فهرست مطالب ۵

ب. مواسات با مال	۹۵
۴. آثار مواسات	۹۶
الف. تقرب به پروردگار	۹۶
ب. قرار گرفتن تحت ولایت ائمه (ع)	۹۶
ج. حفظ اخوت و برادری	۹۶
د. افزایش روزی	۹۷
۵. تعاون و همکاری	۹۷
ضرورت تعاون در جامعه	۹۷
۶. ابعاد تعاون	۹۸
الف. تعاون در کارهای نیک	۹۸
ب. مشارکت در اجرای حق	۹۹
ج. همکاری در هدایت و اصلاح دیگران	۹۹
د. همراهی در انجام دادن طاعات و عبادات	۹۹
۷. عواقب عدم همکاری	۱۰۰
الف. خروج از اسلام	۱۰۰
ب. قطع شدن ولایت الهی	۱۰۰
ج. بی‌کسی در دنیا و آخرت	۱۰۰
د. عذاب الهی	۱۰۱

### درس یازدهم: رعایت قوانین و مقررات

#### و حفظ بیت‌المال

۱. تعریف قانون و مقررات	۱۰۲
۲. نیاز بشر به قانون	۱۰۲
۳. برترین قانون	۱۰۳
۴. ضرورت رعایت قانون	۱۰۴
۵. آثار رعایت قانون	۱۰۵
الف. موفقیت و پیروزی در برنامه‌ها و دستیابی به اهداف	۱۰۵
ب. قدرتمندی و وحدت و انسجام هر چه بیشتر	۱۰۵
۶. پیامدهای بی‌قانونی	۱۰۶
الف. خدشه‌دار شدن اسلام	۱۰۶

۲. اهمیت نظم در زندگی فردی و اجتماعی	۷۷
۳. ضرورت نظم در نیروهای نظامی	۷۸
۴. نظم در جنگ	۷۹
۵. فرماندهی در جنگ	۷۹
۶. رعایت سلسله مراتب در قوای مسلح	۸۰
۷. پیامدهای شوم تمرد و بی‌نظمی	۸۱
۸. تلاش و فعالیت	۸۲
۹. تلاش و کوشش، یک اصل اسلامی	۸۳
۱۰. پیامدهای کسالت	۸۴
۱۱. جلوه‌های تلاش در نیروهای مسلح	۸۵
الف. درون سازمانی	۸۵
ب. برون سازمانی	۸۵

### درس نهم: صبر و ثبات و حفظ اسرار نظامی

۱. تعریف صبر	۸۶
۲. یقین، ریشه استقامت	۸۶
۳. آثار صبر	۸۷
الف. امدادهای غیبی	۸۷
ب. امنیت زندگی	۸۸
ج. رحمت و هدایت الهی	۸۸
د. پیروزی حتمی	۸۸
۴. ضرورت صبر برای نیروهای نظامی	۸۹
۵. حفظ اسرار نظامی	۸۹
۶. ضرورت راز داری	۹۰
۷. عوامل افشای راز	۹۱
۸. راههای حفظ اسرار	۹۱

### درس دهم: مواسات و تعاون و همکاری

۱. مواسات در لغت و اصطلاح	۹۴
۲. جایگاه مواسات	۹۴
۳. ابعاد مواسات	۹۵
الف. مواسات با جان	۹۵

## ۶ اخلاق نظامی

- ب. ناتوانی در مقابله با دشمن: ۱۰۶ .....  
 ج. تهدیدی برای انقلاب: ۱۰۶ .....  
 د. از بین رفتن معنویتها: ۱۰۶ .....  
 ۷. حفظ بیت‌المال: ۱۰۷ .....  
 ۸. گستره بیت‌المال: ۱۰۸ .....  
 الف. امکانات: ۱۰۸ .....  
 ب. وقت: ۱۰۸ .....  
 ج. کار: ۱۰۸ .....  
 ۹. ضرورت حفظ بیت‌المال: ۱۰۹ .....  
 ۱۰. پیامدهای سوء استفاده از بیت‌المال: ۱۱۰ .....  
 الف. مجازات اخروی: ۱۱۰ .....  
 ب. مجازات دنیوی: ۱۱۰ .....  
 ج. نابودی اسلام و مسلمین: ۱۱۱ .....
- درس دوازدهم: داشتن روحیه و شدت با دشمن و رأفت با دوست**
۱. تعریف روحیه: ۱۱۲ .....  
 ۲. نقش روحیه در نیروهای رزمی: ۱۱۲ .....  
 ۳. دیدگاه اسلام: ۱۱۳ .....  
 ۴. عوامل تقویت روحیه: ۱۱۳ .....  
 ۵. شدت با دشمن و رأفت با دوست: ۱۱۵ .....  
 ۶. برخورد قدرتمندانه: ۱۱۶ .....  
 ۷. نمونه‌های تاریخی: ۱۱۷ .....  
 ۸. دوستی و محبت: ۱۱۸ .....  
 ۹. رأفت مؤمنان: ۱۱۹ .....
- درس سیزدهم: دعا و نیایش و اهتمام به واجبات و مستحبات**
۱. دعا و نیایش: ۱۲۱ .....  
 ۲. ارزش و اهمیت دعا در اسلام: ۱۲۱ .....  
 ۳. نقش دعا در تکامل انسان: ۱۲۲ .....  
 ۴. تأثیر دعا در جلب امدادهای غیبی: ۱۲۳ .....
۵. اهتمام به واجبات و مستحبات: ۱۲۴ .....  
 ۶. اهمیت واجبات و نقش مستحبات در تکمیل واجبات: ۱۲۵ .....  
 ۷. چگونگی اهتمام: ۱۲۵ .....  
 الف. فردی: ۱۲۶ .....  
 ب. اجتماعی: ۱۲۶ .....
- درس چهاردهم: توسل به اهل بیت (ع) و انس با قرآن**
۱. معنای توسل: ۱۳۰ .....  
 ۲. گستره وسایل معنوی: ۱۳۰ .....  
 ۳. توسل به انسانهای برگزیده و برتر: ۱۳۱ .....  
 ۴. تأثیر ارتباط با اهل بیت (ع) بر رشد اخلاقی افراد: ۱۳۲ .....  
 ۵. توسل به معصومین (ع)، شرط سلوک الی الله: ۱۳۲ .....  
 ۶. انس با قرآن: ۱۳۳ .....  
 ۷. عشق به قرآن: ۱۳۴ .....  
 ۸. تقدیس قرآن: ۱۳۵ .....  
 ۹. تلاوت و حفظ قرآن: ۱۳۶ .....  
 ۱۰. در خلوت راز: ۱۳۷ .....
- درس پانزدهم: شب زنده‌داری و ذکر خدا**
۱. شب زنده‌داری: ۱۳۸ .....  
 ۲. سرعت سیر و سلوک در نیایشهای شبانه: ۱۳۹ .....  
 ۳. اعمال شب زنده‌داران: ۱۳۹ .....  
 الف. تفکر: ۱۴۰ .....  
 ب. تلاوت قرآن کریم: ۱۴۰ .....  
 ج. نافله شب: ۱۴۱ .....  
 د. دعا و استغفار: ۱۴۱ .....  
 هـ. کمک به بینوایان و مستمندان: ۱۴۲ .....  
 و. نگهبانی: ۱۴۲ .....  
 ۴. ذکر خدا: ۱۴۲ .....  
 ۵. فضیلت ذکر: ۱۴۳ .....  
 ۶. حقیقت ذکر: ۱۴۳ .....

## فهرست مطالب ۷

۱۴۸	ب. نماز جمعه و جماعت	۱۴۴	۷. مراتب ذکر
۱۴۹	ج. حجّ	۱۴۴	الف. ذکر قلبی
۱۵۰	اماکن	۱۴۴	ب. ذکر زبانی
۱۵۰	الف. مسجدالحرام	۱۴۴	ج. ذکر عملی
۱۵۱	ب. مسجد النبی	۱۴۵	۸. موانع ذکر
۱۵۱	ج. مسجد کوفه	۱۴۵	الف. شیطان
۱۵۱	د. مسجد الاقصی	۱۴۵	ب. دوستان گمراه
۱۵۲	ه. عتبات مقدسه	۱۴۵	ج. پیروی از هوای نفس
۱۵۲	و. مساجد	۱۴۵	د. چشم‌چرانی
۱۵۲	ایام الله	۱۴۶	۹. نکوهش ترک ذکر خدا
۱۵۳	احیای شعائر اسلامی		
۱۵۳	الف. وظیفه دولت اسلامی		درس شانزدهم: تعظیم شعائر اسلامی
۱۵۴	ب. وظیفه امت اسلامی	۱۴۷	کردار
۱۵۶	منابع و مأخذ	۱۴۷	الف. اذان

## پیشگفتار

تعلیم و تربیت دینی و انقلابی کارکنان سپاه در جهت تقویت و ارتقای معرفت، ایمان و توانمندسازی و توسعه دانش و بینش آنان رسالتی است بس بزرگ که برعهده معاونت تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی نهاده شده است.

تحقق عمده این مأموریت خطیر در پرتو نظام آموزش کارآمد و بالنده امکان پذیر می شود تا زمینه ارتقای روحی و معنوی و تقویت دانش، بینش و منش اسلامی کارکنان سپاه را فراهم آورد و پاسدارانی مؤمن، بصیر، شجاع و آگاه تربیت کند که از ایمان و معنویت، معرفت دینی و بصیرت انقلابی لازم برخوردار باشند.

چنانکه مقام معظم رهبری فرموده اند:

مسئله آموزش در همه جا مهم است ولی در سپاه از اهمیت مضاعفی برخوردار است. اگر در سپاه پاسداران آموزشهای قوی در مسایل عقیدتی سیاسی وجود نداشته باشد دیگر سپاه رابه عنوان بازوی توانای انقلاب اسلامی نمی توان مطرح ساخت حرکت سپاه یک حرکت مستمر است و اگر قرار باشد این حرکت باقی بماند افراد سپاه باید آموزش دیده باشند و کسانی که این مهم رابه عهده دارند شما هستید.<sup>۱</sup>

با توجه به اجرای «نظام تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی سپاه» از سالیان اولیه تأسیس این نهاد انقلابی و ضرورت بازنگری و بهینه سازی آن در چارچوب تدابیر فرمانده معظم کل قوا حضرت آیه الله العظمی خامنه ای (مد ظله العالی) و براساس راهبردهای تحول و تعالی سپاه، نظام

---

۱. روزنامه جمهوری اسلامی، ۵/ ۳/ ۱۳۶۳.



تربیت و آموزش مورد بازبینی و تجدید نظر قرار گرفت. نظام جدید گرچه به امر خطیر آموزش و تقویت دانش عقیدتی سیاسی پاسداران توجه کافی مبذول شده است اما رویکرد اصلی آن تربیت محوری و معنویت‌افزایی بوده و سرفصلهای آموزشی آن نیز بر این اساس تنظیم شده است. یکی از دوره‌های مهم آموزشی که در نظام جدید مورد توجه قرار گرفته است آموزشهای طولی پاسداران، بسیجیان و سربازان است که به معرفت‌افزایی نسبت به معارف پایه‌ای اسلام و مباحث بنیادی با رویکرد تربیتی می‌پردازد.

هم‌اکنون کلیه دوره‌های آموزشی سپاه در حال بازنگری و بازبینی است و طبیعی است که در تدوین موضوعات و سرفصلهای آموزشی، ارزشیابی، بازخوردگیری، و در نهایت اصلاح یا تغییر سرفصلهای آموزشی امری اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. کتاب حاضر تا قبل از بازنگری و تدوین متون جدید در دوره‌های طولی سپاه تدریس می‌شود.

مسئولیت تهیه و تدوین متون آموزشی مورد نیاز نمایندگی ولی فقیه در سپاه به عهده پژوهشکده تحقیقات اسلامی است. این متون با توجه به سطح معلومات، نیازها و تخصص نیروهای آموزشی، در گروههای تحقیقاتی پژوهشکده تدوین و پس از طی مراحل اعتباربخشی محتوایی و شکلی به تأیید نماینده ولی فقیه در سپاه و یا نماینده ایشان می‌رسد.

پیشنهادهای و تجربیات مربیان ارجمند و متریان گرامی، در رفع کاستی‌های متون آموزشی راهگشا و مشوق ما در رفع کاستی‌های متون آموزشی خواهد بود.

**معاونت تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی**

**نمایندگی ولی فقیه در سپاه**

## مقدمه

پیراستگی از رذایل اخلاقی و آراستگی به هر یک از فضایل اخلاقی گامی است به سوی کمال انسانی و هر کس در هر موقعیت و مرتبه‌ای قرار دارد، ضروری است که این راه را طی کند و هر چه بیشتر خود را به قله کمالات نزدیک نماید و هر چه فرد در جبهه کسب خوبیها و دوری از زشتیها بیشتر تلاش کند، از امتیازات بهتری بهره‌مند خواهد شد.

انسانها از نظر روحیات، ایمان و عقیده، تأثیرپذیری از اجتماع و فرهنگ و... یکسان نیستند. برخی زمینه کسب گونه‌ای از کمالات را دارند که شاید دیگران فاقد چنین زمینه‌ای هستند و ممکن است گروهی در معرض برخی از رذایل قرار گیرند که گروه دیگر در چنین وضعیتی قرار نگیرند. به طور مثال، آن قدر که یک رزمنده به فضیلت ایشار و شهادت نزدیک است، یک کارمند معمولی چنین نیست و آن اندازه که یک مأمور بانک در معرض رذیله اختلاس قرار می‌گیرد، یک معلم قرار نمی‌گیرد.

نتیجه این که گرچه همه انسانها موظف به کسب فضایل و طرد رذایل از خود هستند، ولی موقعیت اقشار گوناگون جامعه به گونه‌ای است که هر قشر، به برخی از فضایل بیشتر اهمیت می‌دهند و از برخی رذایل بیشتر پرهیز می‌کنند. حال می‌توان ادعا کرد که علاوه بر «اخلاق عمومی»، «اخلاق صنفی» نیز از جایگاه خاصی برخوردار است. به نحوی که اصناف گوناگون باید از اخلاق صنفی مربوط به خویش بهره گرفته به آن پایبند باشند.

کتابی که پیش روی شماست، تلاشی است در جهت تحکیم هر چه بیشتر مبانی اخلاقی در میان عزیزان پاسدار که براساس تفکر یاد شده تدوین یافته است و منظور از «اخلاق نظامی» آن دسته از مسائل اخلاقی است که بیشتر برای نظامیان مطرح است و باید از آنها آگاهی داشته و بدان متخلّق شوند یا از آنها دوری گزینند. هر چند همه این عناوین عمومی و فراگیر است و تا حدودی برای دیگر اقشار جامعه نیز مطرح و مورد ابتلا می باشد.

پژوهشکده تحقیقات اسلامی

## درس اول

## ایمان و یقین

### ۱. واژه ایمان در لغت و اصطلاح

«ایمان» از واژه «أَمِنَ»، به معنای آرامش خاطر و زوال دلهره گرفته شده و در اصطلاح بر گرویدن به «شریعت مقدس اسلام» و «گرایش نفس به حق و تصدیق آن»<sup>۱</sup> اطلاق شده است به این بیان که انسان، به آنچه از سوی خدا فرود آمده و حق است، اعتقاد راسخ پیدا کند و آن را از دل و جان خویش باور داشته باشد و از آن پیروی کند.

### ۲. حقیقت ایمان

در صدر اسلام، این پندار برای برخی پیدا شده بود که اگر نزد پیامبر (ص) به یگانگی خدا و پیامبری آن حضرت گواهی دهند، مؤمن شده‌اند، ولی قرآن مجید، پرده از چنین پندار غلط برداشت و اعلام کرد:

قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ... (حجرات: ۱۴)

عربهای بادیه‌نشین گفتند: ایمان آوردیم. بگو ایمان نیاورده‌اید، بلکه بگویید اسلام آوردیم و هنوز ایمان داخل دلهایتان نشده است.

براین اساس، ایمان واقعی تنها به گفتن: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ» حاصل نمی‌شود، گرچه گفتن این کلمات مقدس - از روی باور قلبی - گام نخست در دستیابی به ایمان است. رسول خدا (ص) حقیقت ایمان را در سه پدیده به هم پیوسته، ترسیم کرده، می‌فرماید:

---

۱. مفردات، راغب اصفهانی، واژه أَمِنَ.

الْإِيمَانُ مَعْرِفَةٌ بِالْقَلْبِ وَ قَوْلٌ بِاللِّسَانِ وَ عَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ.<sup>۱</sup>

ایمان عبارت است از: شناخت قلبی، گفتار زبانی و کردار با اعضا و جوارح.  
امیر مؤمنان (ع) نیز در سخنی «ایمان» را با «اخلاص» برابر دانسته که تعبیر دیگری از ایمان واقعی است:

الْإِيمَانُ إِخْلَاصُ الْعَمَلِ.<sup>۲</sup>

ایمان، خالص ساختن عمل است.

### ۳. ارکان ایمان

بنیان ایمان بر چهار پایه و ستون استوار گشته که در سخن حضرت علی (ع) مشهود است:

الْإِيمَانُ عَلَى أَرْبَعِ دَعَائِمٍ: عَلَى الصَّبْرِ وَالْيَقِينِ وَالْعَدْلِ وَالْجِهَادِ...<sup>۳</sup>

ایمان بر چهار پایه استوار است: صبر و یقین و عدل و جهاد.

### ۴. ضرورت ایمان در نیروهای مسلح

چنانکه یاد شد، بین «ایمان» و «جهاد» پیوندی ناگسستنی برقرار است و به تعبیری ایمان و جهاد مکمل یکدیگرند. این حقیقت را با یک آیه و روایت بیشتر توضیح می دهیم. در قرآن آمده است:

الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ... (نساء: ۷۶)

مؤمنان در راه خدا، و کافران در راه طاغوت می جنگند.

در جایی دیگر، رسول اکرم (ص) می فرماید:

مَنْ لَمْ يَغْزُ وَلَمْ يُحَدِّثْ نَفْسَهُ بِغَزْوٍ مَاتَ عَلَى شُعْبَةٍ مِنَ النِّفَاقِ.<sup>۴</sup>

کسی که جهاد نکند و نزد خود نیز سخن از جهاد نگوید، بر شعبه‌ای از نفاق مرده است.

معنای سخن پیامبر (ص) این است که مؤمن تا جهاد نکند و یا در حال صلح، آمادگی جهاد در راه خدا را نداشته باشد، نوعی نفاق پنهان یا ضعف ایمان دارد که جز با جهاد یا آمادگی برای آن مداوا نخواهد شد.

۱. میزان الحکمة، ج ۱، ص ۳۰۱، به نقل از کنز العمال. ۲. شرح غرر الحکم، ج ۱، ص ۲۱۹.

۳. نهج البلاغه، فیض الاسلام، حکمت ۳۰، ص ۱۰۹۹.

۴. تعلیم و تربیت، شهید مرتضی مطهری، ص ۴۰۰، به نقل از کنز العمال، ج ۴، ص ۲۹۳.

با چنین ارتباط تنگاتنگی که میان ایمان و جهاد نهفته است، ضرورتِ دو چندان جهاد و یا آمادگی برای آن در بین نیروهای مسلح اسلام آشکار می‌شود.

### ۵. ایمان، رمز پیروزی

بدون تردید وجود ایمان در دل نیروهای مسلح سبب سرافرازی و پیروزی آنان خواهد شد؛ چنان‌که عدم آن، سیه‌روزی و خواری را در پی خواهد داشت. قرآن مجید چنین رهنمود می‌دهد:

قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسَيْنَيْنِ وَنَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ أَنْ يُصِيبَكُمْ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِنْ عِنْدِهِ أَوْ بِأَيْدِنَا فَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَكُمْ مُتَرَبِّصُونَ. (توبه: ۵۲)

بگو: آیا جز یکی از دو نیکی (شهادت یا پیروزی) را برای ما انتظار می‌کشید؟ ما انتظار داریم که خداوند شما را به عذابی از سوی خود یا با دست ما گرفتار سازد. پس در انتظار بمانید. ما نیز با شما منتظر می‌مانیم.

امام اُقت، پیروزی بر رژیم ستمشاهی را مرهون ایمان مردم دانسته، می‌فرماید:

شما رمز پیروزی‌تان را دیدید و دیدید که بر همهٔ قدرتهایی که پشتوانهٔ این قدرت شیطانی (رژیم شاه) بود، پیروز شدید و دیدید که رمزش این بود که ایمان داشتید و «الله اکبر» همراه شما بود.<sup>۱</sup>

ایشان چنین سنتی را در گذر تاریخ جاری می‌داند و اظهار امیدواری می‌کند که ملت سلحشور ایران با ایمان خویش بر قدرتهای شیطانی فایق آید:

من امید این را دارم که همان‌طوری که در صدر اسلام، قدرت ایمان، آن امپراتوریهای بزرگی که - تقریباً همهٔ دنیای آن وقت بود - سلطه داشتند و همهٔ قدرتها دست آنها بود و ارتش اسلام با ایمان خودش و با اعتقاد به مبدأ و معاد، غلبه کرد بر آنها، شما هم - در عین حالی که مقابل سلطه‌های بزرگ و قدرتهای بزرگ، همهٔ ما با حساب دنیایی ناچیز هستیم - با حساب معنویت به همه مقدم بشوید، ان شاء الله، و همهٔ قدرتها را منع کنید از دخالت در کشور خودتان.<sup>۲</sup>

### ۶. آثار گرانقدر ایمان

پدیدهٔ زیبای ایمان - که از سوی خداوند، محبوب و زینت دل مؤمنان گشته است -<sup>۳</sup> بی‌شک، نتایج

۱. بلاغ، ج ۲، ص ۱۵۷. ۲. همان، ص ۱۵۹.

۳. حَبِّ إِلَيْكُمْ الْإِيمَانُ وَ زَيْنَةُ فِي قُلُوبِكُمْ (حجرات (۴۹)، آیه ۷).

ارزنده و بی‌شماری به ارمغان خواهد آورد که در این جا به چند نمونه آنها بیشتر جنبه نظامی دارد، اشاره می‌کنیم:

**الف. آرامش خاطر:** نیروهای نظامی بیش از هر چیز نیازمند آرامش درونی و احساس امنیت قلبی‌اند. و چنین خواسته‌ای تنها در پرتو «ایمان به خدا» به دست می‌آید. در غزوۀ حنین، مسلمانان دچار شکستی مقطعی شدند و تشویش، نگرانی و پراکندگی بر آنان چیره شد. ولی خداوند به خاطر ایمانشان به آنها آرامش و امنیت خاطر عطا نمود تا اینکه با سازماندهی دوباره، به دشمن یورش برده و پیروز گشتند:

فَأَنزَلَ اللَّهُ سُكُوتَهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ وَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ... (فتح: ۲۶)

سپس خداوند آرامش خویش را بر پیامبرش و بر مؤمنان فروفرستاد.

**ب. امدادهای غیبی:** «لشکر زمین و آسمانها در اختیار خداوند است.»<sup>۱</sup> و «او یاری مؤمنان را بر خود واجب کرده است.»<sup>۲</sup> از این رو، خداوند هرگاه اراده فرماید، آنان را با نیروهای پنهان خویش یاری می‌رساند و این موارد، کم نیست؛ چنان‌که در جنگهای بدر، حنین و... به وضوح امداد غیبی الهی را مشاهده می‌کنیم:

بَلَىٰ إِنَّ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا وَ يَأْتُوكُمْ مِنْ فَوْرِهِمْ هَذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ. (آل عمران: ۱۲۵)

بلی، اگر پایداری کنید و با تقوا باشید، چون دشمنان یورش آورند، خداوند با پنج هزار فرشته نشاندار شما را یاری کند.

**ج. آزادی و استقلال:** این دو واژه مقدس، آرمان و انگیزه همه آدمیان است که جز در پرتو ایمان به خدا و رهایی از بندگی خدایان دروغین، تحقق نمی‌پذیرد. به تعبیر قرآن، مؤمنان هرگز حکومت و سلطه کافران را نمی‌پذیرند:

لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا. (نساء: ۱۴۱)

خداوند هرگز برای کافران، راهی بر (چیرگی بر) مؤمنان قرار نداده است.

امیر مؤمنان، علی (ع)، نیز نجات و رهایی از طاغوت و بندگی را مستلزم وجود ایمان دانسته می‌فرماید:

النَّجَاةُ مَعَ الْإِيمَانِ.<sup>۳</sup>

رهایی با ایمان است.

۱. وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ (فتح (۴۸)، آیه ۴) ۲. وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ (روم (۳۰)، آیه ۴۷)

۳. شرح غرالحکم، ج ۱، ص ۲۲۴.

## ۷. تعریف یقین

«یقین عبارت است از اعتقاد ثابت و قطعی انسان به امری که مطابق با واقع بوده و با هیچ شبهه‌ای، هر قدر هم قوی، قابل زوال نباشد.»<sup>۱</sup> مرحوم علامه طباطبائی (ره) می‌فرماید:

یقین به معنی قوت ادراک ذهنی است؛ به‌طوری که قابل زوال و ضعف نباشد.<sup>۲</sup>

برخی از روایاتی که در بیان معنی و تفسیر یقین آمده‌اند، آن را به لوازم و آثارش تعریف کرده‌اند. از رسول خدا (ص) نقل شده که فرمود:

از جبرئیل پرسیدم تفسیر یقین چیست؟ گفت: مؤمن به گونه‌ای برای خدا عمل کند که گویا او را می‌بیند؛ و اگر او خدا را نمی‌بیند، خدا او را می‌بیند. و یقیناً بداند که آنچه به او رسیده ممکن نبود از او بگذرد. و آنچه از او گذشته ممکن نبود به او برسد.<sup>۳</sup>

از امام رضا (ع) سؤال شد: یقین چیست؟ فرمود:

توکل بر خدا و تسلیم او شدن و راضی به قضای الهی بودن و همهٔ امور را به خدا وا گذاشتن.<sup>۴</sup>

## ۸. فضیلت یقین

در زمینهٔ فضیلت و ارزش یقین روایات بسیاری آمده است که برخی از آنها را یادآور می‌شویم: رسول خدا (ص) فرمود:

خَيْرُ مَا أُلْقِيَ فِي الْقَلْبِ الْيَقِينُ.<sup>۵</sup>

بهترین چیزی که در قلب افکنده شده، یقین است.

و نیز فرمود:

كُنْ بِالْيَقِينِ غَنِيًّا.<sup>۶</sup>

برای بی‌نیازی همین بس که صاحب یقین باشی.

علی (ع) نیز فرمود:

وَالْيَقِينُ تُدْرِكُ الْغَايَةَ الْقُصْوَى.<sup>۷</sup>

در سایهٔ یقین، بلندترین مرتبه به دست می‌آید.

۱. مرآة العقول، ج ۷، ص ۳۵۴، به نقل از محقق طوسی. ۲. المیزان، ج ۴، ص ۴۰، ترجمه مصباح.

۳. بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۱۷۳. ۴. همان، ص ۱۳۸.

۵. همان، ج ۶۷، ص ۱۷۳. ۶. بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۱۷۴.

۷. نهج البلاغه، خطبه ۱۵۶، ص ۴۹۴.



امام صادق(ع) فرمود:

عمل دائم و پیوسته هر چند اندک، که همراه یقین است، با ارزش تر است از عمل بسیار که بدون یقین باشد.<sup>۱</sup>

## ۹. نشانه های یقین

یکی از راه های پی بردن به وجود چیزی، بررسی در علائم و نشانه های آن است. از این رو، اگر کسی بخواهد وجود یقین و یا درجه و میزان آن را در قلب خود بیابد، باید ببیند آیا آثار و نشانه های آن را دارد یا نه؟

رسول خدا(ص) می فرماید:

علامت کسی که صاحب یقین است، شش چیز است:

- از روی حقیقت به خدا یقین کند؛ پس به او ایمان آورد؛

- یقین آورد که مرگ حق است و از آن بترسد؛

- یقین کند که قیامت حق است و از رسوایی بترسد؛

- یقین کند که بهشت حق است و خود را محاسبه کند و شیفته آن باشد؛

- یقین کند که دوزخ حق است و کوشش خود را برای نجات از آن ظاهر گرداند؛

- یقین دارد حساب حق است و خود را محاسبه کند.<sup>۲</sup>

امام صادق(ع) فرمود:

روزی رسول خدا(ص) نماز صبح را با مردم گزارد؛ سپس در مسجد نگاهش به جوانی افتاد که چرت می زد و سرش پایین می افتاد، رنگش زرد بود و تنش لاغر و چشمانش به گودی فرو رفته. رسول خدا(ص) به او فرمود: حالت چگونه است؟ عرض کرد: من صبح کردم در حالی که دارای یقین هستم. پیامبر اکرم(ص) فرمود: همانا هر یقین را حقیقتی است. حقیقت یقین تو چیست؟

جوان گفت: یا رسول الله! همین یقین من است که مرا اندوهگین ساخته و بیداری شب و تشنگی روزهای گرم را به من چشانیده و به دنیا و آنچه در آن است، بی رغبت گشته ام؛ تا آن جا که گویا عرش پروردگارم را می بینم که برای رسیدگی به حساب مردم بر پا شده و

۱. جامع السعادات، ج ۱، ص ۱۱۹.

۲. تحف العقول، ص ۲۲.

مردم برای حساب محشور شده‌اند و من هم در میان آنها هستم و گویا اهل بهشت را می‌نگرم که در نعمتند، و بر کرسی‌ها تکیه زده یکدیگر را معرفی می‌کنند و گویا اهل دوزخ را می‌بینم که در آنجا معذبند و فریادرس می‌طلبند و گویا الآن صدای زبانه‌های آتش دوزخ را می‌شنوم. آنگاه رسول خدا (ص) فرمود: «این جوان بنده‌ای است که خدا دلش را به نور ایمان روشن ساخته.» و به او فرمود: «بر این حال که داری ثابت باش.» جوان گفت: «یا رسول الله از خدا بخواه شهادت در رکابت را روزیم کند.»

رسول خدا برای او دعا فرمود. مدتی نگذشت که در جنگی همراه پیامبر (ص) شرکت کرد و او دهمین شهید جنگ بود.<sup>۱</sup>

### ۱۰. آثار یقین

یقین، برترین درجه کمال ایمان و بالاترین فضیلت انسانی است. کسی که به قله بلند یقین رسیده باشد، تمامی صفات و اخلاق حسنه را نیز کسب کرده است.

یقین قلبی، آثاری برای فرد دارد که به برخی اشاره می‌کنیم:

#### الف. آرامش روحی

کسی که صاحب یقین باشد چنان آرامش روحی و اطمینان قلبی پیدا می‌کند که همه مصیبت‌ها و ناگواری‌ها در نظرش آسان گردیده و کوچک می‌شود. امام صادق (ع) می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى بِعَذْلِهِ وَ قِسْطِهِ جَعَلَ الرُّوحَ وَالرَّاحَةَ فِي الْيَقِينِ وَالرَّضَا وَ جَعَلَ الْهَمَّ وَالْحُزْنَ فِي الشَّكِّ وَالسَّخَطِ.<sup>۲</sup>

خداوند به عدل و داد خود نشاط و آسایش را در یقین و رضا قرار داده است و غم و اندوه را در شک و ناخوشنودی.

#### ب. صبر

دومین نتیجه پرثمر یقین، صبر و استقامت در برابر مشکلات زندگی می‌باشد. حضرت علی (ع) می‌فرماید: صبر، ثمره یقین است:

الصَّبْرُ ثَمَرَةُ الْيَقِينِ.<sup>۳</sup>

۲. همان، ص ۵۷، بیروت.

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۴۴.

۳. شرح غرر، ج ۱، ص ۱۳۳.

و نیز فرموده است:

اگر (برخی از ما مسلمانان) دچار ضعف یقین نبودیم در برابر رنج و سختی کمی که امیدواریم در آینده نزدیک برطرف شود و در آینده دور (قیامت) ثواب بزرگ آن نصیبمان گردد، زبان به شکایت نمی‌گشودیم.<sup>۱</sup>

### ج. اخلاص

کسی که صاحب یقین باشد، اعمال و نیات او خالص می‌شود و جز رضای خدا کسی و چیزی را در نظر نمی‌گیرد. علی (ع) نهایت درجه یقین را «اخلاص» می‌داند:

غَايَةُ الْيَقِينِ الْإِخْلَاصُ.<sup>۲</sup>

### د. زهد

از دیگر آثار یقین زهد است؛ زیرا کسی که یقین به فنا و زوال دنیا دارد، هیچ‌گاه به آن دل نمی‌بندد. امام علی (ع) فرمود:

الرَّزْهُدُ ثَمَرَةُ الْيَقِينِ.<sup>۳</sup>

### ه. توکل

کسی که یقین دارد در عالم هستی مؤثری جز خدا نیست، در تمام امورش فقط به خدا توکل نموده، اعتمادش تنها به قدرت لایزال الهی می‌باشد که یکی دیگر از آثار یقین است. علی (ع) می‌فرماید:

التَّوَكُّلُ مِنْ قُوَّةِ الْيَقِينِ.<sup>۴</sup>

توکل، نشانه قوت یقین است.

### و. رضا و تسلیم

از ثمرات ارزشمند دیگر یقین، رضا و تسلیم است صاحب یقین، در برابر آنچه از سوی خداوند برایش مقدر شده است. او در برابر قضای الهی تسلیم است. امام علی (ع) می‌فرماید:

الرِّضَا ثَمَرَةُ الْيَقِينِ.<sup>۵</sup>

رضا ثمره یقین است.

۱. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۲۵۵. ۲. شرح غررالحکم، ج ۴، ص ۳۶۹.  
 ۳. همان، ج ۱، ص ۱۲۵. ۴. شرح غررالحکم، ج ۱، ص ۱۸۴.  
 ۵. همان، ص ۱۹۰.

امام صادق (ع) می‌فرماید:

الرَّضَا بِمَكْرُوهِ الْقَضَاءِ مِنْ أَعْلَى دَرَجَاتِ الْيَقِينِ.<sup>۱</sup>

راضی بودن به قضای مکروه، نشانه‌ی برترین درجات یقین می‌باشد.

### ز. آسان شدن انفاق

برای کسی که صاحب یقین است، انفاق مال در راه خدا، آسان است؛ زیرا او یقین دارد که هر چه را انفاق کند، عوض آن را می‌گیرد؛ و این وعده‌ی خداوند است. پس هنگام بذل و بخشش، دستش باز است و با جود و سخاوت بیشتری انفاق می‌کند. امام علی (ع) می‌فرماید:

اسْتَنْزِلُوا الرِّزْقَ بِالصَّدَقَةِ وَ مَنْ أَتَقَنَ بِالْخَلْفِ جَادَ بِالْعَطِيَّةِ.<sup>۲</sup>

با دادن صدقه روزی را طلب کنید؛ چون کسی که به گرفتن عوض، یقین دارد، در بخشیدن سخاوتمند است.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۱۳۲، ص ۱۱۵۲.

۱. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۵۲.

## درس دوم

### جهاد و شهادت طلبی

#### ۱. معنای جهاد

«جهاد» در لغت به معنی «کوشش کردن»<sup>۱</sup> و در اصطلاح به معنای «به کار بردن تمام توان در جنگ با دشمن»<sup>۲</sup> است. براین اساس، مجاهد کسی است که با تمام توان، همه امکانات خویش را در راه هدف و دستیابی به آن به کار گیرد.

#### ۲. ارزش جهاد و مجاهد

«جهاد و مجاهد» در فرهنگ اسلامی از ارزش والایی برخوردار می‌باشند. قرآن کریم رغبت به جهاد را در ردیف دوستی خدا و پیامبر اکرم (ص) قرار داده می‌فرماید:

قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ... أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ. (توبه: ۲۴)

بگو: اگر پدرانتان و فرزندانان و برادرانتان و زنانان... برای شما از خدا و پیامبرش و جهاد در راه او، دوست‌داشتنی‌تر است، منتظر باشید تا خدا فرمان خویش بیاورد و خداوند فاسقان را دوست ندارد.

قرآن درباره فضیلت مجاهدان نیز می‌فرماید:

فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً... وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا. (نساء: ۹۵)

خداوند کسانی را که با مال و جان خویش جهاد می‌کنند، بر آنان که از جنگ سر می‌تابند،

۱. فرهنگ عمید، واژه جهاد.

۲. نه‌ایه، ابن اثیر، ماده جهاد.

به درجه‌ای برتری داده است... و خداوند با پاداشی عظیم، مجاهدان را بر قاعدان، برتری داده است.

### ۳. اخلاقیات مجاهد

**الف. اخلاص:** از مهمترین خصوصیات اخلاقی مجاهدان راه حق، پاکی نیت است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ. (نساء: ۷۶)  
آنان که ایمان آورده‌اند، در راه خدا می‌جنگند و آنان که کافر شده‌اند، در راه شیطان [می‌جنگند].

امیر مؤمنان (ع) نیز می‌فرماید:

وَلْتَصُدَّقْ بِنِيتِكُمْ فِي جِهَادِ عَدُوِّكُمْ.<sup>۱</sup>

نیتتان در جنگ با دشمن، باید راست (و خالص) باشد.

**ب. ارتباط با خدا:** قرآن کریم مجاهدان راستین را این‌گونه وصف می‌کند:

الَّذِينَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ. (توبه: ۱۱۲)

توبه‌کنندگانند، پرستندگانند، ستاینده‌اند، پوینده‌اند، رکوع‌کنندگانند، سجده‌کنندگانند، امرکنندگان به معروف و نهی‌کنندگان از منکرند و حافظان حدود خدایند و مؤمنان را بشارت ده.

امیر مؤمنان، علی (ع)، در صفین، لشکریانش را به ارتباط با خدا توصیه کرده می‌فرماید:

«أَلَا إِنَّكُمْ لَا قُوَّةَ لِعَدُوِّ عَدَا إِنْ شَاءَ اللَّهُ فَاطْبِلُوا اللَّيْلَةَ الْقِيَامَ وَ أَكْثَرُوا تِلَاوَةَ الْقُرْآنِ وَأَسْأَلُوا اللَّهَ الصَّبْرَ وَالنَّصْرَ وَأَلْقُوهُمْ بِالْجِدِّ وَالْحَزْمِ وَ كُونُوا صَادِقِينَ»<sup>۲</sup>  
«فَاقْلُوا الْكَلَامَ وَ أَكْثَرُوا ذِكْرَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ»<sup>۳</sup>

به خواست خدا، فردا با دشمن رو به رو خواهید شد. بنابراین، نمازتان را امشب طولانی کنید. زیاد قرآن بخوانید و صبر در میدان و پیروزی بردشمن را از خدا بطلبید و با جدیت و

۱. نهج البلاغه، ص ۶۳۴

۲. بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۳۵

۳. همان، ص ۲۱

قاطعیت به ملاقات دشمن بروید و - در نیت و کردارتان - صادق باشید و کم حرف بزنید و بیشتر خدا را یاد کنید.

ج. امر به معروف و نهی از منکر: از دیگر ویژگی‌های برجسته رزمندگان اسلام، امر به معروف و نهی از منکر است.

سالار شهیدان حضرت امام حسین (ع) نیز یکی از اهداف قیام خود را علیه یزید این گونه بیان می‌کند:

إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي أُرِيدُ أَنْ أَمُرَّ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ.<sup>۱</sup>

همانا برای طلب اصلاح امت جدم خارج شدم و می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم.

د. دلسوزی برای ضعیفان: رأفت و مهربانی بر ضعیفان و سخت‌گیری بر ظالمان باید از خصیصه‌های بارز رزمندگان و نظامیان مسلمان باشد. حضرت علی (ع) در سفارش به مالک اشتر درباره صفات لشکریانش می‌فرماید:

وَيَزَافُ بِالضُّعْفَاءِ وَيَتَّبِعُ عَلَى الْأَقْوِيَاءِ.<sup>۲</sup>

با ضعیفان مهربانی و بر زورمندان سخت‌گیری می‌کند.

ه. پندپذیری و پاکدلی: رزمنده مسلمان باید به پند و نصیحت دوستان مبارزش گوش فرا دهد و پاکدل و راست‌گفتار باشد. روحیه پندپذیری اگر با پاکدلی توأم باشد، موجب الفت و مهربانی بین نیروها می‌شود و سرانجام باعث پیروزی و عزت لشکر اسلام می‌گردد.

قرآن کریم الفت را بالاترین سرمایه یک سپاه دانسته، می‌فرماید:

وَالْفَّ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَتْ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ.... (انفال: ۶۳)

خدا دل‌های ایشان را - در جنگ بدر - به یکدیگر مهربان ساخت اگر تو (ای پیامبر) همه آنچه را که در روی زمین است انفاق می‌کردی، دل‌های ایشان را به یکدیگر مهربان نمی‌ساختی؛ ولی خدا دل‌هایشان را با هم مهربان کرد.

حضرت علی (ع) درباره صفات نظامیان به مالک اشتر فرمود:

قَوْلٌ مِنْ جُنُودِكَ أَنْصَحَهُمْ فِي نَفْسِكَ... وَ اتَّقَاهُمْ جُنًّا.<sup>۳</sup>

از لشکریانت کسی را انتخاب کن که پیش تو پند پذیرتر و پاکدل‌تر باشد.

۲. نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۱۰۰۵.

۱. مقتل، خوارزمی، ج ۱، ص ۱۸۸.

۳. نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۱۰۰۵.

و. بصیرت و روشن بینی: حضرت امیر(ع) درباره خصوصیات اصحاب پیامبر(ص) می فرماید:

حَمَلُوا بَصَائِرَهُمْ عَلَى أَسْيَافِهِمْ.<sup>۱</sup>

بینش خویش را بر شمشیرهایشان حمل می کردند [یعنی شمشیر زدندان از روی بصیرت و آگاهی بود].

ز. بردباری: رزمنده اسلام باید در برابر تمام سختیهای جهاد اعم از شدت فشار دشمن، سنگینی سلاح و مهمات، دوری از شهر و دیار، گرسنگی و تشنگی... بردبار و صبور باشد. حضرت علی(ع) به مالک درباره بهترین سربازانش فرمود:

قَوْلٌ مِنْ جُنُودِكَ... أَفْضَلُهُمْ حِلْمًا مِمَّنْ يَنْطِيءُ عَنِ الْغَضَبِ.<sup>۲</sup>

از سپاهیان کسی را برگزین که بردبارتر باشد؛ از کسانی که دیر به خشم می آیند.

#### ۴. آداب جهاد

الف. اطاعت از فرماندهی: یکی از ویژگی های فرد نظامی، اطاعت از فرمانده می باشد که قوام و قدرت جنگ به آن بستگی دارد.

از مسائلی که امیر مؤمنان، علی(ع)، در جنگ صفین با آن رو به رو گشت، سرباز زدن نیروها از او امر فرماندهی بود. از این رو، آنان را نفرین کرده، فرمود: «خدا شما را بکشد که دل مرا بسیار چرکین کرده اید.»<sup>۳</sup>

رزمنده ای که از فرمانده اش اطاعت نکند، وجود او در بین سپاه، نتیجه ای جز بی نظمی و هرج و مرج نخواهد داشت و سرانجام چنین لشکری، حتی اگر فرمانده اش امام معصوم نیز باشد، جز شکست نخواهد بود.

ب. خودداری از شروع جنگ: مولای متقیان(ع) در نبرد صفین به یاران خود فرمود:

لَا تُقَاتِلُوهُمْ حَتَّى يَبْدُؤُكُمْ.<sup>۴</sup>

با دشمن نجنگید تا آنان جنگ را آغاز کنند.

ج. متعرض اسیران و افراد غیرنظامی نشدن: رهبر اسلام(ص) همواره به نیروهای رزمی خود

چنین سفارش می فرمود:

۱. همان، خطبه ۱۵۰، ص ۴۶۰.

۲. نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۱۰۰۵.

۳. همان، خطبه ۲۷، ص ۹۸.

۴. همان، نامه ۱۴، ص ۸۵۸.



لَا تَقْتُلُوا شَيْخًا فَانِيًّا وَلَا صَبِيًّا وَلَا امْرَأَةً.<sup>۱</sup>

پیرمرد فرتوت و کودک و زن را نکشید.

امام صادق (ع) می فرماید:

لَيْسَ لِأَهْلِ الْعَدْلِ أَنْ يَقْتُلُوا أَسِيرًا.<sup>۲</sup>

کشتن اسیران بر انسانهای عادل جایز نیست.

د. مدارا با فراریان، مجروحان و معلولان: حضرت علی (ع) در جنگ صفین به نیروهای

خود فرمود:

فَلَا تَقْتُلُوا مُدْبِرًا وَلَا تُصِيبُوا مُغَوِّراً وَلَا تُجْهِزُوا عَلَى جَرِيحٍ.<sup>۳</sup>

گریخته را نکشید و درمانده را زخمی نکنید و زخم خورده را از پا در نیاورید.

ه. حفظ منابع طبیعی: پیامبر اکرم (ص) خطاب به لشکریانش می فرماید:

لَا تُحْرِقُوا النَّخْلَ وَلَا تُغْرِقُوهُ بِالْمَاءِ وَلَا تَقَطَّعُوا شَجَرَةً مُثْمِرَةً وَلَا تُحْرِقُوا زَرْعًا.<sup>۴</sup>

درخت خرما را نسوزانید و آن را در آب غرق نکنید و درخت میوه را قطع نکنید و زراعتها را

نسوزانید.

و. مثله نکردن: امیر مؤمنان (ع) فرمود:

وَلَا تَمَثِّلُوا بِقَتِيلٍ.<sup>۵</sup>

بدن کشته ای را پاره پاره نکنید.

ز. احترام به اموال و آبروی دشمن: حضرت علی (ع) می فرماید:

إِذَا وَصَلْتُمْ إِلَى رِجَالِ الْقَوْمِ فَلَا تَهْتِكُوا سِتْرًا وَلَا تَدْخُلُوا دَارًا وَلَا تَأْخُذُوا شَيْئًا مِنْ أَمْوَالِهِمْ.<sup>۶</sup>

هنگامی که به شهرهای دشمن رسیدید، پرده دری نکنید و داخل منازلشان نشوید و

اموالشان را نگیرید.

ح. مسموم نکردن دشمن: در قوانین اسلامی مسموم کردن آب و خوراکیهای دشمن مجاز نیست:

نَهَى رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَنْ يُلْقَى السَّمُّ فِي بِلَادِ الْمُشْرِكِينَ.<sup>۷</sup>

رسول گرامی اسلام از ریختن سم در بلاد مشرکان نهی فرموده است.

۱. بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۵.

۲. جامع الاحادیث، ج ۱۳، ص ۹۴.

۳. نهج البلاغه، نامه ۱۴، ص ۸۵۸.

۴. جامع الاحادیث، ج ۱۳، ص ۱۱۸.

۵. همان، ص ۱۲۳.

۶. جامع الاحادیث، ج ۱۳، ص ۱۲۳.

۷. همان، ص ۱۵۳.

ط. رعایت اصول اسلامی: جنگ در عرف انسانی و بین المللی، قانون خاصی دارد. به جرئت می توان گفت هیچ سپاهی چون سپاه اسلام، قانون انسانی جنگ را مراعات نکرده است. در جنگ صفین، پس از آنکه سپاهیان معاویه میان رودخانه فرات و سپاهیان علی (ع) حایل شدند، امام (ع) با سخنانی آتشین نیروهای خود را علیه یاران معاویه بسیج کرد و در حمله ای بی امان آنان را از کنار رودخانه دور ساخت. در این هنگام، یکی از یاران آن حضرت گفت: ای امیر مؤمنان! مانیز آب را بر سپاهیان معاویه می بندیم. ایشان فرمود: «ما برای کاری بزرگتر از این آمده ایم. به خدا سوگند من آنها را به کار خودشان مکافات نمی کنم. آب را بر آنان بازگذارید.»<sup>۱</sup>

این سخن امام که «ما برای کاری بزرگتر از این آمده ایم» نمایانگر رعایت اصولی انسانی از سوی مجاهدان راه خدا در میدان نبرد است.

#### ۴. شهادت طلبی

از دیگر ویژگی های اخلاقی افراد نظامی، روحیه شهادت طلبی است. بدین معنا که انسان، هستی خود را امانتی از جانب خدا تلقی کند، او را مالک مطلق و خود را مملوک بداند، از خویشتن دست بشوید و رضایت خدا را بجوید و در همه حال به ویژه در میدان جنگ و به هنگام تهاجم، خود را در زیر سایه رحمت خاص الهی ببیند. شهادت طلب بودن، هرگز به معنای نفی تفکر در اصول و فنون جنگ و پیکار و نادیده گرفتن مطالعه بنیادین در راههای کسب فتح و پیروزی نیست؛ یعنی یک سلحشور مؤمن نباید تنها به شهادت بیندیشد، بلکه باید در مورد فتح و ظفر نیز تدبّر کند و به ضرورت های نظامی و تسلیحاتی اهمیت فراوان دهد. همچنین برای حفظ جان خود بکوشد و به فعالیت و مقاومت روانی ادامه دهد و با عشق و علاقه گام بردارد تا سرانجام خداوند «إِخْدَى الْحُسَيْنِ» را نصیب وی گرداند. حضرت علی (ع) هنگام تشویق نیروهای خود برای حمله به دشمن فرمود:

طَبِّبُوا عَنْ أَنْفُسِكُمْ نَفْسًا وَأَمْسُوا إِلَى الْمَوْتِ مَشْيًا سَجًّا.<sup>۲</sup>

خود را خرم و سرخوش دارید و با آسانی و سبک جانی به سوی مرگ گام بردارید.

۱. ناسخ التواریخ، ج ۲، ص ۱۰۷.

۲. نهج البلاغه، فیض الاسلام، خطبه ۶۵ ص ۱۵۸، مرکز نشر آثار فیض الاسلام.

## ۵. جایگاه مکتبی شهادت طلبی

شهادت طلبی در فرهنگ ائمه و اهل بیت (ع) جایگاه خاصی دارد. امامان معصوم (ع) نه تنها هنگام نبرد و در میدان جنگ، بلکه در زمان صلح و در سراسر حیات خود شهادت را از خداوند می طلبیدند و آن را با سیاست می آمیختند؛ چنان که حضرت علی (ع) در پایان عهدنامه مالک اشتر نوشت:

... وَ أَنْ يَحْتَمِلَ لِي وَ لَكَ بِالسَّعَادَةِ وَالشَّهَادَةِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ.<sup>۱</sup>

و از خدا می خواهم که کار من و تو را به سعادت به پایان برساند و شهادت را نصیبمان گرداند.

امام سجاد (ع) در نیایش خود می گوید:

... حَمْدًا نَسْعُدُ بِهِ فِي السَّعَادَةِ مِنْ أَوْلِيَائِهِ وَ نَصِيرُ بِهِ فِي نَظْمِ الشُّهَدَاءِ بِسُيُوفِ أَعْدَائِهِ.<sup>۲</sup>

[خداوند را می ستاییم] ستایشی که با آن، همراه نیک بختان روی نیک بختی بینیم و در شمار دوستان او در آییم و به شهدا که با شمشیر دشمنانش به شهادت رسیده اند بپیوندیم و در جمع آنان باشیم.

## ۶. مبانی شهادت طلبی

صاحب هر اندیشه و عملی نمی تواند، حرکتها، فعالیتها و جهت گیریهای مبارزاتی و رزمی خود را شهادت طلبانه دنبال کند؛ زیرا شهادت طلبی بر مبنای سلسله اصول فکری و عملی استوار است و تنها کسانی می توانند به آن مرحله دست یابند، که پایه های آن را مستحکم ساخته باشند. آن پایه ها عبارتند از:

**الف. ایمان مذهبی:** این تنها عاملی است که می تواند بشر را زیر نفوذ واقعی خود قرار دهد و به حیات آدمی بهجت و تحرک بخشد و جهت تازه و مثبت دهد و در ضمیرش انقلابی ایجاد کند به وی امنیت درونی و عشق و امید داده و اضطرابها و نگرانیها و دلهره ها را از او بزدايد.<sup>۳</sup> چنین کسی باکی ندارد که به مرگ برسد و یا مرگ سراغ او بیاید و این وعده محتوم و قطعی خداوند است:

۱. نهج البلاغه، فیض الاسلام، نامه ۵۳، ص ۱۰۳۴. (همین طور، ر.ک: دعای شب های ماه رمضان و تفسیر نورالثقلین ذیل آیه ۲۳ سوره احزاب و...).

۲. صحیفه سجادیه، دعای ۱.

۳. با استفاده از مجموعه آثار، شهید مرتضی مطهری، ج ۲، ص ۵۱۸.

مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ. (عنکبوت: ۵)

هر کس که به دیدار خداوند امیدوار باشد، [بداند که] وقت [دیدار] خداوند به یقین آمدنی است.

حضرت امام حسین (ع) در روز عاشورا پس از نماز صبح، خطابه کوتاهی ایراد نمود و در آن چنین فرمود:

اندکی صبر و استقامت کنید، مرگ جز پلی نیست که شما را از ساحل درد و رنج به ساحل سعادت و کرامت و بهشت‌های وسیع عبور می‌دهد.<sup>۱</sup>

ب. شایستگی عملی: شهادت طلبی، جایگاه رفیعی است که نیل به آن، برای هر کس به سادگی ممکن نیست. انسان مؤمن برای آنکه بتواند به این اندازه از اعتلای روحی برسد که کشته شدن در راه معبود را چون شربت‌تی گوارا تلقی کند، لازم است پیشاپیش، خود را برای پذیرش مرگ عادی آماده کند؛ بدین معنا که در انجام دادن واجبات و پرهیز از محرمات بکوشد که هر لحظه‌ای که اجلس فرا رسید، برای آینده پس از مرگ خود احساس نگرانی نکند؛ چنان‌که حضرت علی (ع) می‌فرماید:

فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ وَ بَادِرُوا أَجَالَكُمْ بِأَعْمَالِكُمْ.<sup>۲</sup>

ای بندگان خدا از [نافرمانی] خدا بپرهیزید و با اعمال نیک خود بر اجلهاتان پیشی بگیرید. حضرت امام سجّاد (ع) نیز می‌فرماید:

إِنَّمَا الْأُسْتَعْدَادُ لِلْمَوْتِ تَحْتَبُّ الْحَرَامُ وَ بَدُلُ النَّدَى فِي الْحَيْرِ.<sup>۳</sup>

آمادگی برای مرگ، پرهیز از کارهای حرام و دست و دل باز بودن در نیکوکاری است. وقتی با احراز شایستگی‌های عملی مسئله مرگ برای آدمی حل شد، او شایستگی گام برداشتن در میدانی وسیع‌تر (شهادت طلبی) را پیدا می‌کند. امام علی (ع) در این باره می‌فرماید:

وَاللَّهِ لَا بِنُ أَبِي طَالِبٍ أَنَسُ بِالمَوْتِ مِنَ الطُّفْلِ بِثَدْيِ أُمِّهِ.<sup>۴</sup>

به خدا سوگند! علاقه فرزند ابوطالب به مرگ از علاقه طفل شیرخوار به پستان مادر بیشتر است.

امام حسین (ع) در هنگام خروج از مکه ضمن خطابه‌ای می‌فرماید:

۱. مجموعه آثار، شهید مرتضی مطهری، ج ۲، ص ۵۱۸. ۲. نهج البلاغه، خطبه ۶۳، ص ۱۵۲. ۳. بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۶۶. ۴. نهج البلاغه، خطبه ۵، ص ۵۷.

وَمَا أَوْلَىٰ إِلَيَّ اِشْتِيَاقِ اَسْلَافِي اِشْتِيَاقَ يَعْقُوبَ إِلَىٰ يُوسُفَ.<sup>۱</sup>

و من به دیدار نیاکانم آنچنان اشتیاق دارم [درست] مانند اشتیاق یعقوب به دیدار یوسف.  
ج. بینش و درک صحیح: معرفت و بصیرت قلبی، ایمان مذهبی افراد را از خرافات، جمود فکری و تعصب کورکورانه دور نگه می‌دارد از این رو، اگر روحیه شهادت طلبی باینش و آگاهی همراه نباشد، ممکن است به نیروی توفنده‌ای زودگذر و باطل‌گرا مبدل شده انسان را در مجاری باطل قرار دهد. نمونه‌اش را در خوارج صدر اسلام و بعد به گونه‌های مختلف دیدیم و هنوز هم شاهدیم. آنها هم ایمان مذهبی داشتند و هم اهل تهجد و قرآن بودند، ولی چون در دین خود بصیرت کامل نداشتند، شهادت را در میدان جنگ با امیرمؤمنان می‌جستند؛ چراکه در باورهای مکتبی خود به مرحله یقین نرسیده بودند. امام باقر(ع) می‌فرماید:

وَلَا نُورُ كُتُورِ الْيَقِينِ.<sup>۲</sup>

نوری همانند نور یقین وجود ندارد.

این گروه ره‌گم‌کردگانی بودند که در دل تاریکی «شاهراه» می‌جستند. امام صادق(ع) می‌فرماید:

اَلْعَامِلُ عَلَىٰ غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَىٰ غَيْرِ الطَّرِيقِ فَلَا تَزِيدُهُ سُرْعَةُ السَّيْرِ اِلَّا بُعْدًا.<sup>۳</sup>

آن‌که کاری را بدون بصیرت [و آگاهی لازم] انجام دهد، همانند کسی است که در بیراهه گام نهد. تند رفتن جز دور شدن (از مقصد) نتیجه دیگری ندارد.

## ۷. نشانه‌های شهادت طلبی

الف. اقدام سریع: کسی که روحیه شهادت طلبی دارد، در اجرای فرمان صادره تعلل نمی‌ورزد؛ زیرا بهانه‌جویی و در پی فرصت بودن، از علائم مسلم ترس از مرگ است. بر خلاف شجاعت و اقدام سریع و بجا که از نشانه‌های روحیه شهادت طلبی است و نمونه زیر گواه صادق بر این دو مقوله و تجسم عینی آنهاست:

در روز جمل چون هر دو طرف صف آراستند و برای جنگ آماده شدند، از طرف اصحاب جمل تیرباران شروع شد. امیرالمؤمنین پرچم را به دست فرزندش محمد سپرده فرمان

۱. الملهوف علی قتلی الطفوف، ابن طاووس، ص ۱۲۶. ۲. تحف العقول، ص ۲۰۸.

۳. تحف العقول، ص ۲۶۶.

حمله داد. محمد، توقفی کرد. مرتبه دوم فرمان داد. محمد گفت: ای امیر المؤمنین (ع)! می‌نگری که تیرها چون رگبار، فضا را تاریک کرده است. حضرت با دست خود، به سینه‌اش زد و پرچم را گرفت و فرمود: «خُلِقَیْ از طرف مادر بر تو چیره شد.» سپس حضرت خود پرچم را حرکت داد رَجَزِی خواند، به دشمن حمله برد. به دنبال آن، زُبده سواران به تاخت و تاز آمدند، لشکر بصره را به هم پیچیدند و به مواضع خود برگشتند.<sup>۱</sup>

**ب. انفعال ناپذیری:** بدین معنا که کتبت، کیفیت، امکانات و تسلیحات زیاد و همچنین فزونی یا کاستی نیروی دشمن، در پیشروی یا عقب‌نشینی یک سلحشور فداکار و شهادت طلب تأثیر نبخشیده او را منفعل نمی‌سازد. گفتار و کردار امام علی (ع) در این باره، مصداقی صادق و نمونه‌ای بارز است.

عقیل بن ابی طالب، برادر امام (ع) هنگامی که در مکه بود در مورد جریانهای کوفه و حمله صَحَّاک بن قیس، نامه‌ای به حضرت نوشت و ضمن مسائلی نظر او را درباره این جنگ جو یا شد. حضرت در پاسخ وی نوشت:

وَأَمَّا مَا سَأَلْتُ عَنْهُ مِنْ رَأْيِي فِي الْقِتَالِ، فَإِنَّ رَأْيِي قِتَالُ الْمُحِلِّينَ حَتَّى آتَى اللَّهَ، لَا يَزِيدُنِي كَثْرَةَ النَّاسِ حَوْلِي عِزَّةً، وَلَا تَقَرُّهُمْ عَنِّي وَحْشَةً.<sup>۲</sup>

و اما در مورد پرسشت از رأی من درباره این نبرد خونین، باید بگویم که رأی من، جنگ با جنگ افروزان است. تا آنکه به دیدار خدا بشتایم. نه انبوهی مردم در گرداگردم بر عزتم می‌افزاید و نه پراکنده شدنشان به هراسم می‌افکند.

۱. پرتوی از نهج البلاغه، محمدمهدی جعفری، ص ۱۹۴-۱۹۵.

۲. نهج البلاغه، نامه ۳۶، ص ۹۴۷.

درس سوم

## عبودیت و بندگی در برابر خدا؛ اطاعت و فرمانبری از رهبری

### ۱. تعریف عبودیت

عبودیت، اظهار خضوع است<sup>۱</sup>؛ خضوع در برابر کسی که نهایت انعام و اکرام را در حق مخلوقاتش روا داشته و او کسی جز خدای سبحان نیست.

قرآن کریم طی آیات متعددی این معنا را مورد تأیید قرار داده و از پروردگار به عنوان حقیقت مطلق و حاکم بر کل هستی یاد کرده و عبودیت بشر در پیشگاه الهی را مطرح نموده است.<sup>۲</sup> در اینجا به دو آیه بسنده می‌کنیم. در آیه‌ای به بندگی و فرمانبرداری همه موجودات اشاره کرده می‌فرماید:

إِنَّ كُلَّ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا إِلَٰهَ الرَّحْمَنِ عَبْدًا. (مریم: ۹۳)

تمامی کسانی که در آسمانها و زمین هستند، بنده اویند.

در آیه‌ای دیگر تسبیح و عبادت همه موجودات را مورد تأکید قرار داده می‌فرماید:

وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ... (اسرا: ۴۴)

هر موجودی تسبیح و حمد او می‌گوید.

انسان نیز به عنوان اشرف مخلوقات از نظر وجود و بقا نیازمند و وابسته به پروردگار است و سراسر وجودش به عبودیت پروردگار اعتراف دارد، اما در مقام عمل، چون دارای اختیار است، می‌تواند عبودیت الهی را پذیرفته به سوی کمال مطلوب و حقیقی‌اش گام بردارد، و یا از بندگی حق روی بر تافته راه شقاوت را در پیش گیرد. براین اساس، امام باقر (ع) به معنای واقعی عبودیت و بندگی اشاره کرده می‌فرماید:

۱. مفردات، ص ۳۱۹.

۲. ر. ک. به سوره جمعه (۶۲)، آیه ۱، سوره نحل (۱۶)، آیه ۴۸، سوره رعد (۱۳)، آیه ۱۳ و....

لَا يَكُونُ الْعَبْدُ عَابِدًا لِلَّهِ حَقَّ عِبَادَتِهِ حَتَّى يَنْقَطِعَ عَنِ الْخَلْقِ كُلِّهِمْ إِلَيْهِ...<sup>۱</sup>

بنده، حق عبادت و بندگی خدا را به جا نخواهد آورد، مگر آنکه از همه خلق گسسته و به او بپیوندد.

امام صادق (ع) نیز حقیقت عبودیت الهی را بیان کرده می‌فرماید:

حقیقت عبودیت در سه چیز است: ۱- بنده، خود را مالک داده‌های الهی نداند؛ زیرا بندگان مالک چیزی نمی‌شوند، بلکه مال را مال خدا می‌دانند و در همان راهی که فرموده به مصرف می‌رسانند. ۲- خود را در تدبیر امور ناتوان بداند. ۳- به انجام اوامر و نواهی الهی اشتغال ورزد.<sup>۲</sup>

## ۲. ارزش عبودیت

قرار گرفتن در مسیر بندگی خداوند از چنان ارزش و الایی برخوردار است که خداوند متعال از آن به عنوان هدف آفرینش یاد کرده می‌فرماید:

وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ. (ذاریات: ۵۶)

من جنّ و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند [و از این راه، تکامل یابند و به من نزدیک شوند].

در آیه‌ای دیگر، دعوت به عبودیت الهی را شعار همه پیامبران و علت اصلی بعثت آنها دانسته می‌فرماید:

وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ... (نحل: ۳۶)

ما در هر امتی رسولی برانگیختیم که خدا را بپرستید و از طاغوت اجتناب کنید.

## ۳. مراتب عبودیت

بندگی خدا مراتبی دارد و هر کس با توجه به نیت و عمل خود به مرتبه‌ای از آن دست می‌یابد. امام صادق (ع) در این باره می‌فرماید:

إِنَّ النَّاسَ يَعْبُدُونَ اللَّهَ عَلَى ثَلَاثَةِ أَصْنَافٍ: صِنْفٌ مِنْهُمْ يَعْبُدُونَهُ رَجَاءً تَوَابِهِ فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْخُدَّامِ وَ صِنْفٌ مِنْهُمْ يَعْبُدُونَهُ خَوْفًا مِنْ نَارِهِ فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ وَ صِنْفٌ مِنْهُمْ يَعْبُدُونَهُ حُبًّا لَهُ فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْكِرَامِ.<sup>۳</sup>

۲. بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۲۵.

۱. مجموعه ورام، ج ۲، ص ۱۰۸.

۳. بحار الانوار، ج ۸، ص ۲۰۰.



مردم خدا را سه گونه می‌پرستند: دسته‌ای او را به امید دستیابی به ثواب می‌پرستند و این عبادت خدمتگزاران [و مزدوران] است؛ دسته دیگر به دلیل ترس از آتش جهنم به عبادت او مشغولند و این عبادت بردگان و غلامان است؛ اما دسته‌ای از مردم هستند که تنها به خاطر عشق و محبتی که به خدا دارند، او را می‌پرستند و این عبادت کریمان و آزادگان است. بنابراین بالاترین مرتبه عبودیت و بندگی، پرستش خالصانه و از روی محبت و به دور از هرگونه شائبه است. امیر مؤمنان (ع) با تأکید بر این مرتبه از پرستش می‌فرماید:

إِلَهِي مَا عَبْدْتُكَ خَوْفًا مِنْ عِقَابِكَ وَلَا طَمَعًا فِي ثَوَابِكَ وَلَكِنْ وَحْدُكَ أَهْلًا لِلْعِبَادَةِ فَعَبَدْتُكَ.<sup>۱</sup>

خدایا من تو را به خاطر ترس از عذاب و طمع دستیابی به ثواب عبادت نمی‌کنم، بلکه تو را شایسته و سزاوار عبادت یافته‌ام. پس عبادتت می‌کنم.

امام سجاد (ع) نیز می‌فرماید:

من نمی‌پسندم که خدا را به امید ثوابش عبادت کنم و مانند بنده طمعکار فرمانبری باشم که چون طمع کند، عمل نماید و اگر طمعی نباشد، کاری انجام ندهد. و نیز نمی‌پسندم که به دلیل ترس از عذاب عبادتش کنم و مانند بنده بدکاری باشم که اگر نترسد، کاری انجام ندهد. به آن حضرت عرض شد: پس به چه دلیل، خدا را می‌پرستی؟ فرمود: به خاطر نعمتهای بی‌پایان و انعام و اکرامی که به من ارزانی داشته او را شایسته و سزاوار پرستش یافته و می‌پرستم.<sup>۲</sup>

#### ۴. آثار عبودیت

اطاعت از یگانه خالق هستی و بندگی او برکات فراوانی را در پی دارد که به بیان برخی از آنها می‌پردازیم:

**الف. آرامش قلبی:** بندگی خدا، آرامش قلبی خاصی را در انسان ایجاد می‌کند که هیچ‌گاه حزن و اندوهی او را فرا نگیرد. دردی جز فراق یار در او راه پیدا نخواهد کرد؛ زیرا او با موجودی مرتبط می‌شود که به همراه رحمت عام خود، رحمت خاصش را نیز شامل حال او گردانیده و در کوران حوادث زندگی و مشکلات طاقت‌فرسای آن تنها تکیه گاه مطمئن و بهترین یار و یاورش می‌باشد. امام علی (ع) به این حقیقت اشاره کرده می‌فرماید:

۲. مجموعه وزام، ج ۲، ص ۱۰۸.

۱. همان، ج ۴۱، ص ۱۴.

عِبَادَ اللَّهِ، إِنَّهُ مَنْ يُطِيعَ اللَّهَ، يَأْمَنُ وَ يَسْتَبْشِرُ...<sup>۱</sup>

بندگان خدا! هر کس که خدا را اطاعت و فرمانبرداری کند، آسوده خاطر و خرم خواهد شد.  
 ب. حرّیت و آزادی: بندگی پروردگار، آدمی را آزاد مرد می‌سازد و چنان نیرویی در وجود او قرار می‌دهد که آن فرد در برابر هیچ ذلّتی سر خم نمی‌کند. نه در برابر مستکبران و زورمداران سر تعظیم فرود می‌آورد، نه در مهالک گناه می‌لغزد، نه در خوشی و روآوری دنیا خود را می‌بازد و نه درگیر و دار مشکلات، مأیوس و سرخورده می‌گردد؛ بلکه او همواره «حرّ» و «آزاده» است و با عبودیت الهی از حرّیت و آزادی خود - که هماهنگ با فطرت و سرشتش نیز می‌باشد - پاسداری می‌کند. امام علی (ع) در این باره می‌فرماید:

لَا تَكُونَنَّ عَبْدَ غَيْرِكَ وَ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ حُرًّا<sup>۲</sup>

هرگز بنده غیر خود مباش؛ چرا که خداوند تو را آزاد آفریده است.

ج. صبغة الهی اعمال: عبودیت به اعمال انسان رنگ و صبغة الهی می‌دهد. امام خمینی (ره) در

این باره می‌فرماید:

انسان اگر عبودیت خدا را فقط، بندگی خدا را فقط بپذیرد و از عبودیت سایر چیزها یا سایر اشخاص احتراز کند، از کانال عبودیت خدا در دنیا وارد بشود، در طبیعت وارد بشود، از کانال عبودیت خدا مدرسه برود، در وزارتخانه وارد بشود، در جامعه وارد بشود، هر کاری که انجام بدهد، عبادت است؛ برای اینکه مبدأ عبودیت خداست. شما ملاحظه کردید که در قرآن شریف و همین طور در نماز، وقتی که می‌خوانید نماز را، نسبت به رسول اکرم (ص) «عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ» عبد را بر رسالت مقدم داشتند و ممکن است که اصل این، اشاره به این باشد که از کانال عبودیت به رسالت رسیده است؛ از همه چیز آزاد شده است و عبد شده است؛ عبد خدا نه عبد چیزهای دیگر.<sup>۳</sup>

د. ایمنی از دامهای شیطان: بندگی خالصانه خداوند، انسان را از دسترس شیطان و از دامهای اهریمنی و هلاک‌کننده او نجات می‌دهد. شیطان خود به عجزش در گمراه کردن بندگان خالص خدا اعتراف کرده، به علت طرد شدن از درگاه ربوبی پروردگار می‌گوید:

قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ، إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلَصِينَ. (حجر: ۳۹ - ۴۰)

۱. تحف العقول، ص ۱۰۵.

۲. شرح غررالحکم، ج ۶، ص ۳۱۷.

۳. صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۳۰.

[شیطان، پس از رانده شدن از درگاه الهی] گفت: پروردگارا! چون مرا نومید کردی [و بر آدم برتری ندادی] من در زمین نعمتهای مادی را در نظرشان بیارایم و همگان را گمراه کنم، مگر آنان که بندگان مخلص هستند.

و خدای متعال نیز در جوابش فرمود:

هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ. (حجر: ۴۱)

این (عبودیت خالصانه) راه مستقیمی است که به من منتهی می‌شود.

## ۵. آفات عبودیت

عوامل زیادی ممکن است سدّ راه انسان شده و مانع بندگی او گردد. در این جا به برخی از مهمترین این آفتها می‌پردازیم:

**الف. استکبار:** استکبار، آفتی است که حتی یک موجود عابد و مقرب درگاه خدا را با سابقه عبادت شش هزار ساله از بندگی خدا محروم می‌کند؛ چرا که این روحیه باعث شد او در برابر فرمان الهی ایستادگی کند و در مقابل آدم به سجده نیفتد. قرآن کریم منطق او را چنین نقل می‌کند که گفت:

أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَ خَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ. (اعراف: ۱۲)

من از او بهترم؛ مرا از آتش آفریده‌ای و او را از گل.

حضرت علی (ع) در مورد این آفت بزرگ چنین هشدار می‌دهد:

إِخْذِرِ الْكِبْرَ فَإِنَّهُ رَأْسُ الطُّغْيَانِ وَ مَعْصِيَةُ الرَّحْمَنِ.<sup>۱</sup>

از استکبار برحذر باش که ریشه طغیان و نافرمانی از خدای رحمان است.

**ب. رفاه‌طلبی:** روحیه رفاه‌طلبی آفت بزرگ دیگری است که اگر کسی دچارش شود، رفته رفته از خداوند غافل شده و از عبودیت او رخ برمی‌تابد. قرآن کریم به این آفت اشاره کرده، از عده‌ای به نام «مُتَرَفِّعِينَ» نام می‌برد که در اثر رفاه‌طلبی از بندگی خدا خارج شده و در مقابل پیامبران الهی قد علم کرده، تکذیبشان می‌کردند.

وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتَرَفُّوهُمْ إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَاذِبُونَ. (سباء: ۳۴)

ما در هیچ شهر و دیاری پیامبری بیم‌دهنده نفرستادیم مگر اینکه مترفین آنها (که مسرت ناز و نعمت بودند) گفتند: ما به آنچه فرستاده شده‌اید، کافریم.

۱. شرح غرالحکم، ج ۲، ص ۲۷۹.

ج. حب دنیا: دوستی و دلبستگی به دنیا نیز آفتی است که به تدریج انسان را از محبت خدا و بندگی او دور ساخته در دامهای نفسانی و شیطانی گرفتار می‌کند. از این رو پیامبر اکرم (ص)، دنیا طلبی را ریشه گناهان دانسته می‌فرماید:

حُبُّ الدُّنْيَا أَصْلُ كُلِّ مَعْصِيَةٍ وَأَوَّلُ كُلِّ ذَنْبٍ.<sup>۱</sup>

دلبستگی به دنیا ریشه هر نافرمانی و آغاز هر گناهی است.

## ۶. اطاعت و فرمانبری از رهبری

یکی از ارکان اساسی موفقیت در کارهای جمعی، تسلیم در برابر رهبری و متابعت از دستورهای اوست.

قرآن کریم اطاعت از رهبری را در تمامی امور اجتماع و از جمله در جنگ و دفاع مورد تأکید قرار داده می‌فرماید:

وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِجَالُكُمْ... (انفال: ۴۶)

(فرمان) خدا و پیامبرش را اطاعت نمایید! و نزاع (و کشمکش) نکنید، تا سست نشوید، و قدرت (و شوکت) شما از میان نرود!

پیامبر (ص) اطاعت از فرماندهی را چنین بیان می‌فرماید:

إِنْ أُمِّرَ عَلَيْكُمْ عَبْدٌ حَبِشِيٌّ مُجَدِّعٌ فَاسْمِعُوا لَهُ وَ أَطِيعُوا...<sup>۲</sup>

اگر یک برده حبشی فرمانده شما شد، حرفش را گوش کرده و اطاعتش کنید.

علی (ع) مالک اشتر را، که فردی متعهد و کاردان بود، به فرماندهی سپاه منصوب کرده و

خطاب به دو نفر از فرماندهان لشکرش می‌نویسد:

وَ قَدْ أَمَرْتُ عَلَيْكُمَا وَ عَلَى مَنْ فِي حَيْزِكُمَا مَالِكُ ابْنِ الْحَارِثِ الْأَشْجَرِ فَاسْمِعَا لَهُ وَ أَطِيعَا وَ اجْعَلَا دِرْعَاً وَ مِحْنًا.<sup>۳</sup>

مالک بن حارث اشتر را بر شما و بر آنان که زیر فرمان شما هستند امیر و فرمانده ساختم.

گوش به فرمانش داده و از او اطاعت کنید، و او را زره و سپر خویش قرار دهید.

امام خمینی (ره) خطاب به نماینده خود در سپاه می‌نویسد:

۲. سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۹۵۵.

۱. مجموعه ورام، ج ۲، ص ۱۲۲.

۳. نهج البلاغه، نامه ۱۳، ص ۸۵۷.

عبودیت و بندگی در برابر خدا؛ اطاعت و فرمانبری از رهبری ۳۷

تبعیت از... فرمانده کل سپاه و از فرماندهان دیگر به حسب سلسله مراتب و مقررات سپاه در جمهوری اسلامی ایران یک وظیفه شرعی الهی است که تخلف از آن علاوه بر تعقیب قانونی، مسؤولیت شرعی دارد.<sup>۱</sup>

## ۷. آثار اطاعت از رهبری

اطاعت از رهبری و تسلیم در برابر فرمانهای او، آثار فراوان و ارزنده‌ای دارد که در این جا به بیان مهمترین آنها می‌پردازیم:

### الف. وحدت نیروها

قرآن کریم بعد از دستور اطاعت از خدا و رسولش به وحدت نیروها امر فرموده است و آنان را از هرگونه اختلاف برحذر می‌دارد؛ آنجا که می‌فرماید:

... وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِجَاكُمْ... (انفال: ۴۶)

با یکدیگر اختلاف نکنید، که سست خواهید شد. و نیروی شما از بین خواهد رفت.

علی (ع) پس از اطلاع از حمله بصر بن اوطاة به یمن، با قلبی پر از درد، به علل پیروزی یاران معاویه اشاره کرده می‌فرماید:

... وَإِنِّي وَاللَّهِ لَأَظُنُّ أَنَّ هَؤُلَاءِ الْقَوْمَ سَيُدْأَلُونَ مِنْكُمْ بِاجْتِمَاعِهِمْ عَلَىٰ بَاطِلِهِمْ وَتَفَرُّقِكُمْ عَنْ حَقِّكُمْ وَبِعَصِيَّتِكُمْ إِمَامَكُمْ فِي الْحَقِّ وَطَاعَتِهِمْ إِمَامَهُمْ فِي الْبَاطِلِ...<sup>۲</sup>

همانا به خدا سوگند! من گمان می‌کنم که این قوم به زودی بر شما چیره می‌شوند؛ زیرا آنها در باطل خود متحد و همراهند و شما در حق خود پراکنده‌اید. شما به نافرمانی از رهبر خود در راه حق برخاسته‌اید. و آنان در راه باطل خویش از رهبرشان اطاعت می‌کنند.

### ب. پایداری در میدان نبرد

یکی از شرایط مهم پیروزی، پایداری نیروها در برابر دشمن است. قرآن کریم با تأکید بر لزوم پایداری در برابر دشمن می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا... (انفال: ۴۵)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هرگاه با گروهی از دشمن روبه‌رو شدید، پایداری کنید.

۲. نهج البلاغه، ص ۸۹، خطبه ۲۵.

۱. صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۲۶.

در آیه‌ای دیگر با اشاره به نقش استقامت در پیروزی چنین آمده است:

إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ... (انفال: ۱۵۸)

اگر از میان شما بیست نفر صابر باشند، بر دویست نفر پیروز می‌شوند.

رسول خدا(ص) در غزوه‌های خود، قبل از شروع جنگ درباره‌ی یارانش می‌فرمود:

أَنْ هُمْ النَّصْرَ مَا صَبَرُوا.<sup>۱</sup>

براستی اگر صبر کنند پیروز خواهند شد.

### ج. اجرای دقیق طرحها و نقشه‌ها

اجرای موفقیت آمیز طرحهای ارائه شده، در گرو فرمانبرداری نیروهاست. در غیر این صورت، بهترین طرحها و عالی ترین نقشه‌های نظامی و عملیاتی به نتیجه مطلوب نمی‌رسد؛ چراکه مسئولیت اجرایی هر طرح و نقشه‌ای بر عهده نیروهای است که با اطاعت و فرمانبری آن را به مرحله تحقق و عمل درمی‌آورند.

علی(ع) با اشاره به نقش مؤثر اطاعت و فرمانبری در اجرای طرحها و برنامه‌ها، نیروهای خود را که در فرمانبرداری از آن حضرت در جهت سرکوبی لشکریان معاویه سستی نشان داده‌اند، مورد سرزنش قرار داده می‌فرماید:

من از تجربه و مهارت جنگی لازم برخوردار بودم و برنامه‌های پخته و حساب شده‌ای برای قلع و قمع دشمنان دارم، لیکن چه باید کرد، کسی که به سخنش گوش فرا داده نشود، رأی و نظری نخواهد داشت!<sup>۲</sup>

### د. تضعیف روحیه دشمن

همان‌گونه که اطاعت از فرماندهی بازدهی و اثر مثبت در نیروهای خودی دارد، بر روی نیروهای دشمن نیز تأثیر منفی و شکننده‌ای خواهد گذاشت. زیرا اگر نیروهای دشمن احساس کنند که افراد طرف مقابل، به طور کامل مطیع فرماندهان خود هستند، پیوسته همراه با تزلزل و وحشت در انتظار حمله‌های آنان خواهند بود.

پیروی سپاه اسلام در جنگ صفین از فرمانده خود و هماهنگی آنان با یکدیگر، چنان تأثیری در نیروهای دشمن گذاشت که موجب شد معاویه در جمع فرماندهان لشکرش بگوید:

۱. مغازی، ج ۱، ص ۲۱۳.

۲. نهج السعادة، ج ۲، ص ۴۷۴ و ۵۶۵، اقتباس.

«دل‌های نیروهای سپاه علی (ع) همچون یک دل است.»<sup>۱</sup>  
او با این جمله ترس و خود باختگی خود را در برابر سپاه اسلام نشان داد.

## ۸. عوامل نافرمانی

### الف. دنیادوستی و رفاه‌طلبی

انسان دنیادوست و رفاه‌طلب، به سبب وابستگی عمیقی که به زندگی مادی دنیا و جلوه‌های ظاهری آن دارد، هر زمان که احساس کند تن دادن به دستورهای فرماندهی، منافع مادی و رفاه او را به خطر می‌اندازد، از امتثال امر شانه خالی کرده دستور فرمانده را زیر پا خواهد گذاشت. خدای متعال این‌گونه انسانها را مورد نکوهش قرار داده می‌فرماید:

... مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ اتَّقُوا اللَّهَ اتَّقَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرَضِيتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ. (توبه: ۳۸)

چرا هنگامی که به شما گفته می‌شود برای جنگ در راه خدا بسیج شوید، گویی به زمین چسبیده‌اید؟ آیا به جای زندگی اخروی به زندگی دنیا راضی شده‌اید؟ کالای این دنیا در برابر کالای آن دنیا جز اندکی هیچ نیست.

در جنگ احد با پایان گرفتن نبرد و مشخص شدن علت شکست، محافظان تنگه که به خاطر ترک موضع خود مورد مواخذه قرار گرفته بودند، در جواب گفتند: «ترسیدیم از غنایم محروم شویم.»<sup>۲</sup>

سخن این افراد، نمایانگر آن است که دنیادوستی عده‌ای از نیروها می‌تواند سرنوشت جنگ را تغییر داده آن را به سود دشمن به پایان برساند.

### ب. بهانه‌جویی

بعضی از افراد با بهانه‌جویی، از حضور در میدان نبرد شانه خالی می‌کنند و به این ترتیب از اجرای دستورات فرمانده سرباز می‌زنند.

در نبرد تبوک، عده‌ای از فرمان پیامبر (ص) سرپیچی کرده و با ابراز بهانه‌های گوناگون، در مدینه ماندند. قرآن کریم این افراد را به شدت مورد سرزنش قرار داده می‌فرماید:

۱. صلح امام حسن (ع)، ترجمه حضرت آیه‌الله خامنه‌ای، ص ۱۳۳.

۲. الصحيح من سيرة النبي الأعظم، جعفر مرتضى عاملی، ج ۴، ص ۲۲۴.

فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ وَكَرِهُوا أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ. (توبه: ۸۱)

تخلف کنندگان، از مخالفت با رسول خدا (ص) خوشحال شدند و خوش نداشتند که با اموال و جانهای خود در راه خدا جهاد کنند و [به یکدیگر و به مؤمنان] گفتند: در این گرما [به سوی جهاد] حرکت نکنید. به آنها بگو آتش جهنم گرمتر از این است، اگر بفهمند.

علی (ع) نیز به بهانه جویی چنین افرادی اشاره کرده، می فرماید:  
فَإِذَا أَمَرْتُكُمْ بِالسَّيْرِ إِلَيْهِمْ فِي أَيَّامِ الْحَرِّ قُلْتُمْ: هَذِهِ صَمَاءٌ الْقَيْظِ، أَمْهَلُنَا يُسَيِّحُ عَنَّا الْحَرُّ، وَإِذَا أَمَرْتُكُمْ بِالسَّيْرِ إِلَيْهِمْ فِي الشِّتَاءِ قُلْتُمْ: هَذِهِ صَبَارَةٌ الْقُرِّ أَمْهَلُنَا يُنْسَلِخُ عَنَّا الْبَرْدُ.<sup>۱</sup>  
اگر در تابستان شما را بخوانم، گوید هوا سخت گرم است، مهلتی ده تا گرما کمتر شود. اگر در زمستان فرمان دهم، گوید سخت سرد است، فرصتی ده تا سرما از بلاد ما به در شود.

### ج. ناآگاهی

کوتاه فکری و نبودن بینش و آگاهی لازم در نیروها، آفت بزرگی در متابعت از اوامر فرماندهی و مانع سختی در پیشرفت امور است.

علی (ع) تأثیر ناآگاهی در رفتار فرد را گوشزد نموده می فرماید:  
فَإِنَّ الْعَامِلَ بَعْدَ عِلْمٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ طَرِيقٍ فَلَا يَزِيدُهُ بَعْدُهُ عَنِ الطَّرِيقِ الْوَاضِحِ إِلَّا بُعْدًا مِنْ حَاجَتِهِ.<sup>۲</sup>

آن که ندانسته کاری کند، مانند کسی است که به بیراهه می رود، هر چه در آن راه پیش [تر] رود، از مقصود خود دورتر می شود.

در جنگ صفین، نیروهایی که نسبت به اهداف نبرد ناآگاه بودند و از توطئه های دشمن نیز اطلاعی در دست نداشتند از فرمان علی (ع) سربر تافتند و زمینه صلح تحمیلی و ننگینی را با معاویه فراهم ساختند.

### د. تفرقه

دوگانگی و اختلاف ثمره فعالیت های تبلیغی دشمن، دسیسه های منافقان، انگیزه های نفسانی نیروها و عواملی از این قبیل است. عامل تفرقه موجب می شود تا نیروها با

۲. همان، خطبه ۱۵۳، ص ۴۸۰.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۲۷، ص ۹۵.



یکدیگر همکاری و همیاری نکنند. و این خود اثر مخربی را بر انسجام آنها گذاشته و اطاعتشان را از فرماندهی سست و کم‌رنگ می‌نماید. دشمن نیز با بهره‌گیری از این نقطه ضعف، در صدد پیاده کردن نقشه‌های خود برآمده و ضربه‌های کاری را وارد می‌سازد؛ چنانکه معاویه پس از اطلاع از گسترش تفرقه و اختلاف در بین نیروهای حضرت علی (ع)، بی‌درنگ افراد مهاجم و غارتگر خود را به مناطق تحت حاکمیت آن حضرت اعزام نمود تا آن مناطق را زیر سلطه خود درآورند.<sup>۱</sup>

---

۱. الغارات، ج ۲، ص ۴۱۸-۴۲۲، تلخیص.

درس چهارم

## پرهیز از غرور و طغیان

### ۱. غرور در لغت و اصطلاح

«غرور» در لغت به معنای فریب دادن است و «مغرور» به کسی می‌گویند که چشم طمع به باطل دوخته و فریفته شده است.<sup>۱</sup>

غرور در اصطلاح نیز عبارت است از موافقت کردن روح انسان با آنچه که موافق هوای نفسانی است.<sup>۲</sup> به همین دلیل اگر کسی، علم، مال، قدرت و... خود را برتر از دیگران بداند و به آن ببالد، مغرور می‌باشد.

### ۲. نکوهش غرور

سخن پیرامون صفت زشت غرور بسیار است. از جمله قرآن کریم، غرور را وعده شیطانی نامیده است و پیرامون خویش را از آلودگی به آن بر حذر داشته می‌فرماید:

يَعِدُّهُمْ وَمُتَّبِعِيهِمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا. (نساء: ۱۲۰)

شیطان به انسانها وعده می‌دهد و آنها را در آرزو می‌اندازد. و تمام وعده‌های او جز غرور (فریب) نیست.

علی (ع) نیز، غرور را نهایت نادانی دانسته می‌فرماید:

كُنِيَ بِالْإِعْتِرَارِ جَهْلًا.<sup>۳</sup>

مغرور شدن برای نادانی کافی است.

۱. المنجد في اللغة، مادة غُرّ.

۲. محجة البيضاء، ج ۶، ص ۲۹۲.

۳. شرح غرر، ج ۴، ص ۵۷۴.

آن حضرت در جای دیگر می‌فرماید:

أَحَقُّ الْحَقِّ الْإِغْتِرَارُ.<sup>۱</sup>

بدترین حماقت، غرور است.

### ۳. نشانه‌های غرور

اگرچه غرور یک امر قلبی و درونی و نامرئی است، لیکن از آنجا که هر امر درونی، نشانه‌هایش در رفتار و گفتار فرد ظاهر می‌شود، می‌توان از آن علائم به وجود غرور در درون آدمی پی برد. که به برخی از این نشانه‌ها اشاره می‌کنیم:

الف. نیندیشیدن در فرجام کار: اگر انسان به سرانجام و عاقبت کارهایش فکر نکند، مغرور

است. حضرت علی(ع) فرمود:

لَمْ يَفْكُرْ فِي عَوَاقِبِ الْأُمُورِ مَنْ وَثِقَ بِزُورِ الْغُرُورِ.<sup>۲</sup>

کسی که به وعده‌های فریبنده اعتماد کند، به سرانجام کارهایش نمی‌اندیشد.

ب. اعتماد بی‌جا: امام صادق(ع) فرمود:

مَنْ وَثِقَ بِثَلَاثَةٍ كَانَ مَغْرُورًا: مَنْ صَدَّقَ بَمَا لَا يَكُونُ، وَ رَكَنَ إِلَى مَنْ لَا يَتَّقِيهِ وَ طَمَعَ فِي مَا لَا يَمْلِكُ.<sup>۳</sup>

کسی که بر سه چیز اعتماد کند، مغرور است: کسی که تصدیق کند آنچه را که نیست، و به

شخص غیر موثق اعتماد کند، و به چیزی که مالک آن نیست، طمع ورزد.

ج. اصرار بر گناه: امیر مؤمنان(ع) فرمود:

إِنَّ مِنَ الْغِرَّةِ أَنْ يُصِرَّ الْعَبْدُ عَلَى الْمَعْصِيَةِ وَ يَتَمَنَّى عَلَى اللَّهِ الْمَغْفِرَةَ.<sup>۴</sup>

از غرور است که بنده اصرار بر گناه داشته باشد و از خداوند تمنای بخشش کند.

د. دلدادن به دنیا: حضرت علی(ع) می‌فرماید:

سُكُونُ النَّفْسِ إِلَى الدُّنْيَا مِنْ أَعْظَمِ الْغُرُورِ.<sup>۵</sup>

آرامش پیدا کردن جان به دنیا، از بزرگترین غرورهاست.

۱. همان، ج ۲، ص ۳۸۲.

۲. همان، ج ۵، ص ۱۰۶.

۳. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۲۳۲، الاسلامیه.

۴. میزان الحکمة، ج ۷، ص ۱۸۳، به نقل از مجموعه ورام.

۵. شرح غرر، ج ۴، ص ۱۵۵.

ه. آرزوهای طولانی: چنانکه امیر مؤمنان (ع) فرمود:

إِكْذِبِ الْأَمَلَ وَلَا تَتَّقِ بِهِ، فَإِنَّهُ غُرُورٌ وَضَاحِيَةٌ مَغْرُورٌ.<sup>۱</sup>

آرزوی دنیایی را دروغ بشمار و به آن اعتماد نکن که آرزو فریب، و دارنده‌اش مغرور است.

#### ۴. اسباب غرور در نیروهای مسلح

اسبابی چند، زمینه پدیدار شدن و رشد غرور را در انسان به وجود می‌آورد. ثروت، زیبایی، آرزوهای طولانی، فامیل و فرزندان، عبادت، حسب و نسب، علم و آگاهی و دعا از این قبیل اسبابند<sup>۲</sup> ولی در نیروهای نظامی، افزون بر این اسباب تعداد دیگری نیز از این تعلقات وجود دارد، که درجه و مقام، سلاح، تشریفات و احترام، پیروزی در جنگ، موفقیت در امور محوّل نظامی، توانمندی تشکیلات متبوع، فراوانی پرسنل و مانند آن نمونه‌هایی از این‌گونه تعلقات به‌شمار می‌روند. چنانکه ظفرمندی پیاپی مسلمانان در صدر اسلام چنین حالتی را در آنان پدید آورد. رسول خدا (ص) در سال هشتم هجری، پس از فتح مکه با دوازده‌هزار نیرو به جنگ «هوازن» رفت. همین نیروی زیاد و گشایش مکه موجب شد که مسلمانان به توانایی و فراوانی جمعیت خود ببالند و در همان مراحل اولیه جنگ دچار پراکندگی شده در نتیجه فرار کنند. به‌طوری که جز عده‌ای انگشت‌شمار همراه رسول خدا (ص) باقی نماندند؛ ولی خداوند آنها را از جانب خویش یاری کرد. قرآن مجید از آن واقعه چنین یاد می‌کند.

لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَ يَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئاً وَ ضَاقَتْ عَلَيْكُمْ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُم مُّذَبِّحِينَ. (توبه: ۲۵)

خداوند شما (مؤمنان) را در جاهای بسیار و در جنگ حنین یاری کرد؛ آنگاه که بسیاری لشکر شما را به شگفت آورد، ولی آن لشکر زیاد هیچ به کار شما نیامد و زمین با وسعتی که دارد، بر شما تنگ شد. سپس همه رو به فرار نهادید.

#### ۵. آثار تخریبی غرور

غرور آثار ناهنجاری بر جای می‌گذارد، که زدودن آنها به آسانی امکان‌پذیر نیست. شایسته است در اینجا برخی از آن آثار را یاد آور شویم:

۱. همان، ج ۲، ص ۱۸۸.

۲. ر. ک. مصباح الشریعة، باب ۳۶.

الف. تباهی عمل: امام علی (ع) فرمود:

غُرُورُ الْأَمَلِ يُفْسِدُ الْعَمَلَ.<sup>۱</sup>

فرب آرزو، عمل را تباه می‌سازد.

ب. افتادن در مهلکه: امیر مؤمنان (ع) فرمود:

مَنْ اغْتَرَّ بِنَفْسِهِ، أَسْلَمَتْهُ إِلَى الْمَغَاطِبِ.<sup>۲</sup>

هرکس به نفس خود مغرور شود، او را به مهلکه‌ها می‌کشاند.

ج. پشیمانی: امیر مؤمنان (ع) در این زمینه می‌فرماید:

الدُّنْيَا حُلْمٌ وَالْآخِرَةُ بَهِجَةٌ بِهَا نَدَمٌ.<sup>۳</sup>

دنیا خواب، و مغرور شدن به آن پشیمانی است.

د. زیان در دنیا و آخرت: صادق آل محمد (ع) می‌فرماید:

الْمَغْرُورُ فِي الدُّنْيَا مَسْكِينٌ وَفِي الْآخِرَةِ مَغْبُوتٌ...<sup>۴</sup>

مغرور، در دنیا مسکین و در آخرت زیان دیده است.

## ۶. پیشگیری و درمان

برای پیشگیری و درمان غرور راههای زیر پیشنهاد می‌شود:

الف. مراقبت و محاسبه: مؤمن باید در همه حال مواظب و مراقب نفس اقارء خویش باشد و نباید

مغرور پیروزی خود شده، از کید و مکر دشمن غفلت کند. امیر مؤمنان (ع) در این باره می‌فرماید:

إِنَّ أَخَا الْحَرْبِ الْأَرَقُّ وَ مَنْ نَامَ لَمْ يَمَعْ عَنَّهُ.<sup>۵</sup>

همانا جنگجو بیدار و هشیار است و هرکس بخوابد، دیگران از او غفلت نخواهند کرد.

ب. عبرت از مغروران: ملاحظه عاقبت و خیم مغروران و فریفتگان، احساس گریز از غرور را

در انسان تقویت می‌کند. و نیز او را تحریک می‌سازد تا معقولانه‌تر عمل کند و چشم خویش را به

روی واقعیتها نبندد.

ج. استمداد از خداوند: یکی از ارکان مؤثر در زدودن آلودگیها (از جمله غرور) استمداد و

طلب توفیق از خداست؛ چنانکه حضرت سجاد (ع) از خدا چنین می‌خواهد:

۲. همان، ج ۵، ص ۳۷۳.

۴. مصباح الشریعة، ص ۱۵۱.

۱. شرح غرالحکم، ج ۴، ص ۳۷۸.

۳. همان، ج ۱، ص ۳۶۴.

۵. نهج البلاغه، نامه ۶۲، ص ۱۰۵۰.

خُذْ يَدِي مِّنْ ... زَلَّةِ الْمَغْرُورِينَ...<sup>۱</sup>

خدایا دست مرا از آلوده شدن به گناه مغروران بازدار.

## ۷. پرهیز از طغیان

«طغیان» به معنای تعدی، زیاده‌روی در گناه و ستم، از حد گذراندن و نافرمانی و سرکشی آمده است<sup>۲</sup> و در قرآن مجید نیز در ردیف واژه‌های «عدوان» و «تعدی» قرار گرفته است.

## ۸. نکوهش شدید طغیان

هرگز برای بشر صحیح نیست که بر عصیان خود اصرار ورزد تا اینکه در ورطه طغیان فرو افتد از این رو، خداوند بنده‌نواز اول بار به بندگان هشدار می‌دهد که در این مسیر پای ننهند، به گونه‌ای که می‌فرماید:

فَأَسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَ مِّنْ ثَابٍ مَّعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ. (هود: ۱۱۲)

همراه کسانی که با تو رو به خدا کرده‌اند، استقامت‌ورز - چنانکه فرمان یافته‌ای - و طغیان نکنید که او به آنچه می‌کنید بیناست.

متجاوز کم‌بها تر از آن است که به خدا و دین خدا لطمه‌ای وارد کند، بلکه او با طغیان و تعدی به خودش ستم می‌کند. به طوری که خداوند می‌فرماید:

وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ. (طلاق: ۴)

هر کس از حدود الهی تجاوز کند، به خود ستم کرده است.

سپس ضمن نکوهش و سرزنش دوباره طغیان، اعلام می‌دارد که از متجاوزان بیزار است:

وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ. (بقره: ۱۹۰)

[از حد] تجاوز نکنید که خدا متجاوزان را دوست ندارد.

## ۹. کاربرد تعدی و طغیان

این عمل نکوهیده به طور معمول در برابر خواست خدا و پیامبر (ص)، انجام می‌گیرد و طغیانگر متجاوز، در چنین موضعی بر ضد جبهه حق، سنگر می‌گیرد:

۱. صحیفه سجاده، دعای ۴۷.

۲. القاموس المحيط، مفردات راغب، المنجد و... واژه طغی.

وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا. (نساء: ۱۴)

هر کس خدا و پیامبرش را نافرمانی کند و از حدود خدا تجاوز نماید، (خدا) او را برای ابد داخل دوزخ می‌کند.

از آنجا که ثابت شده امام معصوم (ع) و ولیّ فقیه جانشینان مستقیم و غیر مستقیم پیامبرند، لذا تمرد و سرکشی در برابر آنان نیز نمونه بارز طغیان و تعدی در برابر خدا و پیامبر (ص) محسوب می‌شود. در این جا کاربرد طغیان را در دو محور عقیدتی و قانونی شرح می‌دهیم:

#### الف. عقیدتی

اهل طغیان و متجاوزان عقیدتی کسانی هستند که یا در برابر اصول و ضروریات شرع مقدّس اسلام عناد می‌ورزند و یا از روی پلیدی روحی و غرضهای شخصی، آن را نمی‌پذیرند، یا پس از پذیرش، آن را انکار می‌کنند.

#### ب. قانونی

چنین طغیان و تجاویزی از کسانی سر می‌زند که اصل دین را پذیرفته و به اصول آن پایبندند. ولی در برابر برخی از قوانین آن خیره‌سری نشان داده دست به طغیان می‌زنند.

### ۱۰. زمینه‌ها و انگیزه‌ها

طغیان و سرکشی همانند سایر پدیده‌ها معلول عوامل و انگیزه‌هایی است که در این جا به برخی از آن عوامل می‌پردازیم:

#### الف. قدرت و ثروت

مستی قدرت و ثروت، چشم دل مرقّه‌بین بی‌درد و قدرتمندان خیره‌سر را کور می‌کند. در نتیجه آنان صاحب نعمت حقیقی را فراموش کرده بر ضد اوامر او و منافع مردم، دست به طغیان و سرکشی می‌زنند:

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ ۚ إِنَّ رَأَاهُ اسْتَغْنَى<sup>۱</sup>.

همانا انسان وقتی ببیند بی‌نیاز گشته، طغیان می‌ورزد.

۱. علق (۹۶)، آیات ۷-۸.

### ب. جاه‌طلبی و دنیا دوستی

صفت زشت جاه‌طلبی و مقام پرستی نیز از عوامل طغیان و سرکشی است. امام سجّاد(ع)، دنیا دوستی را ریشه همه پلیدیها دانسته می‌فرماید:

حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ<sup>۱</sup>

دنیا دوستی، اساس همه جرمهاست.

### ج. انتقامجویی

حس انتقامجویی نیز از انگیزه‌هایی است که انسان را وامی‌دارد تا در رویارویی با دشمن خارجی و داخلی دست به تجاوز بزند و پا را از گلیم خویش فراتر نهد. قرآن مجید، نخست به مسلمانان سفارش می‌کند که مواظب کردار خویش باشند و هرگز دست به انتقامجویی نابخردانه نزنند و اگر دشمنان‌شان چنین کردند، آنها تنها مقابله به مثل نمایند نه بیشتر.

... فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ... (بقره: ۱۹۴)

هرکس به شما تعدی کرد، به همان اندازه به او تعدی کنید.

## ۱۱. کیفر طاغیان

علاوه بر مبارزات مؤمنان علیه طاغیان، از نظر طبیعی و سنت الهی نیز دو نوع کیفر در انتظار متجاوزان و سرکشان است:

الف. در دنیا: قرآن مجید از فرجام نامیمون طاغیان خبر داده و یادآور شده که آنان با طغیان و سرکشی خود اولاً مورد خشم خدا قرار می‌گیرند:

وَلَا تَطْعَمُوا فِيهِ فَبِحَلٍّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي.<sup>۲</sup> (طه: ۸۱)

در خوردن غذاهای پاکیزه طغیان نکنید که خشم من [خدا] بر شما روا می‌شود.

و دیگر آنکه گاهی به هلاکت و بدفرجامی دچار می‌شوند.

فَأَمَّا ثَمُودُ فَاهْلِكُوا بِالطَّاغِيَةِ. (الحاقة: ۵)

قوم ثمود به سبب طغیان و سرکشی به هلاکت رسیدند.

ب. در آخرت: سنت الهی حکم می‌کند که سرکشان و متجاوزان به دوزخ ابدی در آخرت گرفتار شوند.

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۳۱.

۲. ترجمه با توجه به تفسیر المیزان، ج ۱۴، ص ۱۸۷ نوشته شده است.



فَأَمَّا مَنْ طَغَىٰ وَ آثَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَىٰ. (نازعات: ۳۷)

آن کس که طغیان ورزد و حیات دنیا را (بر آخرت) ترجیح دهد، همانا دوزخ جایگاه اوست.

## ۱۲. پیشگیری

برای گرفتار نشدن در باتلاق طغیان و تجاوز، توجه به نکاتی چند ضروری است:

الف. زدودن ریشه‌های آن از درون؛ به این معنا که باید مواظب باشیم تا صفات زشت مقام پرستی، قدرت طلبی و دنیا دوستی در جانمان ریشه نکند؛ زیرا رشد هر یک از رذایل یاد شده، به تدریج انسان را به ورطه سقوط و سرکشی می‌کشاند.

ب. به کار بستن دستورات الهی در جهات مثبت و منفی؛ بدین معنی که از محرمات پرهیز کنیم و واجبات را به جا آوریم.

ج. رعایت سلسله مراتب در امور حکومتی و نظامی؛ به نحوی که از هرگونه کمک مثبت در جهت تقویت نظام مقدس جمهوری اسلامی دریغ نورزیم.

د. تداوم راه شهدا؛ به گونه‌ای که اجازه ندهیم نامحرمان وارث خون پاکشان گردند.

ه. مطالعه فرجام متجاوزان؛ ملاحظه فرجام ناهنجار متجاوزگرانی از قبیل قوم ثمود، فرعون، خاندان منحوس پهلوی، لیبرالهای خائن و... و عبرت از سرنوشت تیره آنها.

و. استمداد از خداوند بزرگ؛ بدین معنا که از او بخواهیم که ما را از گرفتار شدن به چنین عاقبت شومی حفظ نماید چنانکه حضرت سجاد(ع) از خدا می‌خواهد:

... وَأَزُو عَنِّي مِنَ الْمَالِ مَا يُحْدِثُ لِي مَحْپَلَةً أَوْ تَأْذِيًّا إِلَىٰ بَغْيٍ أَوْ مَا أَتَعَقَّبُ مِنْهُ طُغْيَانًا.<sup>۱</sup>

پروردگارا... مال و ثروتی که ایجاد کبر و غرور کند یا منجر به کبر و غرور شود یا موجب طغیان و کفران و خودسری گردد، آن مال و ثروت را از من دور دار.

۱. صحیفه سجّادیه، دعای ۳۰، ترجمه الهی قمشه‌ای.

## درس پنجم

### غیرت و مردانگی و عفت و پاکدامنی

#### ۱. تعریف غیرت

«غیرت» به معنای رشک بردن و حسد، حمیت و محافظت عصمت و آبرو و ناموس و نگهداری عزّت و شرف آمده است.<sup>۱</sup>

در تعریف علمای اخلاق از غیرت چنین آمده است: غیرت و حمیت، یعنی تلاش در نگهداری آنچه حفظش ضروری است. این صفت در قالب مطلوبش از شجاعت، بزرگ منشی و قوت نفس انسان سرچشمه می‌گیرد و یکی از «ملکه»های نفسانی انسان و سبب مردانگی است و مرد بی غیرت از زمره مردان خارج است.<sup>۲</sup>

#### ۲. ضرورت غیرت

«غیرت» از کمالات انسانی است که دست پرتوان آفرینش، اسباب آن را در وجود آدمی تعبیه کرده است. غیرت‌ورزی در حد معمول آن، لازمه انسانیت بوده، تقویت این صفت زیبا از مؤمنان پسندیده‌تر است. امیر مؤمنان (ع) فرمود:

إِنَّ اللَّهَ يَغَارُ لِلْمُؤْمِنِ فَلْيَعْرِ، مَنْ لَا يَغَارُ فَإِنَّهُ مَكْشُوسُ الْقَلْبِ.<sup>۳</sup>

خداوند برای مؤمن غیرت می‌ورزد؛ پس او نیز باید غیرت آورد. هرکس غیرت نوزد، دلش وارونه است.

شاید مراد از وارونگی دل این باشد که شخص بی غیرت از حالت طبیعی انسان خارج شده

۱. لغتنامه دهخدا، واژه غیرت.

۲. جامع السعادات، ج ۱، ص ۲۶۶.

۳. بحارالانوار، ج ۷۹، ص ۱۱۵.

است. وجود غیرت در جامعه انسانی تا آنجا ضروری و حیاتی است که شارع مقدس اسلام در تشریع احکام نیز به آن عنایت دارد. رسول خدا (ص) می‌فرماید:

... أَلَا وَ إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ الْحَرَامَ وَ حَدَّ الْحُدُودَ وَ مَا أَحَدٌ أَغْيَرَ مِنَ اللَّهِ وَ مِنْ غَيْرَتِهِ حَرَّمَ الْفَوَاحِشَ.<sup>۱</sup>

آگاه باشید که خداوند، محرمات را حرام و حدود را وضع کرد و هیچ کس، غیورتر از خدا نیست که از روی غیرت، زشتیها را حرام کرده است.

بر همین اساس، خداوند به هر غیرتمندی نظر لطف و مرحمت دارد. امام صادق (ع) فرمود:

إِنَّ اللَّهَ غَيُورٌ يُحِبُّ كُلَّ غَيُورٍ...<sup>۲</sup>

خداوند غیور است و هر غیرتمندی را دوست دارد.

### ۳. انواع غیرت

شاید بتوان انواع غیرت را به میزان پدیده‌هایی که نزد انسان تقدس و حرمت دارند، گسترش داد، در این صورت از مرز شمار فراتر می‌رود. اما از دیدگاهی دیگر همه پدیده‌های مقدس را می‌توان در قالب دین، ناموس و آبرو و میهن خلاصه کرد که در نتیجه، غیرت به سه نوع دینی، ناموسی و ملی تقسیم می‌شود.

#### الف. غیرت دینی

منظور از «غیرت دینی» این است که مسلمان نسبت به کیان اسلام و آنچه بدان مربوط می‌شود حساس باشد؛ همچنین با تمام توان در اثبات و اجرای آن مسائل بکوشد و از کوچک‌ترین تعرضی نسبت به آنها جلوگیری کند. بر این اساس، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، سفارش به حق و صبر، تعلیم و تعلم و... می‌تواند در جهت غیرت دینی قرار گیرد.

قرآن مجید از مسلمانان می‌خواهد که از اسلام و مسلمانان بی‌یاور دفاع کنند:

وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ... (نساء: ۷۵)

شما را چه شده که در راه خدا و مردان و زنان و کودکان مستضعف نمی‌جنگید؟

امیر مؤمنان، علی (ع)، نیز غیرت را عین دیانت دانسته، می‌فرماید:

۲. فروع کافی، ج ۵، ص ۵۳۵.

۱. بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۳۳۲.

### عَايِرَةُ الرَّجُلِ اِيْمَانٌ.<sup>۱</sup>

غیرت مرد، [عین] ایمان است.

قرآن کریم خطاب به پیامبر می‌فرماید:

لَعَلَّكَ بِاِخْعِ نَفْسِكَ اَلَّا يَكُوْنُوْا مُؤْمِنِيْنَ. (شعرا: ۳)

شاید تو، از اینکه [مردم] ایمان نمی‌آورند، خود را هلاک سازی!

امام علی (ع) از اینکه مسلمانان نسبت به اجرای احکام اسلام و جهاد در راه خدا بی تفاوتی

نشان می‌دادند، دلش آزرده بود و چنین می‌فرمود:

... فَاتْلُكُمُ اللّٰهَ لَقَدْ مَلَأْتُمْ قُلُوبِيْ قَيْحًا وَ شَحْنَتُمْ صُدْرِيْ غَيْظًا...<sup>۲</sup>

خدا مرگتان دهد که دلم را چرکین کردید و سینه‌ام را از خشم آکندید!

... وَ لَوَدِدْتُ اَنَّ اللّٰهَ فَرَّقَ بَيْنِيْ وَ بَيْنَكُمْ وَ اَلْحَقَّنِيْ بِمَنْ هُوَ اَحَقُّ بِيْ مِنْكُمْ...<sup>۳</sup>

دوست دارم که خدا میان من و شما جدایی افکند و به کسی که سزاوارتر از شما به من

است، ملحقم سازد.

### ب. غیرت ناموسی

حمایت و حفاظت از ناموس، ارتباط تنگاتنگی با شرف و مردانگی شخص مسلمان دارد. اسلام

نیز با تأکید از او خواسته که از ناموس خویش و همکیشان در برابر هرگونه گزند داخلی و

خارجی، به شدت دفاع کند و کمترین مسامحه‌ای از خود رواندارد حتی در روایت آمده است:

اگر کسی ببیند که مرد بیگانه‌ای با همسرش نزدیکی می‌کند، می‌تواند هر دو را بکشد.<sup>۴</sup>

فتوای امام راحل (ره) نیز چنین است:

اگر به ناموس کسی - خواه همسرش باشد یا دیگران - به قصد تجاوز حمله شود، واجب است

به هر وسیله ممکن آن را دفع کند گرچه به کشتن مهاجم بینجامد؛ بلکه اگر قصد آبروریزی

به کمتر از تجاوز هم داشته باشد، به ظاهر حکمش همین است.<sup>۵</sup>

از سوی دیگر مسلمانان وظیفه دارند در میان خود - در روابط اجتماعی و خانوادگی - عقبت

شخصی و عمومی را رعایت کنند. زنان با حجاب کامل اسلامی و رعایت شؤون اجتماعی، از

۲. نهج البلاغه، خطبة ۲۷، ص ۹۶.

۱. شرح غررالحکم، ج ۴، ص ۳۷۷.

۴. وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۴۱۳.

۳. همان، خطبة ۱۱۵، ص ۳۶۴.

۵. تحریرالوسیله، امام خمینی، ج ۱، ص ۴۸۷.

هرگونه خودنمایی و رفت و آمدهای غیر ضروری و پوشیدن لباسهای جلف و زننده و خود آرایی در اجتماع و... که باعث تحریک مردان می شود، امتناع ورزند و مردان نیز با متانت و حفظ امانت، نسبت به پاکدامنی خود و دیگران همّت گمارند.

### ج. غیرت ملّی

مراد از غیرت ملّی، احساس مسئولیت در برابر تمامیت ارضی کشور اسلامی و دلسوزی و حمایت از مسلمانان و عزّت و شرف آنان است که به شکلی با «غیرت دینی» و «غیرت ناموسی» نیز پیوند دارد.

وطن دوستی و مشارکت در دفاع از میهن و هم میهنان، با سرشت انسانی عجین است و به طور مسلم نظر اسلام نیز مؤید آن است:

حُبُّ الْوَطَنِ مِنَ الْإِيمَانِ.<sup>۱</sup>

وطن دوستی، از ایمان است.

پس از جنگ صفّین و فتنه حکمیت، نیروهای معاویه یک سلسله عملیات ایزدایی در نوار مرزی و شهرهای تحت فرمان امیر مؤمنان، علی (ع)، انجام دادند. آن حضرت از چنین جسارتی بسیار دلگیر شد و با جدّیت از نیروهای خویش خواست که به این حملات پاسخ دهند و پس از آنکه مطلع گردید ضحاک بنی قیس به زائران خانه خدا حمله کرده و اموالشان را به غارت برده است، به مردم فرمود:

... لَا يُدْرِكُ الْحَقُّ إِلَّا بِالْجِدِّ أَيْ دَارٍ بَعْدَ دَارِكُمْ تَمْنَعُونَ وَمَعَ أَيْ إِمَامٍ يَغْدِي تَقَاتِلُونَ...<sup>۲</sup>

حق، جز در سایه تلاش و کوشش به دست نمی آید، پس از [تصرف و غارت] این میهن از چه دیاری دفاع خواهید کرد و بعد از من، همراه کدام پیشوا خواهید جنگید؟

امام خمینی (ره) نیز در این باره چنین فتوا داده است:

اگر دشمنی به کشور اسلامی یا مرزهای آن حمله کند و اسلام و جامعه اسلامی مورد خطر قرار گیرد، بر مسلمانان واجب است که به هر وسیله ممکن و با بذل جان و مال از آن دفاع کنند.<sup>۳</sup>

۱. سفینه البحار، قمی، ج ۲، ص ۶۶۸. (برای اطلاع بیشتر از حد و مرز میهن اسلامی به المیزان، ج ۴، ص ۱۳۲ - ۱۳۴).

۲. نهج البلاغه، خطبه ۲۹، ص ۱۰۳. ۳. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۸۵.

#### ۴. انتظار ملت از نیروهای مسلح

مسئولیت تشکیلات نظامی و انتظامی کشور اسلامی ایجاب می‌کند که اعضای آن انواع غیرت‌های مزبور را در حد اعلا دارا باشند تا با چنین انگیزه‌ای از کیان اسلام، وطن اسلامی و جان و مال و ناموس مسلمانان دفاع کنند.

از سوی دیگر، دلخوشی و پشتگر می‌ملت نیز به این است که قوای مسلح از ناموس و هستی آنها در برابر اشرار داخلی و طمع‌ورزان خارجی دفاع می‌کنند. به تعبیر دیگر، نیروهای مسلح نشانه قدرت، غیرت، صلابت، استقلال و علامت زنده بودن یک ملت است.

#### ۵. عفت و پاکدامنی

عفت به معنای خویش‌تنداری از محرمات، دوری از کارهای زشت<sup>۱</sup> و حصول حالتی برای نفس است که مانع از غلبه شهوت می‌شود.<sup>۲</sup> و در اصطلاح علم اخلاق، عبارت است از:

تبعیت و پیروی قوه شهویه از عقل تا آنچه را که عقل در مورد خوردنیها، نوشیدنیها، ازدواج و امور جنسی از جهت کمی و کیفی امر می‌کند اطاعت نماید و از آنچه که نهی می‌کند اجتناب ورزد و این حد اعتدالی است که در عقل و شرع ستوده شده است.<sup>۳</sup>

حضرت علی(ع) با توجه به معنای عفت، می‌فرماید:

الصَّبْرُ عَنِ الشَّهْوَةِ عِفَّةٌ...<sup>۴</sup>

عفت پایداری در برابر شهوت [جنسی و شکمی] است.

بنابراین، عفت بر حفظ و خودداری انسان از شهوتها و خواسته‌های غیر عاقلانه و نادرست شکمی و جنسی اطلاق می‌شود؛ به گونه‌ای که در خوردن و آشامیدن از شکمبارگی و حرام‌خواری و در امور جنسی نیز از زن‌بارگی و حرام‌کاری دوری گزیند.

#### ۶. ارزش عفت

عفت و پاکدامنی در خوردن، آشامیدن و امور جنسی از جمله ویژگی‌های برجسته و ارزشمند اخلاقی است که در اسلام از قداست و منزلت خاصی برخوردار است و نسبت به آن بسیار سفارش شده است. امیر مؤمنان، علی(ع)، در این باره می‌فرماید:

۱. مجمع‌البحرین، ج ۵، ص ۱۰۲ و ۱۰۳.

۲. مفردات، ص ۳۳۹.

۴. شرح غررالحکم، ج ۲، ص ۸۲.

۳. جامع السعادات، ج ۲، ص ۱۵.

عَلَيْكَ بِالْعَفَا فَاِنَّهُ اَفْضَلُ شَيْمِ الْأَشْرَافِ.<sup>۱</sup>

بر تو باد عفت و ورزیدن، که برترین ویژگی اخلاقی انسانهای شریف است.

در جای دیگر، پاداش پاکدامنی را - که نبرد با دشمن درونی است - با پاداش جهاد و شهادت در راه خدا - که نبرد با دشمن بیرونی است - همسان دانسته می‌فرماید:

مَا الْمُجَاهِدُ الشَّهِيدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَعْظَمَ أَجْرًا مِّنْ قَدَرِ عَفَا، لَكَادَ الْعَفِيفُ أَنْ يَكُونَ مَلَكًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ.<sup>۲</sup>

پاداش مجاهدی که در راه خدا شهید شده، از کسی که قدرت [بر حرام و گناه] دارد ولی عفت می‌ورزد، بیشتر نیست! و نزدیک است که انسان عقیف [در اثر خویشتن داری و پرهیز از گناه] فرشته‌ای از فرشتگان الهی شود.

امام باقر(ع)، نیز ضمن تأکید بر ارزش عفت، می‌فرماید:

مَا مِنْ عِبَادَةٍ أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ عِفَّةٍ بَطْنٍ وَ فَرْجٍ.<sup>۳</sup>

عبادت‌ی در پیشگاه خدا برتر از عفت و ورزیدن در امور شکمی و جنسی نیست.

## ۷. راههای دستیابی به عفت

الف. ذکر خدا: در برابر وسوسه‌های شیطانی و خواسته‌های حیوانی توجه قلبی به خداوند و یاد کردن او و نیز خود را همیشه در محضر و پیشگاه الهی دیدن بسیار مؤثر و کارساز است. قرآن کریم در این زمینه، ضمن سفارش به مؤمنان می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا. (احزاب: ۴۱)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، پیوسته به یاد خدا باشید [و هیچ‌گاه از او غفلت نکنید].

حضرت علی(ع) یاد خدا را موجب رهایی از چنگال شیطان دانسته می‌فرماید:

ذِكْرُ اللَّهِ رَأْسُ مَالِ مُؤْمِنٍ وَ رَجْعُ السَّلَامَةِ مِنَ الشَّيْطَانِ.<sup>۴</sup>

یاد خدا، سرمایه مؤمن است و سودش سلامتی از [چنگال] شیطان است.

ب. چشم پاک: چشم پاک و پرهیز از نگاه آلوده به نامحرمان، مانع از تحریک قوای جنسی و هیجانات شهوی می‌شود و انسان را از انحراف و انحطاط باز می‌دارد. خداوند متعال در این باره چنین رهنمود می‌دهد:

۱. شرح غررالحکم، ج ۴، ص ۲۹۳.

۲. نهج البلاغة، حکمت ۴۶۶، ص ۱۳۰۳.

۳. شرح غررالحکم، ج ۱، ص ۴۰۴.

۴. اصول کافی، ج ۲، ص ۸۰.

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ... (نور: ۳۰)  
 به مؤمنان بگو که چشمانشان را [از نگاه به نامحرم] فروگیرند و اندامهای جنسی‌شان را [از گناه] حفظ کنند که این برایشان پاکیزه‌تر [و به پاکدامنی‌شان نزدیکتر] است.  
 رسول خدا (ص) نیز در این باره می‌فرماید:

الَّتَظْرَةُ سَهْمٌ مَسْمُومٌ مِنْ سَهَامِ إِبْلِيسَ، فَمَنْ تَرَكَهَا خَوْفًا مِنَ اللَّهِ أَعْطَاهُ اللَّهُ إِيمَانًا يَجِدُ حَلَاوَتَهُ فِي قَلْبِهِ.<sup>۱</sup>

نگاه به نامحرم، تیری زهرآگین از تیرهای شیطان است که هر کس آن را ترک کند [و نگاهش را از حرام بازدارد] خداوند ایمانی به او عطا می‌کند که شیرینی و لذت آن را در قلبش احساس خواهد کرد.

ج. ازدواج: ازدواج غریزه جنسی را مهار می‌کند و رعایت اعتدال در آن انسان را از قرار گرفتن در دامهای شیطان و گناه و حرام، باز می‌دارد. از این رو قرآن کریم می‌فرماید:

وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ... (نور: ۳۲)

مردان و زنان بی‌همسر خود را همسر دهید.

پیامبر اکرم (ص) نیز می‌فرماید:

مَنْ اسْتَطَاعَ مِنْكُمْ الْبَاءَةَ فَلْيَتَزَوَّجْ، فَإِنَّهُ أَغْصَى لِلْبَصَرِ وَأَخْصَنُ لِلْفَرْجِ...<sup>۲</sup>

هر کدام از شما توانایی مالی دارد، ازدواج کند که فرو پوشنده چشم و اندام جنسی از حرام است.

در جای دیگر، می‌فرماید:

مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ طَاهِرًا مَطْهَرًا فَلْيَتَّقْ بَرَّوَجَةً.<sup>۳</sup>

کسی که دوست دارد با طهارت و پاکی از گناه خدا را ملاقات کند، باید [از دواج کرده] همراه با همسرش به دیدار او نایل آید.

د. روزه: رسول خدا (ص)، روزه را عاملی برای فرو نشاندن شهوتها قلمداد کرده، می‌فرماید:

مَعَاشِرَ الشَّبَابِ عَلَيْكُمْ بِالْبَاءَةِ، فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَعَلَيْهِ بِالصَّوْمِ فَإِنَّ الصَّوْمَ لَهُ وَجَاءٌ.<sup>۴</sup>

ای گروه جوانان! بر شما لازم است که ازدواج کنید. اما اگر کسی توانایی ازدواج نداشت، به روزه‌داری روی آورد که موجب شکستن و فرو نشاندن شهوتهاست.

۲. محجة البيضاء، ج ۳، ص ۵۳.

۱. بحارالانوار، ج ۱۰۴، ص ۳۸.

۴. محجة البيضاء، ج ۵، ص ۱۷۹.

۳. بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۲۰.



ه. یاد مرگ: امیر مؤمنان، علی(ع)، در این باره می‌فرماید:

أَلَا فَادْكُرُوا هَادِمَ اللَّذَاتِ وَ مُنْعِصَ الشَّهَوَاتِ وَ قَاطِعَ الْأُمْنِيَّاتِ عِنْدَ الْمَسَاوِرَةِ لِلْأَعْمَالِ  
الْقَبِيحَةِ...<sup>۱</sup>

هشدارید که به گاه یورش به سوی کارهای زشت، مرگ را که ویرانگر لذتها، فرو شکننده شهوتها و از بین برنده آرزوهاست، یادآور شوید.

امام صادق(ع) نیز می‌فرماید:

ذِكْرُ الْمَوْتِ يُبَيِّتُ الشَّهَوَاتِ فِي النَّفْسِ وَ يَقْلَعُ مَنَابِتَ الْغَفْلَةِ وَ يَقْوِي الْقُلُوبَ بِمَوَاعِدِ اللَّهِ وَ يَرْقِي  
الطَّبْعَ وَ يُكْسِرُ أَغْلَامَ الْهَوَى وَ يُطْفِئُ نَارَ الْحِرْصِ وَ يُحَقِّقُ الدُّنْيَا...<sup>۲</sup>

یاد مرگ شهوتهای نفسانی را از بین می‌برد؛ غفلتها را ریشه کن می‌کند؛ دل را به وعده‌های الهی نیرو می‌بخشد؛ طبیعت را نرم می‌کند؛ پرچمهای هوا و هوس را در هم می‌شکند؛ آتش حرص را فرو می‌نشانند و دنیا را در نظر انسان کوچک می‌کند.

## ۸. آثار عفت

آراستگی به عفت و پاکدامنی، چون دیگر فضایل ارزشمند اخلاقی، آثار فراوانی را در پی دارد که مهمترین آنها عبارتند از:

الف. بی‌نیازی: قرآن کریم خطاب به کسانی که در بحران غریزه جنسی قرار دارند و توانایی ازدواج و تشکیل خانواده ندارند، می‌فرماید:

وَلْيَسْتَغْفِرِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُعْطِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ... (نور: ۳۳)

کسانی که امکانی برای ازدواج نمی‌یابند، باید پاکدامنی پیشه کنند تا خداوند از فضل و برکات [مادی و معنوی] خود آنان را بی‌نیاز گرداند.

ب. پارسایی: عفت‌ورزیدن به هنگام رویارویی با امیال سرکش شکمی و جنسی و خودداری از محرّمات الهی مصداق واقعی پارسایی برای انسان با ایمان است. امیر مؤمنان(ع) در این باره می‌فرماید:

الْوَرَعُ، ثَمَرَةُ الْعَفَافِ.<sup>۳</sup>

ورع و پارسایی، ثمره پاکدامنی است.

۲. بحارالانوار، ج ۶ ص ۱۴۶.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۹۸، ص ۲۹۳.

۳. شرح غررالحکم، ج ۱، ص ۲۴۴.

ج. قناعت: قرآن کریم درباره کسانی که به دلیل هجرت و جهاد در راه خدا، اموال خود را از دست داده‌اند و علی‌رغم قرار گرفتن در تنگناهای شدید مالی تنها به خاطر عفت و پاکدامنی قناعت کرده و دست نیاز به سوی احدی دراز نکرده‌اند، می‌فرماید:

يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ ... (بقره: ۲۷۳)

از شدت پاکدامنی [و قناعتی که دارند،] فرد ناآگاه آنها را بی‌نیاز می‌پندارد.  
حضرت علی(ع)، ضمن تأکید بر لزوم عفت، به اثر آن اشاره کرده، می‌فرماید:

ثَمَرَةُ الْعِفَّةِ الْقَنَاعَةُ.<sup>۱</sup>

قناعت، ثمره عفت است.

د. خویشتن‌داری از گناه: امیر مؤمنان(ع) در این مورد می‌فرماید:

ثَمَرَةُ الْعِفَّةِ الصِّيَانَةُ.<sup>۲</sup>

خویشتن‌داری از گناه، ثمره پاکدامنی است.

در جای دیگر می‌فرماید:

الْعَفَافُ يَصُونُ النَّفْسَ وَيُنْزِعُهَا عَنِ الدُّنْيَا.<sup>۳</sup>

پاکدامنی، نفس آدمی را از گناه بازداشته و از پستیها و پلیدیها پاک می‌گرداند.

۲. همان، ج ۳، ص ۳۲۳.

۱. شرح غررالحکم، ج ۶، ص ۳۰۳.

۳. همان، ص ۱۲۹.

درس ششم

## کرامت، بزرگواری و قناعت

### ۱. تعریف کرامت و بزرگواری

کرامت به معنای عزیزی و بزرگواری<sup>۱</sup>، نفیس گردیدن و با عزت شدن<sup>۲</sup>، اخلاق و کارهای پسندیده<sup>۳</sup> و ضد پستی و فرومایگی<sup>۴</sup>، معنا شده است. در فرهنگ اسلامی نیز به عنوان یک ویژگی ارزشمند اخلاقی مورد توجه قرار گرفته و به معنای اخلاق پسندیده و بزرگواری آمده که در برابر هرگونه پستی و زبونی - به ویژه گناه - قرار دارد.

امام علی (ع) در یکی از سخنان خویش به معنای کرامت اشاره کرده می فرماید:

الْكَرَمُ، حُسْنُ السَّجِيَّةِ وَاجْتِنَابُ الدَّنِيَّةِ.<sup>۵</sup>

کرامت، اخلاق نیک و دوری از هرگونه پستی و فرومایگی است.

در سخنی دیگر، حقیقت کرامت را این گونه بازگو نموده است:

فَإِنَّ الشُّحَّ بِالنَّفْسِ حَقِيقَةُ الْكَرَمِ.<sup>۶</sup>

حقیقت کرامت، خویشتن داری [از هوا و هوس و ارتکاب حرام] است.

در جای دیگر، کرامت را دوری کردن از گناه دانسته می فرماید:

إِنَّمَا الْكَرَمُ التَّنَزُّهُ مِنَ الْمَعَاصِي.<sup>۷</sup>

کرامت، دوری کردن از گناهان است.

۱. لغت نامه دهخدا، ج ۳۸، ص ۴۶۸، واژه کرم.

۲. مجمع البحرین، طریحی، ج ۶، ص ۱۵۳.

۳. مفردات، راغب اصفهانی، ص ۴۲۸.

۴. قاموس المحيط، فیروزآبادی، ج ۴، ص ۱۷۱.

۵. شرح غررالحکم، ج ۲، ص ۲۹.

۶. همان، ص ۱۹۹.

۷. همان، ج ۳، ص ۷۷.

بنابراین، در واژه کرامت دو معنای اساسی نهفته است: یکی بزرگواری و دیگری دوری از هر گونه پستی، خواری و گناه.

## ۲. ارزش کرامت

کرامت در اسلام از ارزش و اهمیت والایی برخوردار است. از این رو، در آیات و روایات متعددی مورد توجه قرار گرفته و به آن سفارش شده است. خدای متعال در اولین سوره‌ای که به پیامبر اکرم (ص) نازل کرده، خود را با ویژگی کرامت ستوده، می‌فرماید: «إِقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ» (علق: ۳) بخوان که پروردگارت [از همه] بزرگوارتر است.

از آنجاکه انسان برای جانشینی خداوند، باید صفات و ویژگی‌های لازم را دارا باشد، خدای سبحان، کرامت را در ذات و سرشت او نیز قرار داده، تا انسان با پرورش و شکوفایی آن و دیگر فضایل اخلاقی، طریق رشد و کمال را پیموده، به مقام جانشینی پروردگار دست یابد. قرآن کریم کرامت ذاتی انسان را مورد تأیید قرار داده، می‌فرماید:

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ... (اسراء: ۷۰)

ما به فرزندان آدم، کرامت بخشیدیم.

امیر مؤمنان، علی (ع)، کرامت را معدن و ریشه کارهای خوب دانسته می‌فرماید:

الْكَرَمُ مَعْدِنُ الْخَيْرِ.<sup>۱</sup>

کرامت معدن خوبیها [و فضیلتها] است.

در جای دیگر با تأکید بر ارزش والای کرامت، تن دادن به پستی را نکوهش می‌کند و می‌فرماید:

وَ أَكْرَمُ نَفْسِكَ عَنْ كُلِّ دَنِيَّةٍ وَ إِنْ سَأَلْتَهُ إِلَى الرِّغَائِبِ، فَإِنَّكَ لَنْ تَعْتَاضَ بِمَا تَبْدُلُ مِنْ نَفْسِكَ عَوْضًا.<sup>۲</sup>

خویشتن را از هرگونه پستی، (منزه و) بزرگ دار؛ گرچه (آن پستی) تو را به خواسته‌هایت برساند؛ زیرا به جای آنچه که از [آبرو و شخصیت] خودت از دست می‌دهی، چیزی را به دست نخواهی آورد.

امام خمینی (ره)، به پیروی از سالار شهیدان، حفظ کرامت و عزت در برابر دشمن را مورد تأکید قرار داده، خطاب به رژیم فاسد و زبون پهلوی فرمود:

۲. نهج البلاغه، نامه ۳۱، ص ۹۲۹.

۱. شرح غرالحکم، ج ۱، ص ۱۵۲.

من اکنون قلب خود را برای سرنیزه‌های مأمورین شما حاضر کردم ولی برای قبول زورگوییها و خضوع در مقابل جباریه‌ای شما حاضر نخواهم کرد.<sup>۱</sup>

### ۳. ویژگی‌های کریمان

الف. دستگیری قبل از تقاضا: امام کریمان، امیر مؤمنان، علی (ع)، می‌فرماید:

الْكَرِيمُ مَنْ سَبَقَ نَوَالُهُ سُؤَالَهُ.<sup>۲</sup>

بزرگوار کسی است که پیش از تقاضا عطا نماید.

ب. احساس وظیفه: همان امام فرمود:

الْكَرِيمُ يَرَى مَكَارِمَ أَعْمَالِهِ دَيْنًا عَلَيْهِ بِقَضِيهِ.<sup>۳</sup>

بزرگوار، خود را وامدار کردارهای بزرگوارانه می‌داند که باید آنها را بجای آورد.

ج. کوچک شمردن دنیا: همان حضرت می‌فرماید:

مَنْ كَرُمَتْ نَفْسُهُ صَغُرَتِ الدُّنْيَا فِي عَيْنِهِ.<sup>۴</sup>

هر کس بزرگوار شود، دنیا در نظرش کوچک جلوه کند.

د. دوری از ننگ و عار: از دیگر ویژگی‌های ارزشمند کریمان، فرار از هرگونه کاری است که ننگ و عار به دنبال دارد؛ چراکه حتی کوچکترین احساس ننگ با کمترین درجه بزرگواری ناسازگار است و کریم هرگز نمی‌تواند آن را تحمل کند. در کلمات نغز همان امام همام آمده است:

الْكَرِيمُ يَأْتِي الْغَارَ وَ يُكْرِمُ الْجَارَ.<sup>۵</sup>

بزرگوار، از پذیرش ننگ ابا دارد و همسایه را گرامی می‌دارد.

### ۴. جلوه‌های کرامت

الف. گذشت: صفت کرامت می‌طلبد که انسان در برابر بدیهایی که از ناحیه دیگران می‌بیند، به‌ویژه هنگام قدرت بر انتقام‌گیری، کریمانه گذشت کند و گوهر انسانی خود را بروز دهد. امام علی (ع) در این باره می‌فرماید:

۲. شرح غررالحکم، ج ۱، ص ۳۶۵.

۴. شرح غررالحکم، ج ۵، ص ۴۵۱.

۱. صحیفه نور، ج ۱، ص ۴۰.

۳. همان، ج ۲، ص ۱۱۵.

۵. همان، ج ۲، ص ۱۰۷.

مِنَ الْكَرَمِ أَنْ تَتَجَاوَزَ عَنِ الْإِسَاءَةِ إِلَيْكَ.<sup>۱</sup>

از [جلوه‌های] کرامت، درگذشتن از کسی است که به تو بدی کرده است.

موارد فراوانی از این نوع گذشته‌ها در تاریخ اسلام وجود دارد که به دو نمونه اشاره می‌کنیم:  
پس از فتح این شهر به دست پیامبر (ص) و یارانش، آن حضرت خطاب به مردمی که اسیر شده بودند، فرمود:

فکر می‌کنید با شما چه می‌کنم؟ گفتند: به خیر و نیکی، زیرا شما برادری کریم و فرزند برادری کریم هستید. پیامبر فرمود: بروید که همه شما آزادید و از خطاها و گناهان آنها درگذشت در حالی که به یاری خداوند بر آن مردم مسلط بود و آنها مانند غنیمتی در دستش گرفتار بودند.<sup>۲</sup>

نمونه دوم در کربلای حسینی است و آن هنگامی است که حُرّ از رفتار گذشته خویش پشیمان شده، خدمت امام حسین (ع) می‌رسد و از ایشان تقاضای عفو می‌کند. آن امام بزرگوار در کمال کرامت، نه تنها از خطای «حُرّ» درمی‌گذرد، که او را در صف یاران خویش جای می‌دهد.  
ب. بذل و بخشش: انسانهای کریم در حلّ مشکلات مادی و رفع احتیاجات نیازمندان دستی بخشنده داشته و حتی قبل از درخواست نیازمند و بدون هیچ منتی، بذل و بخشش می‌کنند.  
علی (ع) در این باره می‌فرماید:

الْجُودُ مِنْ كَرَمِ الطَّبِيعَةِ.<sup>۳</sup>

بخشش از کرامت انسان ناشی می‌شود.

آن حضرت در جایی دیگر می‌فرماید:

مَنْ كَرُمَتْ نَفْسُهُ، اسْتَهَانَ بِالْبَذْلِ وَالْإِسْغَافِ.<sup>۴</sup>

کسی که خود را به کرامت آراسته باشد، بذل و بخشش برایش آسان خواهد بود.

ج. پایداری بر پیمانها: حضرت علی (ع) در این باره می‌فرماید:

مِنَ الْكَرَمِ الْوَفَاءُ بِالذِّمَمِ.<sup>۵</sup>

از آثار کرامت، پایداری بر پیمانهاست.

۲. کامل، ابن اثیر، ج ۲، ص ۲۵۲.

۴. شرح غررالحکم، ج ۵، ص ۳۴۲.

۱. همان، ج ۶ ص ۳۹.

۳. بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۴۲۱.

۵. بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۲۰۹.

آن حضرت در عهدنامه خود به مالک اشتر، وفاداری بر پیمان با دشمن را مورد تأکید قرار داده، می‌فرماید:

اگر با دشمن پیمانی نهاده‌ای و در ذمه خود او را امان دادی، به عهد خویش وفا کن و آنچه را بر ذمه داری ادا نما و خود را سپر پیمان قرار ده؛ زیرا نزد مردم، با همه هواهای گونه‌گون و رأیها و اندیشه‌های مختلفی که دارند، چیزی از واجبه‌ای خدا مهم‌تر از بزرگ شمردن وفای به عهد نیست... پس در آنچه به عهد گرفته‌ای خیانت مکن، و پیمانی را که بسته‌ای مشکن و دشمن را - که در پیمان توست - مغریب.<sup>۱</sup>

د. فداکاری در راه حق: امیر مؤمنان، علی (ع)، می‌فرماید:

عِنْدَ الْإِثَارِ عَلَى النَّفْسِ، تَتَبَّعُ جَوَاهِرُ الْكُرْمَاءِ.<sup>۲</sup>

شکوه و گوهر وجودی اهل کرامت، [به] هنگام ایثار و فداکاری آشکار می‌شود. امام حسین (ع) که خود طلایه دار کاروان فداکاری و از جان‌گذشتگی در راه حق است، هنگام ورود به کربلا، در نهایت عزت و کرامت، خطاب به اهل بیت و یارانش می‌فرماید: ... وضع دنیا دگرگون شده، زشتیها آشکار و نیکیها و فضیلتها از میان مردم رخت بر بسته است و از فضایل انسانی چیزی باقی نمانده، مگر اندکی مانند قطره‌های ته‌مانده ظرف آب و مردم در زندگی ننگین و ذلت‌باری به سر می‌برند. آیا نمی‌بینید که به حق عمل نمی‌شود و کسی از باطل روی گردان نیست [در این محیط ننگین] سزاوار است که مؤمن با فداکاری و جانبازی به دیدار پروردگارش بشتابد و من نیز در چنین شرایطی مرگ را جز سعادت و خوشبختی، و زندگی با ستمگران را جز رنج و خواری نمی‌دانم.<sup>۳</sup>

## ۵. قناعت

قناعت در لغت یعنی «اكتفا به اندک و راضی شدن به سهم خود»<sup>۴</sup> و در اصطلاح علم اخلاق، عبارت است از «ملکه‌ای نفسانی که سبب می‌شود انسان از ثروت به قدر ضرورت و نیاز اکتفا کند و در پی فزون‌طلبی، خود را به زحمت نیندازد».<sup>۵</sup>

۱. نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۱۰۲۷. ۲. شرح غررالحکم، ج ۴، ص ۳۲۶.

۳. تحف العقول، ص ۱۷۶.

۴. مفردات راغب، ص ۴۱۳، دارالمعرفة؛ فرهنگ عمید، ج ۲، ص ۵۹۱.

۵. جامع السعادات، ج ۲، ص ۱۰۴.

قناعت در مقام مصرف معنا پیدا می‌کند، نه در مقام کار و درآمد و سرمایه گذاری و تولید؛ یعنی اگر کار و درآمد و سرمایه گذاری و تولید انسان بیش از نیاز و کفاف شخصی باشد، نه تنها اشکالی ندارد، بلکه چه بسا مورد تشویق شرع مقدس و مطابق با سیره ائمه به خصوص امیرالمؤمنین (ع) است.

پیامبر اکرم (ص) فرمود:

طُوبَى لِمَنْ هَدَى لِلْإِسْلَامِ، وَ كَانَ عَيْشُهُ كِفَافاً بِهِ.<sup>۱</sup>

خوشا به حال کسی که به دین اسلام هدایت یابد و معاش زندگی‌اش در حد کفاف نیازهای او باشد.

امیر مؤمنان علی (ع)، قناعت را نعمتی خدادادی دانسته، می‌فرماید:

إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا أَلْهَمَهُ الْقَنَاعَةَ فَكَتَفَى بِالْكَفَافِ وَ اكْتَسَى بِالْعَفَافِ.<sup>۲</sup>

هرگاه خدا بخواهد به بنده‌ای خیر دهد، قناعت را به او الهام می‌کند. چنین بنده‌ای به قدر کفاف بسنده می‌کند و با لباس عفاف خود را می‌پوشاند.

یعنی چشم به مال دیگران نمی‌دوزد و به سوی دیگران دست نمی‌بازد.

## ۶. زمینه‌های قناعت

الف. پرهیز از حرص و آز: حضرت علی (ع) فرمود:

لَنْ تُوَجَدَ الْقَنَاعَةُ حَتَّى يُفْقَدَ الْحِرْصُ.<sup>۳</sup>

تا حرص ناپود نشود، قناعت پدید نمی‌آید.

امام باقر (ع) فرمود:

أَنْزِلُ سَاحَةَ الْقَنَاعَةِ بِاتِّقَاءِ الْحِرْصِ وَادْفَعِ عَظِيمَ الْحِرْصِ بِإِثَارِ الْقَنَاعَةِ.<sup>۴</sup>

با پرهیز از حرص و طمع، در میدان قناعت فرود آی و خطر حرص را با مقدم داشتن قناعت برطرف کن.

ب. عقیف بودن: عفت به معنای خود بسندگی و اکتفا به مقدورات و امکانات خود و چشم ندوختن و دست دراز نکردن به طرف دیگری است که هم در مورد نیازمندی مالی معنا پیدا

۱. همان.

۲. غررالحکم، ج ۳، ص ۱۷۵.

۳. همان، ج ۵، ص ۶۶.

۴. بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۶۳.



می‌کند و هم در مورد نیازمندی جنسی. مراد از عفاف در این بحث، عقیف بودن در نیازهای مالی و مادی است. به فرموده حضرت علی (ع):

عَلَى قَدْرِ الْعِفَّةِ تَكُونُ الْقَنَاعَةُ.<sup>۱</sup>

قناعت به اندازه عفت است.

شاید بتوان گفت که قناعت و عفت در یکدیگر تأثیر متقابل دارند؛ چنان‌که آن حضرت می‌فرماید:

كُلُّ قَانِعٍ عَقِيفٌ.<sup>۲</sup>

هر قناعت‌کننده‌ای عقیف است.

ج. توکل و رضا: اگر مؤمن به مقام رفیع توکل و رضا دست یابد، یعنی در امور زندگی بر خدا توکل کند و بر آنچه به دست آورده خشنود باشد، در واقع به قناعت دست یافته است. او در مکتب اسلام آموخته است که:

مَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا. (هود: ۶)

هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست، مگر اینکه روزی‌اش برعهده خداست.

و به گفته پیامبر اکرم (ص):

مَنْ انْقَطَعَ إِلَى اللَّهِ كَفَاهُ اللَّهُ مَوْنَهُ وَ رَزَقَهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ.<sup>۳</sup>

کسی که از روی آوردن به خلق خدا صرف نظر کرده به خدا روی آورد، خدا مخارجش را تأمین می‌کند و از ممر بی حساب روزی‌اش را می‌رساند.

چنین کسی دیگر دغدغه آینده خود و فرزندان را ندارد و از ترس آنکه روزی فقیر و تنگدست شود خود را به آب و آتش نمی‌زند و حرام و حلال را انباشته نمی‌کند. از این رو، امیر مؤمنان (ع) رضا و خشنودی را اساس قناعت دانسته می‌فرماید:

رَأْسُ الْقَنَاعَةِ الرِّضَا.<sup>۴</sup>

خشنودی از پروردگار، اصل قناعت است.

د. نگاه کردن به زندگی فقرا: رهبران اسلام به پیروان خویش سفارش می‌کردند که همواره در امور مادی به قشر پایین جامعه نگاه کنند، نه به مرفه‌ان و ثروتمندان. ابوذر می‌گوید:

۱. غررالحکم، ج ۴، ص ۳۱۲. ۲. همان، ص ۵۳۶.  
۳. روضة الواعظین، فتال نیشابوری، ص ۴۲۶. ۴. غررالحکم، ج ۴، ص ۵۴.

دوستم [رسول خدا] به من سفارش کرد که در امور دنیا به پایین تر از خویش بنگرم، نه به آن که از من بالاتر است.<sup>۱</sup>

امام باقر (ع) نیز می فرماید:

أَنْظُرْ إِلَى مَنْ هُوَ دُونَكَ وَلَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ هُوَ فَوْقَكَ فِي الْقُدْرَةِ، فَإِنَّ ذَلِكَ أَقْنَعُ لَكَ بِمَا قُسِمَ لَكَ.<sup>۲</sup>

در قدرت و تمکن مالی همواره به پایین تر از خود نگاه کن، نه به بالاتر؛ زیرا چنین کاری تو را به روزی خود قانع تر می سازد.

ه. یاد مرگ: در قرآن کریم و احادیث ائمه معصوم (ع) سعی زیادی شده است که انسان مرگ را فراموش نکند و به یاد عالم قیامت باشد. مؤمن دنیا را موقت و زودگذر می بیند و هیچ گاه به آن دل نمی بندد و با یادآوری مرگ و قیامت، برای منزل ابدی آخرت توشه ذخیره می کند.

رسول اکرم (ص) می فرماید:

أَكْثَرُوا مِنْ ذِكْرِ الْمَوْتِ فَإِنَّهُ يُحْصِصُ الذُّنُوبَ وَيُزْهَدُ فِي الدُّنْيَا.<sup>۳</sup>

مرگ را همیشه به یاد داشته باشید که باعث پاکی گناهان و زهد و بی رغبتی در دنیا می شود.

علی (ع) می فرماید:

مَنْ ذَكَرَ الْمَوْتَ رَضِيَ مِنَ الدُّنْيَا بِالْيَسِيرِ.<sup>۴</sup>

کسی که به یاد مرگ باشد، به اندک دنیا خشنود می شود.

## ۷. فواید قناعت

قناعت فواید فراوانی دارد که به چند نمونه آن اشاره می کنیم:

الف. حفظ دین: حفظ و سلامت دین یکی از مهم ترین فواید قناعت است. حضرت علی (ع) فرمود:

إِقْنَعُوا بِالْقَلِيلِ مِنْ دُنْيَاكُمْ لِسَلَامَةِ دِينِكُمْ فَإِنَّ الْمُؤْمِنَ الْبُلْعَةُ الْيَسِيرَةُ مِنَ الدُّنْيَا تَنْفَعُهُ.<sup>۵</sup>

برای سلامتی دینتان به اندکی از دنیا بسنده کنید؛ زیرا سهم اندکی از دنیا مؤمن را

قانع می کند.

۲. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۹۸.

۴. غرر الحکم، ج ۵، ص ۳۷۹.

۱. مجموعه ورام، ص ۱۶۹.

۳. مجموعه ورام، ج ۱، ص ۲۶۹.

۵. غرر الحکم، ج ۲، ص ۲۵۹.

اجرای برنامه‌های دینی که سعادت دنیا و آخرت را تأمین می‌کند، نیاز به فرصت دارد و اگر تمام یا بیشتر عمر انسان صرف زندگی مادی شود، دیگر نمی‌تواند به تهذیب نفس و انجام اعمال دینی بپردازد. از این رو، امیر مؤمنان (ع) می‌فرماید:

كَيْفَ يَسْتَطِيعُ صَالِحُ نَفْسِهِ مَنْ لَا يَقْنَعُ بِالْقَلِيلِ.<sup>۱</sup>

کسی که به اندک قانع نباشد، چطور می‌تواند خویشتن را اصلاح کند؟!

ب. عزّت نفس: ارجمند شدن هر کسی در گرو قناعت اوست. حضرت علی (ع) می‌فرماید:

ثَمَرَةُ الْقَنَاعَةِ الْعِزُّ.<sup>۲</sup>

عزّت، میوه قناعت است.

ج. بی‌نیازی و آزادگی: بی‌نیازی از دیگران و داشتن آزادی، دو ویژگی از ویژگی‌های برجسته انسانی است که از رهگذر اکتفا به اندک حاصل می‌شود. پیامبر اکرم (ص) فرمود:

مَنْ قَنَعَ بِمَا رَزَقَهُ اللَّهُ فَهُوَ مِنْ أَعْيَى النَّاسِ.<sup>۳</sup>

هرکس به آنچه خدا روزی او کرده قناعت کند، از بی‌نیازترین مردم است.

د. آسایش زندگی: انسان قانع چون به اندک اکتفا می‌کند، همیشه زندگی راحت و خوشی دارد؛ زیرا نه دغدغه خاطر آینده، او را متوجه خود می‌کند و نه برگزشته غصه می‌خورد. پیامبر اکرم (ص) فرمود:

مَنْ انْقَطَعَ رَجَاؤُهُ مِمَّا فَاتَ اشْتَرَاخَ بَدْنِهِ، وَ مَنْ رَضِيَ بِمَا رَزَقَهُ اللَّهُ قَرَّتْ عَيْنُهُ.<sup>۴</sup>

هرکس امیدش از گذشته قطع شود، بدنش راحت می‌شود، و هر کس به آنچه خدا به او روزی داده خشنود باشد، شادمان می‌گردد.

حضرت علی (ع) می‌فرماید:

الْقَنَاعَةُ أَهْنُ عَيْشٍ.<sup>۵</sup>

قناعت، گواراترین زندگانی است.

ه. آسانی حساب: حساب هر کسی در قیامت، بستگی به نعمتهایی دارد که خداوند در دنیا به او داده است. پیامبر اکرم (ص) فرمود:

۱. همان، ج ۴، ص ۵۶۰.

۲. همان، ج ۳، ص ۳۳۳.

۳. تحف العقول، ص ۱۵.

۴. مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۳۷.

۵. غررالحکم، ج ۱، ص ۲۳۲.

إِقْتَنِعْ بِمَا أُوتِيْتَهُ يَخْفَ عَلَيْكَ الْحِسَابُ.<sup>۱</sup>

به آنچه به تو رسیده است قانع باش، تا حسابت آسان شود.

امام صادق (ع) فرمود:

مَنْ رَضِيَ مِنَ اللَّهِ بِالْيُسْرِ مِنَ الْمَعَاشِ رَضِيَ اللَّهُ مِنْهُ بِالْيُسْرِ مِنَ الْعَمَلِ.<sup>۲</sup>

کسی که به روزی اندک خدا خشنود باشد، خداوند به عمل اندک از او راضی خواهد شد.

۱. بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۱۸۹.

۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۳۸.

درس هفتم

## ایثار و شجاعت

### ۱. معنای لغوی و اصطلاحی ایثار

«ایثار» در لغت به معنای برگزیدن، غرض دیگران را بر غرض خویش مقدم داشتن و مانند آن است<sup>۱</sup> و در اصطلاح عبارت است از: بخشش مال به کسی، با وجود احتیاج به آن<sup>۲</sup> ولی آنچه در امور نظامی مطرح است، چیزی بیش از اینهاست و گذشت از جان و مال و مقام و شخصیت و مانند آن را در برمی گیرد؛ بدین معنا که یک انسان مکتبی در راه اعتلای عظمت اسلام و پایداری در راه اقامه شعائر دینی و برافراشتن پرچم توحید، با تمام امکانات خود تلاش کند و از بذل جان و مال خویش در راه هدف مقدس به ویژه در مصاف با دشمن در میدان نبرد دریغ نورزد.

### ۲. اهمیت ایثار

الف. تمجید ایثارگران در قرآن: قرآن کریم با بیان شواهد و مصادیق بارز ایثار، این فضیلت را در ابعاد مختلف ستوده است، از جمله:

الف. حضرت ابراهیم (ع) «بنیانگذار ایثار»<sup>۳</sup> در جریان ذبح حضرت اسماعیل، وقتی ابراهیم (ع) خواب خویش را به عمل تبدیل کرد و از آن آزمایش الهی پیروزمندانه بیرون آمد، خداوند، ابراهیم (ع) را این گونه ستود:

سَلَامٌ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ. (صافات: ۱۰۹-۱۱۱)

سلام بر ابراهیم، ما نیکوکاران را این چنین پاداش می دهیم، او از بندگان مؤمن ما بود.

۱. لغت نامه دهخدا، ج ۸، واژه ایثار.

۲. جامع السعادات، ج ۲، ص ۱۲۲.

۳. امام خمینی (ره) فرمود: حضرت ابراهیم (ع) بنیانگذار ایثار است. (صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۵۳)

ب. قرآن کریم دربارهٔ ایثار جانی حضرت علی (ع) به منظور حفظ جان حضرت رسول (ص) (با توجه به روایات) می‌فرماید:

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ. (بقره: ۲۰۷)

و بعضی از مردم برای جستن خشنودی خدا جان خویش را فدا می‌کنند.

و در جایی دیگر از ایثار مالی خاندان پیامبر (ص) چنین ستایش می‌کند:

و يُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا. (دهر: ۸)

غذای خویش را با آنکه آن را دوست داشتند به مسکین و یتیم و اسیر می‌خورانند.

ج. همچنین از انصار - که در حال فقر، از برادران مهاجر خود، با تقسیم اموال و خانه‌های خویش پذیرایی کردند و آنان را بر خود مقدم داشتند - این‌گونه تمجید می‌کند:

و يُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ. (حشر: ۹)

دیگران را بر خود مقدم می‌دارند؛ هر چند خود فقیر و نیازمند باشند.

ب. ایثار در روایات: امیر مؤمنان، علی (ع)، می‌فرماید:

الْإِثَارُ سَجِيَّةُ الْأَبْرَارِ وَ شِمَّةُ الْأَخْيَارِ.<sup>۱</sup>

ایثار خوی نیکوکاران و شیوهٔ نیکان است.

در جای دیگر فرمود:

الْإِثَارُ أَحْسَنُ الْإِحْسَانِ وَ أَعْلَىٰ مَرَاتِبِ الْإِيمَانِ.<sup>۲</sup>

ایثار نیکوترین احسان و بالاترین مراتب ایمان است.

رسول خدا (ص) دربارهٔ ارزش خونهاهای پاک شهیدان راه خدا می‌فرماید:

مَا مِنْ قَطْرَةٍ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ قَطْرَةٍ دَمٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.<sup>۳</sup>

هیچ قطره‌ای در پیشگاه خداوند، محبوبتر از قطرهٔ خونی نیست که در راه خدا ریخته می‌شود.

پیامبر (ص) همچنین ارزش ایثار و پاسداری از مرزهای اسلامی را این‌گونه بیان می‌کند:

رِبَاطُ يَوْمٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَ مَا عَلَيْهَا.<sup>۴</sup>

یک روز مرزداری در راه خدا از دنیا و آنچه در آن است، بهتر می‌باشد.

۱. شرح غررالحکم، ج ۲، ص ۱۶۴.

۲. همان، ص ۳۱.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۸.

۴. صحیح البخاری، ج ۴، ص ۴۳.

### ۳. اقسام ایثار

#### الف. مثبت

۱. مقدم داشتن دیگران بر خود، هر چند به چیز اندک، در روایات اسلامی امری پسندیده شمرده شده است،<sup>۱</sup> امیر مؤمنان، علی (ع)، در خطبه متقین می فرماید:

نَفْسُهُ مِنْهُ فِي عَنَاءٍ وَالنَّاسُ مِنْهُ فِي رَاحَةٍ.<sup>۲</sup>

[متقی کسی است که] نفس او (به واسطه سختگیریهای خودش) از او در رنج است و مردم از ناحیه او در آسایش اند.

۲. مقدم داشتن خواست الهی بر هوای نفس<sup>۳</sup> همانند کار حضرت یوسف (ع) که با مقدم داشتن خواست خدا آبروی خود را حفظ کرد و زندان را بر معصیت ترجیح داده: فرمود:

رَبِّ السَّجْنِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونِي إِلَيْهِ. (یوسف: ۳۳)

پروردگارا! زندان برای من دوست داشتنی تر از چیزی است که زنهار مرا بدان می خوانند.

امام باقر (ع) فرمود: خداوند بزرگ می فرماید:

به عزت و جلال و شرف و بلندی مقامم سوگند! که هیچ بنده مؤمنی خواست مرا بر خواست خود، در یکی از امور دنیا برنگزیند، جز آنکه بی نیازی را در وجودش قرار دهم و همتش را متوجه آخرت سازم و آسمانها و زمین را عهده دار روزی اش گردانم و خودم برایش پشت سر تجارت هر تاجری هستم.<sup>۴</sup>

۳. روح سلحشوری، فداکاری و از خودگذشتگی که سربازان اسلام برای اعتلای کلمه حق و آیین توحیدی از خود نشان می دهند، از دیگر موارد ایثار مثبت است. قرآن کریم نیز ایثارگران را که از همه چیز دنیا گذشته، جان بر کف به میدان نبرد می شتابند، با عبارت «... فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْفَاعِلِينَ أَجْرًا عَظِيمًا»<sup>۵</sup> (نساء: ۹۵) ستوده، کارشان را یک معامله الهی می داند.<sup>۶</sup>

۴. ترجیح حق بر باطل گرچه در ظاهر به ضرر انسان باشد، یکی دیگر از جنبه های مثبت ایثار به شمار می آید امام صادق (ع) می فرماید:

إِنَّ مِنْ حَقِيقَةِ الْإِيمَانِ أَنْ تُؤْتِرَ الْحَقَّ وَإِنْ ضَرَّكَ عَلَى الْبَاطِلِ وَإِنْ نَفَعَكَ...<sup>۷</sup>

۱. وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۲۹۹. ۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۸۴، ص ۶۱۷.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۲۲۰. ۴. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۲۲۱.

۵. خدا جهاد کنندگان را بر آنها که از جهاد سر می تابند، به مزدی بزرگ برتری داده است.

۶. توبه (۹)، آیه ۱۱۱. ۷. بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۱۰۶.

از حقیقت ایمان، آن است که حق را - گرچه به زیان توست - بر باطل - گرچه به سود توست - ترجیح دهی.

#### ب. منفی

۱. فداکاری و گذشتن از جان و مال و... در جبهه باطل از جنبه‌های منفی ایثار است. قرآن مجید از این واقعیت چنین یاد می‌کند:

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَسَيُنْفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً... (انفال: ۳۶)

کافران اموالشان را خرج می‌کنند تا مردم را از راه خدا بازدارند. اموالشان را خرج خواهند کرد و حسرت خواهند برد.

۲. برگزیدن دنیا و ترجیح مظاهر آن بر آخرت نیز ایثار منفی است. قرآن کریم در نکوهش چنین کاری می‌فرماید:

فَأَمَّا مَنْ طَغَىٰ وَآثَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَىٰ.<sup>۱</sup>

هر که طغیان کند و زندگی این جهانی را برگزیند، جایگاه او دوزخ است.

۳. گزینش هوای نفس بر خواست الهی نیز از انواع ایثارهای منفی است که باید از آن پرهیز کرد.

#### ۴. فواید ایثار

به‌طور قطع، ایثار مثبت، نتایج زیبا و گرانقدری به دنبال خواهد داشت که برخی از آنها بدین شرح است:

الف. بروز گوهرهای انسانی: در عرصه‌های ایثار، جوهره واقعی، کرامت نفس، پاکیزگی، صفا و بلند مرتبگی انسانهای بزرگوار آشکار می‌شود و به تعبیر مولای متقیان، علی (ع):

عِنْدَ الْإِثَارِ عَلَى النَّفْسِ تَبَيَّنَ جَوَاهِرُ الْكَرَمَاءِ.<sup>۲</sup>

هنگام ایثار، گوهرهای (شرافت و بلندی مرتبه) کریمان آشکار می‌شود.

ب. زبونی و شکست دشمن: ایثار و فداکاری در مصاف با دشمن موجب زبونی و درماندگی دشمن می‌شود. «جنگ بدر نزدیک به پایان بود. دشمن زبون و درمانده با دادن تلفات بسیار از صحنه پیکار می‌گریخت. فرماندهان یگانها، گیج و مبهوت بودند که در این لحظات حساس چه ترفندی

۲. شرح غرالحکم، ج ۴، ص ۳۲۶.

۱. نازعات (۷۹)، آیات ۳۷-۳۹.



به کار گیرند تا رسوایی بیشتر نصیبشان نشود. یکی از فرماندهان سپاه کفر، به نام طلیحه بن خویلد، وقتی فرار مفتضحانه نیروهای تحت امر خود را مشاهده کرد، پیش رفت و گفت: وای بر شما! چه چیزی باعث فرار شما شده است؟ مردی گفت: راز قضیه این است که هر یک از ما که در حال فرار است، دوست دارد همسنگرش، پیش از او کشته شود و خودش جان سالم به در برد؛ درحالی که ما با گروهی رو به رو هستیم که همگی دوست دارند پیش از همزمان خود مرگ را در آغوش گیرند.<sup>۱</sup>

ج. سُرُورِی و سَرافِرازی: امیر مؤمنان، علی (ع)، از ایثار به عنوان برترین عبادت و بزرگ ترین مایه سروری یاد کرده است<sup>۲</sup> و نیز می فرماید:

بِإِثَارٍ عَلَى نَفْسِكَ تَمْلِكُ الرَّقَابَ.<sup>۳</sup>

با ایثار (و مقدم داشتن دیگران بر خود)، مالک گردنهای می شوی (مردم مطیع و فرمانبردار تو می شوند).

## ۵. شجاعت

شجاعت در لغت به معنای قوی دل، سریع الثقل و با جرأت بودن در هنگام جنگ است. کسی که در شدت جنگ پر دل و سبک دست باشد و به آسانی اقدام کند، در میان مردم، شجاع خوانده می شود.<sup>۴</sup>

در اصطلاح علم اخلاق نیز، شجاعت، ضد جبن (ترسوئی) است. جبن در طرف تفريط شجاعت قرار دارد و آن عبارت است از اینکه در موارد شایسته اقدام و انتقام، انسان هیچ جنبش و حرکتی نکند. در طرف افراط شجاعت نیز عنوان «تهور» قرار دارد که عبارت از اقدام به کاری است که نباید کرد. و انداختن خود در مهلکه ای است که در عقل و شرع منع شده است.<sup>۵</sup>

در ارزش شجاعت همین بس که خداوند متعال، رسول گرامی اسلام (ص) و یارانش را به آن ستوده، می فرماید:

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ. (فتح: ۲۹)

محمد (ص) فرستاده خداست و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید و در میان خود مهربانند.

۱. الصحيح من سيرة النبي الاعظم (ص)، جعفر مرتضی عاملی، ج ۳، ص ۲۱۳.

۲. شرح غررالحکم، ج ۱، ص ۳۰۰. همان، ج ۳، ص ۲۲۷.

۴. مجمع البحرین، ج ۱، ص ۴۸۵؛ فرهنگ جامع فارسی آندراج، ج ۴، ص ۲۵۹۸؛ لغت نامه دهخدا، ج ۹، ص ۱۲۴۹۷.

۵. ر. ک. جامع السعادات، ج ۱، ص ۲۴۲-۲۴۴.

امیر مؤمنان (ع) نیز می‌فرماید:

الْمُؤْمِنُ نَفْسُهُ أَصْلَبُ مِنَ الصَّلْدِ.<sup>۱</sup>

مؤمن از سنگ خارا سخت‌تر است.

## ۶. ضرورت شجاعت در نیروهای نظامی

ضرورت شجاعت برای نیروهای نظامی بر هیچ خردمندی پوشیده نیست. پیشرفته‌ترین تجهیزات نظامی بدون فرماندهان و سربازان شجاع کارآیی لازم را ندارد و فرجام چنین سپاه و لشکری شکست و نابودی است. گرچه وجود این صفت نیک برای همه افراد پسندیده است، اما برای یک نیروی نظامی از ضروریات محسوب می‌شود و صحنه‌نمایش شجاعت و دلاور مردی نیز به‌طور معمول، میدان نبرد است. امام صادق (ع) فرمود:

لَا يُعْرِفُ الشُّجَاعُ إِلَّا عِنْدَ الْحَرْبِ.<sup>۲</sup>

شجاع جز در میدان جنگ شناخته نمی‌شود.

## ۷. خاستگاه شجاعت

بی‌شک شجاعت از شریف‌ترین ملکات نفسانی است. آنان که از قوت قلب و عزت نفس برخوردارند، در صحنه‌های نبرد چون کوهی استوارند و تزلزلی در آنها پدید نمی‌آید. تهدید و رعد و برق دشمن ذره‌ای از استواری آنان نمی‌کاهد. امام علی (ع) این صفت خود را چنین بیان می‌کند:

اگر همه عالم شمشیر کشند و پشت به پشت یکدیگر دهند و به من یورش آورند، در حال من سر مویی تفاوت نمی‌کند.<sup>۳</sup>

امام صادق (ع) می‌فرماید:

جُبِلَتِ الشُّجَاعَةُ عَلَى ثَلَاثَةِ طَبَائِعٍ: ... وَالْأَنْفَةِ مِنَ الدَّلِّ.<sup>۴</sup>

شجاعت بر سه خصلت سرشته شده است که [عزت نفس و] ننگ داشتن از دلت یکی از آنهاست.

۱. نهج البلاغه، حکمت ۳۲۵، ص ۱۲۴۳.

۲. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۲۲۹.

۳. معراج السعادة، احمد نراقی، ص ۱۶۱.

۴. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۲۳۶.

عباس بن علی (ع)، در روز عاشورا و در موقعیت حسّاسی که دست راستش قطع شده بود، با کمال شجاعت، به نبرد خود ادامه می داد و شمشیر زنان و رجزگویان به پیش می تاخت و گاهی با صدای رسا رجزی می خواند که حکایت از هدف عالی، همّت بلند و عزت نفس وی داشت:

به خدا سوگند، گرچه شما دست راستم را قطع کردید، ولی همچنان از دین و پیشوای صادقم و از نوّه پیامبر پاک و امین حمایت خواهم کرد.<sup>۱</sup>

## ۸. نشانه های شجاعت

گرچه مظهر بارز شجاعت جنگ و پیکار می باشد؛ یعنی هنگام نبرد است که شهامت و شجاعت افراد بیشتر روشن می شود، ولی نشانه هایی دارد که در خارج از میدان نبرد نیز می توان به وسیله آنها شجاعت افراد را به دست آورد از جمله:

**الف. صبر و استقامت:** بردباری و مقاومت در برابر مشکلات جسمی، روانی، اجتماعی، مالی و دیگر پیامدهای جنگ، از نشانه های شجاعت به شمار می رود؛ چنان که حضرت علی (ع) می فرماید:

... وَالصَّبْرُ شِجَاعَةٌ.<sup>۲</sup>

... و صبر نوعی شجاعت است.

این صبر و استقامت بود که پایه اصلی حیات و گسترش اسلام گردید و در سایه آن بود که کفر و شرک از میان رفت. و گرنه امروز از هجرت، بدر، حُنین، احزاب و به تبع آنها از اسلام، اثری باقی نمانده بود. همانها بودند که شجاعت نظامی خود را نیز همانند شجاعت فرهنگی و اقتصادی خود در سلسله جنگهای زمان پیامبر (ص) و پس از وی نشان دادند.

**ب. شدّت و قاطعیّت:** شدّت عمل و قاطعیّت، در کنار شجاعت و مردانگی امکان پذیر است. همان طور که شتابزدگی و برخورد انفعالی با دشمن، نشانه ضعف روحی و نداشتن شجاعت است. در حکومت امیر مؤمنان، علی (ع)، خوارج پس از جنگ صفّین، دست به عصیان و نافرمانی زدند و در برابر امام موضع گرفتند. چون خوارج افرادی ظاهرالصلاح، مقدّس نما و اهل عبادت بودند، کسی جز امام جرئت مقابله با آنها را نداشت، تا چه رسد به جنگ. حضرت خود در این باره می فرماید:

۲. نهج البلاغه، حکمت ۳، ص ۱۰۸۹.

۱. همان، ج ۴۵، ص ۴۰.

... فَأَنَا فَقَاتُ عَيْنَ الْفِتْنَةِ وَلَمْ يَكُنْ لِيَجْتَرِيَ عَلَيْهَا أَحَدٌ غَيْرِي بَعْدَ أَنْ مَاجَ عَنْهُمْ وَأَشْتَدَّ  
كَلْبُهُا...<sup>۱</sup>

چشم این فتنه [خوارج] را من درآوردم و جز من کسی جرئت چنین کاری را نداشت؛ چرا  
که موج تاریکی آن اوج گرفته و هاری آن شدت یافته بود.

## ۹. تشجیع و تهییج

گاهی ممکن است نیروهای رزمنده به عللی دچار ترس و تردید شوند، در انجام مأموریتها و  
وظایف جنگی، سستی ورزند، در ادامه جنگ متزلزل شده یا از شجاعت و پایداریشان کاسته  
شود. در چنین موقعیتی فرماندهان به مقتضای سیاست دفاعی، باید با اصول صحیح روند حرکت  
دفاعی را تغییر دهند و نیروها را برای تهاجم و دفاع، تحریک و تشجیع کنند. در این مورد، تبیین  
اهداف مکتبی برای نیروها، و برشمردن پیامدهای شکست و پیروزی آنها، از مؤثرترین و  
آسانترین شیوه‌هاست. این روش، خود به دو صورت زیر انجام می‌گیرد:

- الف. توجیه علنی رزمندگان: همان شیوه‌ای که عبدالله بن رواحه در جنگ «موته» به کار گرفت.
- ب. توجیه سری: گاهی تشجیع و تشویق نظامیان، از راه تماس خصوصی با افراد خاصی انجام  
می‌گیرد؛ همان شیوه‌ای که عمار یاسر در جنگ صفین، به کار گرفت.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۹۲، ص ۲۷۳.

## درس هشتم نظم و تلاش

### ۱. معنای لغوی و اصطلاحی نظم

نظم در لغت به معنای رشته مروارید، آراستن، چیزی را به چیزی پیوستن، بر پا داشتن و ترتیب دادن کار آمده است.<sup>۱</sup> انضباط نیز به معنای نظم و انتظام، ترتیب و درستی، عدم هرج و مرج، سامان پذیری و آراستگی است.<sup>۲</sup> و در اصطلاح نظامی به معنی «پیروی کامل از دستورهای نظامی».<sup>۳</sup> گفتنی است که هر کاری نظم خاصی را می طلبد و هر فرد و گروهی برنامه ای مخصوص به خود دارد که ممکن است به کار گروه دیگر نیاید؛ چنان که حضرت امیر (ع) وظیفه رهبر را نصیحت مردم و پرداخت حقوق و تعلیم و تربیت می داند و وظیفه مردم را وفاداری به رهبری، خیرخواهی، پذیرفتن دعوت و اطاعت از دستورات او برمی شمرد.<sup>۴</sup>

### ۲. اهمیت نظم در زندگی فردی و اجتماعی

جهان مادی، جهانی مرتب و منظم است و هیچ موجودی بیهوده و عبث آفریده نشده است و انسان نیز مانند میلیون ها پدیده دیگر، منظم آفریده شده و طبیعی است که باید از نظم و تربیت خاصی در زندگی خویش تبعیت کند.

به گفته روان شناسان، نظم و ترتیب جزء نیازهای اساسی روانی محسوب می گردد و رنگ خاصی به زندگی می دهد؛ به گونه ای که افراد میل دارند زندگی فردی و اجتماعی خود را تحت نظم و قاعده مشخصی در آورند.<sup>۵</sup>

۱. منتهی الارب.

۲. لغتنامه دهخدا.

۳. فرهنگ معین.

۴. ر. ک. نهج البلاغه، خطبه ۳۴.

۵. مقدمه روان شناسی، شریعتمداری، ص ۱۴۹.

نگاهی گذرا به عناوین فراوان کتابهای قانون و مقررات و بودجه‌های هنگفتی که صرف قانون‌گذاری و تنظیم آنها می‌شود و نیز اهمیتی که تمام ملل جهان برای قانون قائلند، ضرورت نظم فردی و اجتماعی را در زندگی بشر روشن می‌کند. تجربه نشان داده است که فرد یا اجتماعی که برنامه‌ریزی دقیق و حساب‌شده‌ای داشته باشد، از زندگی بهتر و پیشرفت روز افزونتری برخوردار خواهد بود. به همین ترتیب افراد بی‌نظم و جوامع بدون برنامه، همواره در رسیدن به اهداف خود نا کام مانده و از مقصد خود دور هستند. اسلام نیز به عنوان دینی جامع و جهانی، تأکید فراوانی بر برنامه‌ریزی در زندگی فردی و اجتماعی پیروان خود دارد و از آنها می‌خواهد که در کوچکترین حرکت فردی تا بزرگترین تصمیم اجتماعی، طبق قانون و به‌طور منظم عمل کنند و از خودسری و بی‌برنامگی به‌طور جدی پرهیز نمایند. در این راستا تمام احکام و مقررات، واجبات، مستحبات، محرمات و مکروهات همه و همه، یک برنامه دقیق و منظم برای یک مسلمان است که از اول تا آخر زندگی او را تحت یک نظم خاصی درمی‌آورد. نمی‌توان روی کاری از کارهای انسان یا دقایقی از عمر آدمی انگشت گذاشت که در اسلام برای آن برنامه‌ای تنظیم نشده باشد.

### ۳. ضرورت نظم در نیروهای نظامی

از واژه «نظامی» برمی‌آید که نظم و انضباط از شرایط حیاتی و اساسی نیروهای مسلح است. اگر نیروی مسلح بدون نظم و ترتیب باشد، در واقع ماهیت خویش را از دست داده و دیگر نمی‌تواند تأمین‌کننده نظم و امنیت داخلی و خارجی کشور به حساب آید. بنابراین، مهم‌ترین رکن نیروهای مسلح، یعنی نظم و انضباط باید به گونه‌ای دقیق و مداوم بر همه رسته‌ها و رده‌ها حاکم و جاری باشد.

به سه نمونه از نظم و ترتیب نیروهای صدر اسلام توجه کنید:

الف. «روز حرکت سپاه اسلام فرا رسید. پیامبر اسلام (ص) در آن روز از سپاه خویش در لشکرگاه مدینه سان دید. منظره باشکوه رژه گروهی با ایمان که سختی مرگ در راه هدف را بر سایه‌نشینی و استراحت طلبی ترجیح داده و با سرهای پر شور به استقبال مرگ می‌رفتند، بسیار جالب بود و در روان تماشاگران اثرات خوبی می‌گذاشت.»<sup>۱</sup>

۱. فروغ ابدیت، ج ۲، ص ۷۷۷.

ب. «پیش از درگیری در نبردگاه احد، رسول خدا(ص) شخصاً مشغول منظم کردن صفهای رزمندگان اسلام شد.»<sup>۱</sup>

ج. «در جنگ احد پیامبر(ص) به تیراندازان چنین سفارش کرد: شما مواظب پشت سر ما باشید، چه می ترسم که از پشت سر حمله کنند. بنابراین، شما در جای خود استوار بمانید و تکان نخورید، اگر دیدید که ما آنها را شکست دادیم و حتی وارد لشکرگاه آنها شدیم، باز هم از جای خود حرکت نکنید.»<sup>۲</sup>

#### ۴. نظم در جنگ

حضرت رسول(ص) و ائمه معصوم(ع) اصل نظم و انضباط را در جنگ به طور دقیق مراعات می کردند و اجازه نمی دادند که بی نظمی بر نیروهایشان حاکم شود. چنین نمونه هایی در تاریخ امامان معصوم(ع) فراوان است که به پاره ای از آنها اشاره می شود:

«به کار بردن روش تنظیم صفوف در میدان بدر، که اسلوبی کاملاً تازه بود، عامل مهمی از عوامل پیروزی رهبر بزرگ اسلام بر مشرکین بود.»<sup>۳</sup> حضرت علی(ع) در نبرد صفین به نیروهای خود چنین سفارش کرد:

فَسُوُّوا صُفُوفَكُمْ كَالْبُتَيْنِ الْمَرْصُوعِ وَقَدِّمُوا الدَّارِعَ وَآخِرُوا الْخَاسِرَ.<sup>۴</sup>

صفهایتان را چون دیوار سربی منظم کنید. زره پوشها را جلو و سپرداران را پشت سر آنها قرار دهید.

امام حسین(ع) نیز در صحنه کربلا، سپاه ۷۲ نفری خود را با نظم و آرایش خاصی وارد کارزار کرد و به طور دقیق و منظم تاکتیک های نظامی و اصول جنگی را اجرا نمود.<sup>۵</sup>

#### ۵. فرماندهی در جنگ

حضور فرمانده در صحنه جنگ، امری ضروری و بدیهی است عامل نظم در نیروهای نظامی، فرمانده است که همانند مغز، در بدن انسان، بر نیروهای تحت امر حکومت کرده، قوام و دوام آنها را تضمین می کند.

۱. المغازی، مترجم، ص ۱۶۱۰.

۲. المغازی، مترجم، ص ۱۶۳۰.

۳. پیامبر و آیین نبرد، مصطفی طلاس، ترجمه مرزناک، ص ۲۸۳.

۴. وقعه صفین، نصر بن مزاحم المنقری، ص ۲۳۵. ۵. الارشاد، شیخ مفید، ص ۲۳۳.

پیامبر اسلام (ص) اهمیت فراوانی به فرماندهی می داد به طوری که لشکرش را لحظه ای بدون فرمانده نمی گذاشت. حتی گاه اتفاق می افتاد که برای فرمانده لشکر، دو جانشین تعیین می کرد تا هنگام پیشامد برای فرمانده، آنها بی درنگ جای او را پر کنند. از جمله در جنگ موته پس از آنکه زید بن حارثه را به فرماندهی سپاه سه هزار نفری تعیین کرد، فرمود: اگر به زید گزند رسید، جعفر بن ابی طالب فرمانده شود و اگر برای جعفر نیز اتفاقی افتاد، عبدالله بن رواحه فرمانده لشکر باشد. برحسب اتفاق، زید و جعفر یکی پس از دیگری به شهادت رسیدند و پس از آنها عبدالله بن رواحه نیز شربت شهادت نوشید. پس از آنها رزمندگان، خود یک نفر را به فرماندهی انتخاب کردند.<sup>۱</sup>

### ۶. رعایت سلسله مراتب در قوای مسلح

از لوازم نظم، رعایت سلسله مراتب است؛ یعنی هر نیروی نظامی مطیع مقام بالاتر از خود باشد. امام خمینی (ره) در مورد ضرورت رعایت سلسله مراتب می فرماید:

باید سلسله مراتبی باشد تا کار روی نظم باشد و این سلسله مراتب و اطاعت باید روی ضوابط اسلامی باشد.<sup>۲</sup>

و باز می فرماید:

من از درجه داران و افسران و سربازان ارتش تقاضا دارم که نظام و سلسله مراتب را حفظ بکنند. اگر سلسله مراتب حفظ نشود، ارتش روبه ضعف می رود و اگر خدای نکرده ارتش ما رو به ضعف برود، کشور ضعیف خواهد شد.<sup>۳</sup>

اهمیت رعایت این اصل در قوای مسلح قابل انکار نیست، به دلیل اینکه دفاع از یک مملکت و جنگ با دشمنان آن سرزمین وظیفه هر نیروی نظامی است و اگر هر کسی بخواهد خودسرانه دست به هر اقدامی بزند، جز هرج و مرج و شکست نتیجه دیگری به دنبال نخواهد داشت.

حضرت امام (ره) در موقعیتهای مناسب، نیروهای مسلح را به اهمیت در نظم و ترتیب سفارش می کرد. ایشان فرمود:

گر چه کشور ایران بالا و پایین ندارد و آن دوله ها و سلطنه ها رفته اند و ما خودمان هستیم، لکن باید نظم و نظام باشد. شما باید برای خدا مراتب و سلسله مراتب را حفظ کنید و اگر بنا

۱. سیره ابن هشام، ج ۴، ص ۱۵.

۲. در جستجوی راه از کلام امام، ج ۱۸، ص ۱۱۲.

۳. همان، ص ۱۱۰.



باشد هر کس خودش رأی بدهد و علی حده عمل کند، آن وقت است که معنویات و موفقیت‌های عادی هم از بین می‌رود و شمامی‌دانید با آنکه پیغمبر اکرم (ص) در مسجد می‌نشست و کسی اگر وارد می‌شد نمی‌دانست که کدام یک از آنها پیغمبر است، با این حال همه مأمور اطاعت از او بودند؛ همه با هم برادر هستیم، لکن اگر نظام نباشد برادری هم به هم می‌خورد؛ مثلاً اگر در جنگ بنا باشد از فرماندهی اطاعت نشود، مسلماً شکست خواهیم خورد.<sup>۱</sup>

**اطاعت از مافوق:** حضرت امام (ره) اطاعت از فرماندهی را واجب شرعی، و نافرمانی و تخلف از آن را حرام می‌شمرد. ایشان در دیدار با دانشجویان دانشکده افسری فرمود:

ارتش اگر نظم نداشته باشد، ارتش نیست... اطاعت از یک فرماندهی که فرمانده اسلام است، واجب است. به حسب حکم اسلام، تخلف حرام است... همه قوای انتظامیه نظم را در باطن خودشان حفظ کنند تا یک ارتش صحیح باشد... یک سپاه پاسداران صحیح باشد.<sup>۲</sup>

## ۷. پیامدهای شوم تمرد و بی‌نظمی

بی‌نظمی و تمرد از سلسله مراتب، پیامدهای زیانبار و ناهنجاری دارد. موارد زیر از جمله آن پیامدهای مهلک به‌شمار می‌رود:

**الف. تزلزل تشکیلات نظامی:** چنان‌که امیر مؤمنان (ع) فرمود:

أَفَّةُ الْجُنْدِ مُخَالَفَةُ الْقَادَةِ.<sup>۳</sup>

امام خمینی (ره) در دیدار با فرماندهی کل سپاه به این موضوع تصریح کرده می‌فرماید:

«از مهمات این است که نظم در کار باشد؛ یعنی اگر چنانچه نظام نباشد در کار، و امور تحت یک نظامی انجام نگیرد، این تزلزل ایجاد می‌کند. اگر فرض کنید که سپاه پاسداران اطاعت نکند از رئیسشان، همه اینها اطاعت نکنند از آن فرماندهی کل... و خودشان بخواهند هر کدام یک راهی بروند، این اسباب این می‌شود که یک قوای مسلح متزلزل بشوند و با تزلزل قوای مسلح، مملکت متزلزل است.»<sup>۴</sup>

**ب. شکست:** از علل اساسی شکست در «احد»، «حکمیّت صقین» و «صلح با معاویه»، بی‌نظمی و تمرد نیروهای مسلمان بود؛ امیر مؤمنان (ع) از پدیده تمرد و عصیانگری نیروهای تحت امر خویش به تلخی یاد کرده می‌فرماید:

۱. صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۴۰.

۲. همان، ج ۱۲، ص ۱۶۱.

۳. شرح غررالحکم، آمدی، ج ۳، ص ۱۰۳.

۴. در جستجوی راه از کلام امام، ج ۱۸، ص ۱۱۲.

فَاتْلُكُمْ اللَّهُ لَقَدْ مَلَأْتُمْ قُلُوبِي قَيْحًا وَ شَحَنْتُ صَدْرِي غَيْظًا وَ جَرَعْتُ مُوْنِي نُعَبَ التَّهَامِ أَنْفَاسًا وَ أَقْسَدْتُ عَلَى رَأْيِي بِالْعِصْيَانِ وَالْخِذْلَانِ...<sup>۱</sup>

خدا شما را بکشد که دلم را سخت چرکین کردید و سینه‌ام را از خشم آکندید و همواره با هر نفسی اندوهم خوراندید و با نافرمانی و تمرد، رأی و تدبیرم را تباه ساختید.

دربارهٔ تمرد و نافرمانی نیروها و فرماندهان سپاه امام حسن مجتبی (ع) نیز نوشته‌اند: «این حرکت دشمنی بار (تمرد و فرار برخی از فرماندهان) فضای مساعدی برای پدید آمدن روح تمرد و نافرمانی ایجاد کرد، به طوری که اثر آن بر گروه‌های دیگری از سپاه نیز سرایت کرد و جمعی از آنان به فکر فرار افتادند... معاویه چندان که می‌توانست، در برانگیختن و سپس پختن و آنگاه توسعه دادن این روح تمرد و نافرمانی فعالیت می‌کرد... تا عاقبت توانست غرور و مناعت آنان را با مطامع مادی بشکند...»<sup>۲</sup>

ج. پیروزی دشمن: پیروزی و غلبهٔ دشمن که امری منحوس و نامبارک است، به طور طبیعی پس از پیامد دوم (هزیمت سپاه) به وقوع می‌پیوندد و عواقب شوم چنین ننگی علاوه بر متمرّدان و بی‌نظمان متوجه کل نیروهای نظامی مسلمان خواهد شد. حضرت امیر (ع) به این حقیقت تصریح کرده می‌فرماید:

مَنْ خَذَلَ جُنْدَهُ نَصَرَ أَعْدَاءَهُ.<sup>۳</sup>

آن که سپاه خویش را وانهد، دشمنانش را یاری داده است.

از این رو بنیانگذار جمهوری اسلامی هشیارانه می‌فرماید:

«خارجی‌ها می‌خواهند که ما این طور باشیم که هیچ نظمی نداشته باشیم؛ و مثل [اهل] جنگل باهم رفتار بکنیم، تا اینکه بهانه به دست بیاورند که اینها احتیاج دارند که اینجا قیّم برایشان معین کنند»<sup>۴</sup>

## ۸. تلاش و فعالیت

جهان آفرینش، پیاپی در حال تغییر و تحول و حرکت است. مسألهٔ حرکتِ اتم‌ها حرف روز است و حرکت کهکشانها از روزگاران کهن، مورد بحث محافل علمی بوده است. از این رهگذر، انسان

۱. نهج البلاغه، خطبهٔ ۲۷، ص ۹۶.

۲. صلح امام حسن، ترجمهٔ حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ص ۱۹۶-۱۹۷.

۳. شرح غررالحکم، ج ۵، ص ۲۷۴. ۴. صحیفهٔ نور، ج ۱۲، ص ۲۶۲.

نیز - به عنوان پدیده‌ای از جهان هستی و مهره‌ای در دستگاه عظیم آفرینش - باید مدام در حال تلاش و کوشش در مسیر تکامل خویش باشد و از غفلت، کسالت و تنبلی به شدت پرهیز نماید؛ و بهترین تلاشها، انجام اوامر الهی و فرمانبری از آن ذات بی‌همتاست.

## ۹. تلاش و کوشش، یک اصل اسلامی

اهمیت تلاش و تحرّک به اندازه‌ای است که خدای متعال، آن را به عنوان یک اصل اسلامی در دستور کار پیامبر (ص) قرار داده و افراد بشر را بدان سفارش فرموده و حتی یک سوره قرآن مجید را به آن اختصاص داده است.

خداوند در سوره «شرح» پس از آنکه به طور تلویحی اعلام می‌کند که پیامبرش را در راه «رسالت» یاری کرده و او بار سنگین «ابلاغ اسلام» را به منزل رسانده است. تصریح می‌کند که همراه هر «سختی»، «آسانی» ای هست. آنگاه با صراحت چنین می‌فرماید:

فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَب.<sup>۱</sup>

چون از کار فارغ شدی، به عبادت کوش و به پروردگارت مشتاق شو.

مفسران در تفسیر این آیه، مصداقهای گوناگونی را برای آن بیان کرده‌اند؛<sup>۲</sup> وجه مشترک همه آنها این است که هرگاه از کار اولی فارغ شدی به دومی بپرداز و به همین ترتیب وظایف را به نحو احسن انجام بده.

علاوه بر طرح اصل «فعّالیت» از سوی قرآن مجید، روایات اسلامی نیز در مدح و ستایش «سعی و کوشش» و نکوهش «کسالت و تنبلی» داد سخن داده‌اند؛ برای تبرّک، به یک سخن از امیر مؤمنان (ع) بسنده می‌کنیم. آن حضرت طی نامه‌ای به عثمان بن حنیف - استاندار بصره - اوصاف خویش را بازگو می‌کند و از کم‌خرجی، کم‌خوری و پرکاری خود سخن به میان می‌آورد و تأکید می‌کند که شیعه باید در حد توان بدو اقتدا کند، در قسمتی از آن می‌فرماید:

... أَلَا وَ إِنَّكُمْ لَا تَقْدِرُونَ عَلَىٰ ذَٰلِكَ وَلَٰكِن أَعْيُنُونِي بِوَرَعٍ وَاجْتِهَادٍ وَ عَقَّةٍ وَ سَدَادٍ...<sup>۳</sup>

شما نمی‌توانید مانند من باشید ولی با ورع، جدّ و جهد، پاکدامنی و درستکاری مرا یاری کنید.

۲. ر. ک: المیزان، ج ۲۰، ص ۳۱۷.

۱. شرح (۹۴)، آیات ۷-۸.

۳. نهج البلاغه، نامه ۴۵، ص ۹۶۶.

## ۱۰. پیامدهای کسالت

بدون تردید، انسان تنبل و کسل، علاوه بر محرومیت از منافع سرشار تلاش و کوشش، به زیانهای جبرانناپذیر کسالت نیز گرفتار می شود که برخی از آنها را از زبان روایات بازگو می کنیم:

خسارت دنیا و آخرت: امام باقر (ع) می فرماید:

اَلْكَسَلُ يَضُرُّ بِالْدِّينِ وَالْدُّنْيَا.<sup>۱</sup>

کسالت به دین و دنیا زیان می رساند.

تنگدستی: امام علی (ع) می فرماید:

... اِزْدَوَجَ الْكَسَلُ وَالْعَجْزُ فَتَنَجَ مِنْهُمَا الْفَقْرُ.<sup>۲</sup>

کسالت و ناتوانی با هم جفت شدند و بینوایی از آنها پدید آمد.

آفت موفقیت: امام علی (ع) می فرماید:

آفَةُ النُّجْحِ الْكَسَلُ.<sup>۳</sup>

تنبلی، آفت موفقیت است.

دشمنی اهل بیت (ع): امام باقر (ع) فرمود:

إِنِّي لَأُبْغِضُ الرَّجُلَ (لِلرَّجُلِ) يَكُونُ كَسَلَانًا عَنْ أَمْرِ دُنْيَاهُ وَ مَنْ كَسِلَ عَنْ أَمْرِ دُنْيَاهُ فَهُوَ عَنْ أَمْرِ آخِرَتِهِ أَكْسَلُ.<sup>۴</sup>

من مردی را که در کار دنیای خویش تنبل باشد، دشمن دارم. کسی که در کارهای دنیوی کاهل باشد، در کارهای آخرت تنبل تر خواهد بود.

دشمن عمل: امام صادق (ع) می فرماید:

عَدُوُّ الْعَمَلِ الْكَسَلُ.<sup>۵</sup>

کسالت، دشمن فعالیت است.

کلید همه بدیها: امام باقر (ع) می فرماید:

إِيَّاكَ وَالْكَسَلَ وَالضَّجَرَ فَإِنَّهُمَا مِفْتَاحُ كُلِّ شَرٍّ ...<sup>۶</sup>

از تنبلی و بی حالی (دلتنگی) بپرهیز که این دو کلید هر بدی اند.

۱. بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۸۰.

۲. همان، ص ۵۹.

۳. همان، ص ۲۶.

۴. فروع کافی، ج ۵، ص ۸۵.

۵. فروع کافی، ج ۵، ص ۸۵.

۶. بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۷۵.

## ۱۱. جلوه‌های تلاش در نیروهای مسلح

با توجه به آنچه گذشت، دریافتیم که هر انسانی - به‌ویژه مؤمن پاسدار انقلاب - باید از سستی و بی‌حالی پرهیزد و تمام وقت خود را با تلاش و جدّیت کامل پر نماید. عیان بودن این مطلب در زمان جنگ، نیازی به بیان ندارد. در اینجا تنها به برخی از فعالیت‌های نیروهای مسلح در زمان صلح اشاره می‌کنیم:

### الف. درون سازمانی

۱. حفظ آمادگی رزمی.

۲. تربیت بدنی.

۳. دستیابی به تکنولوژی پیشرفته و جدید

۴. ابتکار و نوآوری.

### ب. برون سازمانی

آنچه در بخش پیش بیان شد، تلاش و کوششی است که در درون تشکیلات نظامی انجام می‌گیرد. علاوه بر آن، پرسنل نظامی می‌توانند در بیرون از سازمان نظامی، نیز به‌طور گروهی یا فردی منشأ اثر باشند؛ از جمله:

۱. شرکت در بهینه‌سازی کشور

۲. فعالیت‌های فوق‌برنامه: منظور از این بخش، تلاش و مشارکت افراد در بهبود زندگی شخصی، فعالیت‌های گروهی و محلی در جنبه‌های فرهنگی، اقتصادی، کمک به افراد ضعیف و... می‌باشد.

درس نهم

## صبر و ثبات و حفظ اسرار نظامی

### ۱. تعریف صبر

«صبر» در فارسی، مرادف شکیبایی، خویشتنداری و بردباری است.<sup>۱</sup> راغب اصفهانی آن را چنین شرح کرده است: «صبر، واداشتن نفس است به آنچه که مقتضای دین و خرد است و نگهداری آن است از آنچه که شرع و عقل آن را نمی‌پسندد.»<sup>۲</sup> و در یک جمله، صبر عبارت است از پایداری، بردباری و استقامت در برابر مشکلات.

علی (ع) در اهمیت صبر می‌فرماید:

الصَّبْرُ مِنَ الْإِيمَانِ كَالرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ...<sup>۳</sup>

صبر برای ایمان، چون سر برای پیکر است.

همان‌گونه که پیکر بی سر، زندگی را ناگزیر بدروود می‌گوید، ایمان بی صبر هم نمی‌تواند به حیات خویش ادامه دهد.

باز آن حضرت در سخن حکیمانه دیگری، صبر را به اندازه یک لشکر، برای مؤمن سودمند دانسته می‌فرماید:

الصَّبْرُ خَيْرٌ جُودِ الْمُؤْمِنِ.<sup>۴</sup>

صبر پرسودترین لشکر مؤمن است.

### ۲. یقین، ریشه استقامت

یقین به خدا، دین و نویدهای او، تکیه گاه استواری برای صبر است. کسی که به خدا و رستاخیز

۱. فرهنگ معین.

۲. مفردات، واژه صبر.

۳. بحارالانوار، ج ۶۷ ص ۲۳۲.

۴. شرح غررالحکم، ج ۱، ص ۳۲۸.

ایمان دارد و وعده‌های او را تخلف ناپذیر می‌داند و باور دارد که فرجام آفرینش از آن متقیان است، در برابر ناملایمات، شکیبایی می‌ورزد و از میدان به در نمی‌رود. امام صابران، علی (ع) می‌فرماید:

أَصْلُ الصَّابِرِ حُسْنُ الْيَقِينِ بِاللَّهِ.<sup>۱</sup>

ریشه صبر، یقین زیبا به خداست.

هر کس بر مرکب راهوار صبر نشیند، هرگز به زمین اصابت نخواهد کرد و در نهایت شاهد پیروزی را نصیب و بهره خود خواهد نمود. چنانکه علی (ع) فرمود:

مَرَارَةُ الصَّابِرِ تُذْهِبُهَا حَلَاوَةُ الظَّفَرِ.<sup>۲</sup>

شیرینی پیروزی، تلخی شکیبایی را می‌زداید.

### ۳. آثار صبر

صبر، این صفت زیبای اخلاقی، همان‌گونه که اهمیت و ارزش والایی دارد، دارای آثار گرانبهایی نیز می‌باشد که به بخشی از آنها اشاره می‌کنیم:

#### الف. امدادهای غیبی

خداوند در قرآن می‌فرماید:

بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَ يَأْتُوكُمْ مِنْ فُورِهِمْ هَذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ. (آل عمران: ۱۲۵)

آری اگر شکیبا باشید و تقوا پیشه کنید، آنان (دشمنان) اگر چه با خشم و غضب به جانب شما روی آورند، پروردگارتان شما را با پنج هزار فرشته نشاندار یاری خواهد کرد.

همه‌ما، بارها امدادهای غیبی جبهه‌های جنگ را شنیده یا دیده‌ایم که چگونه رزمندگان اسلام علی‌رغم امکانات کم و محاصره اقتصادی و نظامی، به پیروزیهای مهمی دست یافته‌اند، چنان‌که امام خمینی (ره) در این باره فرمود:

جنود غیبیه همان‌طور که در صدر اسلام پشتیبان لشکر اسلام بود و آن لشکر کوچک اسلام بر لشکر روم، با آن بساط و لشکر ایران آن وقت با آن بساط غلبه کرد، به واسطه آن تأییدات غیبی و ملائکه الهی بود. شما امروز همان وضعیت را دارید....

ما از خدا می‌خواهیم که با آن جنود غیبیه که دارد و با آن ملائکه‌الله که هست به ما کمک بفرماید و می‌فرماید. لکن شرط این است [که] ما به عهد خود باقی باشیم، عهده‌ای که با اسلام داریم، حفظ اسلام، حفظ کشور اسلامی، حفظ نوامیس اسلامی.<sup>۱</sup>

#### ب. امنیت زندگی

دیگر از آثار صبر این است که همچون دژی محکم، انسان را از سویی در برابر حوادث و مشکلات روزگار محافظت می‌نماید و از سوی دیگر او را در برابر زیانهای مادی و معنوی نگهداری می‌کند. چنانکه علی (ع) می‌فرماید:

عَلَيْكَ بِالصَّبْرِ فَإِنَّهُ حِصْنٌ حَصِينٌ.<sup>۲</sup>

بر تو باد به صبر که آن قلعه محکمی است.

#### ج. رحمت و هدایت الهی

انسانهای صبور و مقاوم، همواره مشمول عنایت و رحمت حضرت حق بوده از فیض هدایت باری تعالی برخوردار می‌شوند. قرآن مجید ضمن اعلام اینکه خداوند مؤمنان را با کاستی‌ها و بلاهای می‌آزماید، آنان را این چنین نوید می‌دهد:

أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ. (بقره: ۱۵۷)

صلوات و رحمت پروردگارشان بر آنان [صابران] باد که هدایت یافتگان اند.

#### د. پیروزی حتمی

دیگر از مهم‌ترین عوامل پیروزی در هر کاری، شکیبایی و استقامت است. امام علی (ع) در این باره چنین می‌فرماید:

لَا يَغْدُمُ الصَّبْرُ الظَّفَرَ وَ إِنِ طَالَ بِهِ الزَّمَانُ.<sup>۳</sup>

صبور پیروزی را از دست نخواهد داد، گرچه زمانش به درازا کشد.

ناگفته نماند که چنین خاصیتی در میدانهای رزم، نمود بیشتری دارد تا جایی که خداوند نوید می‌دهد که رزمندگان صابر گرچه اندک باشند، بر دشمنان فراوانشان پیروز خواهند شد:

كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ. (بقره: ۲۴۹)

چه بسیار شده که به یاری خدا، گروهی اندک بر سپاهی بسیار غالب آمده و خدا با صابران است.

۱. صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۲۴۲.

۲. شرح غررالحکم، ج ۴، ص ۲۹۵.

۳. بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۹۵.



رمز موفقیت و پیروزی پیامبر اکرم (ص) در پیشبرد اهداف عالی اسلام، صبر و استقامت آن بزرگوار بوده است. اگر ایشان استقامت نمی‌کرد، امروز حدود یک میلیارد پیرو نداشت. همین‌طور اگر استقامت رزمندگان اسلام در برابر دشمنان و استکبار جهانی نبود، هرگز، نمی‌توانستیم اکنون با اقتدار و عظمت روی پای خود بایستیم.

#### ۴. ضرورت صبر برای نیروهای نظامی

صبر و ثبات از ویژگی‌های ضروری یک نیروی نظامی است، چراکه مسئولیت حفاظت در برابر انواع تهدیدهای خارجی به عهده آنها می‌باشد، و بدیهی است که دفاع بدون صبر و استقامت میسر و امکان پذیر نیست. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:

إِنَّ النَّصْرَ مَعَ الصَّبْرِ.<sup>۱</sup>

همانا پیروزی با صبر، (همراه) است.

رهبر کریم انقلاب حضرت امام خمینی (ره) می‌فرماید:

«اگر بند بند استخوانهایمان را جدا سازند، اگر سرمان را بالای دار برند، اگر زنده زنده در شعله‌های آتشیان بسوزانند، اگر زن و فرزندانمان را در جلو دیدگانمان به اسارت و غارت برند، هرگز امان‌نامه کفر و شرک را امضا نمی‌کنیم»<sup>۲</sup>

از آنچه گفته شد ضرورت وجود صبر و استقامت معلوم و مشخص می‌شود؛ چراکه این پدیده عاملی اساسی در غلبه بر دشمن کفر به شمار می‌آید.

#### ۵. حفظ اسرار نظامی

«سر» یا «راز» چیزی است که باید پنهان داشت یا به اشخاص مخصوص گفت.<sup>۳</sup> هر فرد، خانواده، تشکیلات و جامعه‌ای کم و بیش دارای اسرار و اطلاعاتی است که باید از دیگران محفوظ بماند؛ چراکه بر ملا کردن آن برای دیگران، چه بسا سبب لطمه خوردن یا نابودی صاحب راز گردد. رازها نسبت به افراد، تشکیلات، جامعه‌ها، زمانها و مکانهای مختلف، گوناگون و حتی اهمیت آن نیز متفاوت است. گاه مطلبی برای مجموعه‌ای راز محسوب می‌شود؛ ولی همین نوع

۲. همان، ص ۲۷.

۱. بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۸۸.

۳. فرهنگ نظام، واژه راز.

آگاهی برای مجموعه دیگر نه تنها مخفی کردنش سودی ندارد، بلکه هویدا کردنش مفیدتر است؛ به طور مثال انتشار عملکرد و تولید یک کارخانه (دادن بیلان کار) شیوه استخدام افراد، برنامه های آینده و... کاری عادی و حتی سودمند است، ولی چنین کاری در یک مجموعه نظامی یا اطلاعاتی نوعی خودکشی و انتحار محسوب می شود.

### ۶. ضرورت راز داری

هر فردی در زندگی فردی و اجتماعی خویش، خواه ناخواه مطلب سری دارد که باید در نگهداری آن کوشا باشد. برخی مربوط به خود و برخی مربوط به خانواده یا جامعه و غیره است که باید هر راز و رمزی در چارچوب مجاز خود حفاظت شود. امروزه وجود وسایل قوی و حساس جاسوسی و ضد اطلاعاتی و کاربرد آن در سرنوشت ملتها، ضرورت رازداری را مسلم ساخته است. گذشته از آنکه این امر، فضیلت اخلاقی به حساب می آید، در موفقیت و کارآیی برنامه زندگی نیز تأثیر به سزایی دارد. امیر مؤمنان (ع) فرمود:

الظُّفَرُ بِالْحَزْمِ وَالْحَزْمُ بِإِجَالَةِ الرَّأْيِ وَالرَّأْيُ بِتَحْصِينِ الْأَسْرَارِ.<sup>۱</sup>

پیروزی بسته به اراده و اراده بسته به کار انداختن اندیشه و اندیشه به نگهداری رازهاست.

در سخنی دیگر موفقیتها را در سایه رازداری دانسته می فرماید:

أَنْجَحَ الْأُمُورَ مَا أَحَاطَ بِهِ الْكَيْفَانُ.<sup>۲</sup>

موفق ترین کارها آن است که پنهان کاری آن را فراگیرد.

برعکس، افشای اسرار سبب عدم موفقیت و حتی باعث فرو افتادن در ورطه سقوط می شود،

چنانکه حضرت صادق (ع) می فرماید:

إِفْشَاءُ السِّرِّ سُقُوطٌ.<sup>۳</sup>

برملاکردن راز، سقوط است.

با توجه به حیاتی بودن مسائل نظامی و فراوانی دشمنان انقلاب اسلامی، ضرورت و اهمیت رازداری برای یک پاسدار مضاعف می شود. عزیزان سپاهی باید متوجه باشند که افشای کوچکترین اطلاعات نظامی، سرنخ بسیار ارزنده ای برای دشمن به حساب می آید که به سبب آن خواهد توانست، خدای ناخواسته ضربه ای کاری به نظام و انقلاب وارد کند.

۱. نهج البلاغه، حکمت ۴۵، ص ۱۱۱۰.

۲. شرح غررالحکم، ج ۲، ص ۴۵۸.

۳. بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۲۲۹.

## ۷. عوامل افشای راز

برای دوری از این خصلت زشت (افشای راز) نخست باید عوامل و انگیزه‌های آن را شناخت. این عوامل عبارتند از:

- پرحرفی؛
- خودنمایی؛
- دوستی و رفاقت؛
- احساسات و عصبانیت؛
- علائم و آمار؛
- وسایل ارتباطی.

## ۸. راههای حفظ اسرار

پس از روشن شدن ضرورت حفاظت اسناد طبقه‌بندی شده نظامی و عوامل افشای راز، راههای رازداری را به‌طور اختصار بیان می‌کنیم:

الف. انتخاب افراد امین: امیر مؤمنان، علی (ع)، که می‌فرماید:

لَا تُودِعَنَّ سِرَّكَ إِلَّا عِنْدَ كُلِّ ثِقَةٍ<sup>۱</sup>

رازت را جز به هر فرد موثقی مسپار.

وَلَا تُودِعَنَّ سِرَّكَ مَنْ لَا أَمَانَةَ لَهُ<sup>۲</sup>

رازت را به کسی که امانتدار نیست، مسپار.

در جریان نهضت مقدس عاشورا، پیک امینی به نام «قیس بن مُسَهَّر صیداوی» با پیامی از حضرت امام حسین (ع) راهی کوفه شد. ولی پیش از رسیدن به کوفه در دست نیروهای دشمن گرفتار شد. قیس که خود را میان اسارت یا شهادت یافت و رساندن پیام امام را غیر ممکن دید، بیش از آنکه پیام آن حضرت به دست مأموران دشمن بیفتد، آن را در دهان گذاشت و بلعید. و بدین وسیله دشمن را از دسترسی به آن نامه ناکام گذاشت.<sup>۳</sup>

ب. توجه دادن به فواید رازداری: امیر مؤمنان (ع) می‌فرماید:

۲. شرح غررالحکم، ج ۶، ص ۲۶۲.

۱. بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۲۹۶.

۳. نفس المهموم، ترجمه شعرانی، ص ۸۸.

جَمَعَ خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فِي كِتْمَانِ السِّرِّ وَ مُصَادَقَةِ الْأَخْيَارِ.<sup>۱</sup>

نیکیهای دنیا و آخرت در پنهان داشتن راز و دوستی نیکان گرد آمده است.

و نیز می فرماید:

سِرُّكَ سُرُورُكَ إِنْ كَتَمْتَهُ، وَإِنْ أَدَعَيْتَهُ كَانَ تُبُورُكَ.<sup>۲</sup>

رازت را اگر پنهان داری شادمانی توست و اگر برملایش سازی [هلاکت و] اندوه توست.

همچنین می فرماید:

مَنْ كَتَمَ سِرَّهُ كَانَتْ الْخَيْرَةُ بِيَدِهِ.<sup>۳</sup>

هر کس رازش را پنهان دارد، خیر و نیکی به دست اوست.

امام کاظم (ع) نیز می فرماید:

إِحْفَظْ لِسَانَكَ تَعَزَّ.<sup>۴</sup>

زبانت را نگهدار تا عزت یابی.

ج. دانستن زیانهای افشای راز: آگاهی از زیانهای «پخش اسرار» نیز مکمل مورد دوم است و

نگاهی، گرچه گذرا به خسارتهای افشای راز، هر انسان عاقلی را از روی آوردن به این عمل باز

می دارد. برخی از آن زیانها بدین قرار است:

\* عدم امنیت: امیر مؤمنان (ع) در این باره می فرماید:

لَا يَسْلُمُ مَنْ أَدَاعَ سِرَّهُ.<sup>۵</sup>

کسی که رازش را فاش سازد، سالم نمی ماند.

و در جایی دیگر می فرماید:

لَا حِرْزَ لِمَنْ لَا يَسْعُ سِرَّهُ صَدْرُهُ.<sup>۶</sup>

کسی که سینه اش گنجایش رازش را نداشته باشد، پناهی ندارد.

\* ذلت و خواری: حضرت امام کاظم (ع) پس از توصیه به رازداری می فرماید:

وَلَا تُمَكِّنِ النَّاسَ مِنْ قِيَادِ رَقَبَتِكَ فَتَذِلَّ.<sup>۷</sup>

زمام گردن (اسرار) خویش را به دست مردم نده که خوار خواهی شد.

۱. بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۷۱.

۲. شرح غررالحکم، ج ۴، ص ۱۴۱.

۳. بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۶۸.

۴. همان، ص ۸۳.

۵. شرح غررالحکم، ج ۶، ص ۳۸۸.

۶. همان، ص ۳۸۶.

۷. بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۸۳.

\* اسارت و بیچارگی: افشا سازی اسناد محرمانه به منزله امضای سند اسارت و بیچارگی ملت به حساب می آید. مولای متقیان، علی (ع)، در این باره می فرماید:

سِرُّكَ أَسِيرُكَ فَإِنْ أَفْشَيْتَهُ صِرْتَ أَسِيرَهُ.<sup>۱</sup>

راز تو اسیر توست، ولی اگر افشایش نمایی، تو اسیر آن می شوی.

\* شرّ و بدی: امیر مؤمنان (ع) بدیها و ناملازمات یک ملت را در فاش ساختن اسرار و دوستی با اشرار خلاصه کرده می فرماید:

جُمِعَ الشَّرُّ فِي الْإِذَاعَةِ وَ مُوَاخَاةِ الْأَشْرَارِ.<sup>۲</sup>

شرّ [دنیا و آخرت] در افشاگری و دوستی با بدان گرد آمده است.

د. ایمان و تقوا: راه چهارم حفظ اسرار، ایمان و تقوای الهی است. انسان مؤمن و باتقوا هرگز به خود اجازه نمی دهد که اسرار مملکت خویش را فاش سازد و به دین و دنیای هموطنان خود آسیب برساند. او به خدایی ایمان دارد که حاضر و ناظر کردار و گفتار بندگان خویش است و به روز جزایی اعتقاد دارد که به کارنامه عمل او رسیدگی شده، مورد بازخواست قرار می گیرد و معتقد به قرآنی است که می فرماید:

مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ. (ق: ۱۸)

هیچ کلامی نمی گوید، مگر آنکه در کنار او مراقبی حاضر است.

۲. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۷۱.

۱. شرح غرالحکم، ج ۴، ص ۱۴۶.

درس دهم

## مواسات و تعاون و همکاری

### ۱. مواسات در لغت و اصطلاح

مواسات در لغت به معنی یاری و غمخواری کردن با کسی در جان و مال، دیگری را در تن و مال چون خود شمردن، معاونت یاران و دوستان و مستحقان در معیشت و تشریک ایشان در قوت و مال و... آمده است.<sup>۱</sup> در اصطلاح نیز مفهوم مواسات بین برادران عبارت است از: یاری کردن یکدیگر با جان و مال و غیر این دو در هر آنچه که نیاز به یاری است.<sup>۲</sup>

### ۲. جایگاه مواسات

افراد بشر تنها وقتی توانسته‌اند در برابر امواج سهمگین حوادث ایستادگی کنند و پیروزمندانه بر مشکلات چیره شوند که به یکدیگر یاری رسانده‌اند.

آیین مقدس اسلام با توجه به این نیاز، برادری را شعار خود قرار داد و پیروانش را به پشتیبانی یکدیگر در تمام فراز و نشیبهای زندگی فراخواند. مواسات به عنوان یک اصل ارزشمند اخلاقی-اجتماعی، جایگاهی بس رفیع و والا در این مکتب الهی پیدا کرد تا آن جاکه رسول مکتبش آن را همردیف عدالت، انصاف و یاد خدا قرار داده خطاب به برترین تربیت یافته‌اش، فرمود:

يَا عَلِيُّ، سَيِّدُ الْأَعْمَالِ ثَلَاثُ خِصَالٍ: إِنْصَافُكَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِكَ، وَ مُوَاسَاتُكَ الْآخَ فِي اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ ذِكْرُكَ اللَّهَ تَعَالَى عَلَى كُلِّ حَالٍ.<sup>۳</sup>

ای علی! سرور اعمال سه چیز است: انصاف داشتن با مردم از جانب خود! مواسات بابرادر دینی در راه خدای بزرگ و یاد خدای تعالی در هر حال.

۱. لغت نامه دهخدا، ج ۴۶، واژه مواسات.

۲. وافی، فیض کاشانی، ج ۳، ص ۴۷۴، انتشارات امام امیرالمؤمنین علی(ع).

۳. بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۳۹۲.

حضرت علی(ع)، نیز آن را از بهترین کارهای نیک بر شمرده می‌فرماید:

أَحْسَنُ الْإِحْسَانِ مُوَاسَاةُ الْإِخْوَانِ.<sup>۱</sup>

بهترین نیکی‌ها، مواسات با برادران دینی است.

### ۳. ابعاد مواسات

#### الف. مواسات با جان

در مواسات جانی انسان برای یاری دیگران، آماده جان‌فشانی است، علی(ع)، آنگاه که از گذشته پرافتخارش سخن می‌گوید، مواسات جانی با پیامبر(ص) را از برترین ویژگی‌های خود قلمداد کرده، می‌فرماید:

یاران امین و رازدار رسول خدا(ص) می‌دانند که من لحظه‌ای از فرمان خدا و رسولش سربرناتافتم و در هنگامه‌هایی که قهرمانان عقب می‌نشستند و گامهای رزمندگان به واپس کشیده می‌شد، با جان خویش آن حضرت را یاری نموده و با او مواسات کردم.<sup>۲</sup>

حضرت سیدالشهدا(ع) نیز تنها افرادی را برای یآوری انتخاب کرد که اهل مواسات و جانبازی در راه خدا بوده، کوچک‌ترین تزلزلی در برابر دشمن از خود نشان نمی‌دادند. حتی حرّ زمانی به خیل یاران امام می‌پیوندد که ضمن پشیمانی و توبه کامل، آماده جان‌نثاری در راه آن حضرت می‌شود و با قلبی لبریز از عشق و اشتیاق به مولا و مقتدایش اعلام می‌دارد که:

و مُوَاسِيَاً لَكَ بِنَفْسِي حَتَّى أَمُوتَ بَيْنَ يَدَيْكَ...<sup>۳</sup>

و [آمده‌ام] تا با جانم با تو مواسات کنم و در پیشگاهت جان سپارم.

در جنگ تحمیلی عراق با ایران اسلامی، پاسداران و نظامیان عظیم‌ترین صحنه‌های مواسات با جان را ترسیم نمودند.

#### ب. مواسات با مال

انفاق بعد دیگر مواسات است که به سهم خود ارزش و اهمیت والایی دارد؛ تا جایی که امام صادق(ع) آن را از جمله حقوق مؤمنان بر یکدیگر شمرده می‌فرماید:

إِنَّ مِنْ حَقِّ الْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ الْمَوَدَّةَ لَهُ فِي صَدْرِهِ وَالْمُوَاسَاةَ لَهُ فِي مَالِهِ...<sup>۴</sup>

[از جمله] حق مؤمن بر مؤمن دیگر، محبت قلبی به او و مواسات و کمک مالی به اوست.

۱. شرح غررالحکم، ج ۲، ص ۴۰۳. ۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۲۴، ص ۳۸۲.

۳. تاریخ طبری، ج ۵، ص ۴۲۸. ۴. کافی، ج ۲، ص ۱۷۱.

#### ۴. آثار مواسات

مواسات آثار گرانبهایی دارد. در این قسمت برخی از مهم ترین آنها را بیان می داریم:

##### الف. تقرب به پروردگار

گذشتن از جان و مال جهت یاری رسانی به بندگان خدا، موجب تقرب هرچه بیشتر بنده به پروردگارش می گردد. امام صادق (ع) در این باره می فرماید:

تَقَرَّبُوا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِمُؤَاَسَاةِ إِخْوَانِكُمْ.<sup>۱</sup>

به وسیله مواسات با برادرانتان، به خدای تعالی تقرب جوید.

##### ب. قرار گرفتن تحت ولایت ائمه (ع)

مواسات با برادران دینی، پیروی عملی از پیشوایان معصوم است که موجب می شود انسان تحت ولایت و سرپرستی آن بزرگواران قرار گرفته و از خرمی و پرفیض وجودشان در دنیا و آخرت بهره مند شود. امام صادق (ع) در وصیت خود به عبدالله بن جندب، به این حقیقت اشاره کرده می فرماید:

يَا بْنَ جُنْدَبٍ! بَلَغْ مَعَايِرَ شَبَعْتِنَا وَ قُلْ لَهُمْ: لَا تَذْهَبَنَّ بِكُمْ الْمَذَاهِبُ، فَوَاللَّهِ لَا تُنَالُ وَلَا يُنَالُ إِلَّا بِالْوَرَعِ وَالْإِجْتِهَادِ فِي الدُّنْيَا وَ مُؤَاَسَاةِ الْإِخْوَانِ فِي اللَّهِ...<sup>۲</sup>

ای پسر جندب! به شیعیان ما بگو: هر راهی را نروید [و هر عملی را انجام ندهید] به خدا سوگند! جز با ورع، تلاش در دنیا و مواسات با برادران دینی در راه خدا به ولایت ما نمی رسید.

##### ج. حفظ اخوت و برادری

یاری مؤمنان به یکدیگر در سختی ها و گرفتاری های زندگی و دفاع از ارزشهای الهی، قلبهای آنان را نسبت به یکدیگر نزدیک و رؤف می سازد و پیوند برادری آنها را بیش از پیش حفظ و تقویت می کند. امیر مؤمنان (ع) در این باره می فرماید:

مَا حَفِظَتِ الْأُخُوَّةَ بِمِثْلِ الْمُواَسَاةِ.<sup>۳</sup>

چیزی مانند مواسات، اخوت و برادری را حفظ نمی کند.

۲. تحف العقول، ص ۲۲۳.

۱. بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۳۹۱.

۳. شرح غرالحکم، ج ۶، ص ۷۶.



#### د. افزایش روزی

موااسات در حقیقت رفتار شا کرانه بنده در برابر نعمتهای بی کران الهی است که به طور متقابل رحمت الهی و ازدیاد روزی را باعث می شود. امام علی (ع) در این باره می فرماید:

مُواَسَاةُ الْأَخِ فِي اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، تُزِيدُ فِي الرِّزْقِ.<sup>۱</sup>

موااسات با برادر دینی در راه خدای بزرگ، روزی را افزایش می دهد.

#### ۵. تعاون و همکاری

تعاون، به معنای یاری و پشتیبانی افراد جامعه از یکدیگر و مشارکت و همکاری آنان در انجام کارهای اجتماعی و فردی است؛ همکاری افراد جامعه با هم - چه در داخل سازمانها و نهادها و چه در خارج آنها - تعاون نام دارد. با تعاون و دست در دست یکدیگر قرار دادن، بهتر می توان به رفع گرفتاریها و مشکلات، دفاع از حقوق یکدیگر، مبارزه با دشمنان و ناهلان و... پرداخت.

#### ضرورت تعاون در جامعه

آیین الهی اسلام وجود تعاون را در جامعه ضروری دانسته و مسلمانان را به همکاری هر چه بیشتر فراخوانده است.

امیر مؤمنان (ع) ضمن تأکید بر ضرورت تعاون در جامعه، در زمینه نیازمندی افراد به این امر پسندیده می فرماید:

... هیچ کس، هر چند که در شناخت و اجرای حق جایگاهی عظیم داشته و در کسب فضیلت دینی پرسابقه و پیشتاز باشد، در اجرای حقوق الهی که بدو تکلیف شده، بی نیاز از تعاون و همکاری دیگران نیست. و نیز هیچ کس، هر چند که دیگران کوچکش شمارند و چشمها حقیرش بینند، کمتر از آن نیست که در این زمینه نتواند کمکی بدهد یا کمکی بستاند.<sup>۲</sup>

در جای دیگر می فرماید:

مَنْ وَجَّهَ رَغْبَتَهُ إِلَيْكَ، وَجَبَتْ مَعُونَتُهُ عَلَيْكَ.<sup>۳</sup>

کسی که رغبت [روی نیاز] خود را متوجه تو ساخت، یاری او بر تو لازم است.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۲۰۷، ص ۶۸۴.

۱. بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۳۹۵.

۳. شرح غررالحکم، ج ۵، ص ۳۴۱.

امام صادق(ع) نیز در این باره می‌فرماید:

... وَلْيُعِنْ بَعْضُكُمْ بَعْضًا.<sup>۱</sup>

باید بعضی از شما بعضی دیگر را یاری دهد.

رهبر کبیر انقلاب ضمن هشدار نسبت به رعایت تعاون و پرهیز از اختلاف، آن را از وظایف

حتمی پاسداران و نظامیان بر شمرده می‌فرماید:

باز هم تکرار می‌کنم این‌را که همکاری قوای انتظامیّه از واجبات شرعیه است.<sup>۲</sup>

و در سخنی دیگر می‌فرماید:

اگر بخواهید بر همه قدرتها مسلط بشوید و نتواند هیچ قدرتی شما را برگرداند به آن حال

اول که حال ذلت، حال مسکنت، حال غارت‌زدگی بود، باید همه با هم باشید.<sup>۳</sup>

## ۶. ابعاد تعاون

بدیهی است که انسانها در زندگی اجتماعی خود، برای انجام کارهای گوناگون با یکدیگر تعاون و همکاری دارند، اما چه بسا ممکن است بر اثر ناآگاهی و یا در نظر گرفتن سود و منفعت بیشتر در کارهایی مشارکت کنند که مورد تأیید عقل و شرع نبوده و موجب انحراف و هلاکتشان شود؛ از این رو، قرآن کریم و اولیای گرامی اسلام به تشریح ابعاد تعاون پرداخته و محورهای اساسی آن را مشخص کرده‌اند که اینک به بیان مهم‌ترین آنها می‌پردازیم:

### الف. تعاون در کارهای نیک

تعاون در انجام کارهای نیک و خدا پسندانه از زیباترین ابعاد تعاون است:

... وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ

الْعِقَابِ. (مائده: ۲)

و [همواره] در راه نیکی و پرهیزکاری با هم تعاون و همکاری داشته باشید و [هرگز] در راه

گناه و تعدی و تجاوز همکاری نکنید و از [مخالفت فرمان] خدا بپرهیزید که مجازات خدا

شدید است.

۲. صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۲۵۰.

۱. بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۲۱۷.

۳. همان، ج ۱۳، ص ۲۰۳.

حضرت علی(ع)، نیز با تأکید بر تعاون در کارهای نیک می فرماید:

چون امر خیر و نیکی یافتید، به کمک و یاری آن بشتابید و اگر با جریان شری برخورد کردید، از آن درگذرید که رسول خدا(ص) همواره می فرمود: ای انسان! در نیکی بکوش و بدی را واگذار؛ که اگر چنین باشی رهرو متعادلی خواهی بود.<sup>۱</sup>

#### ب. مشارکت در اجرای حق

امیر مؤمنان(ع)، این گونه مشارکت را از جمله حقوق واجب الهی بر بندگان شمرده، می فرماید:

وَلَكِنْ مِنْ وَاجِبِ حُقُوقِ اللَّهِ عَلَى الْعِبَادِ... التَّعَاوُنُ عَلَى إِقَامَةِ الْحَقِّ بَيْنَهُمْ.<sup>۲</sup>

اما بخشی از حقوق واجب الهی بر بندگان این است که برای اجرای حق در میان خود تعاون و همکاری کنند.

#### ج. همکاری در هدایت و اصلاح دیگران

حضرت علی(ع) در این باره می فرماید:

أَعِنِ أَخَاكَ عَلَى هِدَايَتِهِ.<sup>۳</sup>

برادر دینیات را در هدایتش [به سوی رشد و کمال] کمک و یاری نما.

آن بزرگوار در سخنی دیگر می فرماید:

أَشْفَقُ النَّاسَ عَلَيْكَ أَعُوْهُمْ لَكَ عَلَى صَلَاحِ نَفْسِكَ...<sup>۴</sup>

دلسوزترین مردم نسبت به تو کسی است که جهت اصلاح نفست بیشترین یاری را با تو داشته باشد.

#### د. همراهی در انجام دادن طاعات و عبادات

مولای متقیان، علی(ع)، با اشاره به این بعد از تعاون، همراه و یاور انسان در انجام طاعات را

بهترین یار او معرفی کرده، می فرماید:

الْمَعِينُ عَلَى الطَّاعَةِ خَيْرُ الْأَصْحَابِ.<sup>۵</sup>

بهترین یار انسان کسی است که کمک و همراه او در انجام طاعت و عبادت پروردگار باشد.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۲۰۷، ص ۶۸۴.

۴. همان، ص ۴۸۶.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۵، ص ۵۷۳.

۳. همان، ج ۲، ص ۱۷۸.

۵. شرح غررالحکم، ج ۱، ص ۲۹۸.

## ۷. عواقب عدم همکاری

### الف. خروج از اسلام

بی توجهی به مسلمانها و عدم همکاری با آنان در مواقعی که نیاز شدید به کمک و پشتیبانی دارند و در پی فریادرسی هستند، نشانه بی اعتقادی فرد بوده و او را از حوزه اسلام و جامعه اسلامی خارج می سازد. رسول خدا(ص) در این باره می فرماید:

مَنْ أَصْبَحَ وَلَا يَهْتَمُّ بِأَمْرِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنَ الْإِسْلَامِ فِي شَيْءٍ وَمَنْ شَهِدَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لِّلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ.<sup>۱</sup>

هر کس چنین شود که به امور مسلمانها همت نگمارد، چیزی از اسلام در او نیست. و کسی که شاهد باشد انسانی فریاد می زند و کمک می طلبد، اما به او کمک نکند، از مسلمانها نیست.

### ب. قطع شدن ولایت الهی

یاری نرساندن به مسلمانی که برای رفع نیازمندی خود به برادر دینی اش پناه می آورد و درخواست کمک و همکاری می کند، موجب خارج شدن انسان از گروه مؤمنان - که همچون پیکر واحدی هستند - می شود و ولایت الهی از او قطع می گردد. امام کاظم(ع) در این باره می فرماید:

مَنْ قَصَدَ إِلَيْهِ رَجُلٌ مِنْ إِخْوَانِهِ مُسْتَجِيرًا بِهِ فِي بَعْضِ أَحْوَالِهِ فَلَمْ يُجِزْهُ بَعْدَ أَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ، فَقَدْ قَطَعَ وَلَايَةَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ.<sup>۲</sup>

هر کس که برادر دینی اش برای حلّ پاره ای از مشکلات خود به او پناه آورد و وی با آنکه توانایی حلّ آن را دارد، از انجام خواسته او سر باز زند، همانا ولایت خدای بزرگ را از خود قطع کرده است.

### ج. بی کسی در دنیا و آخرت

امام صادق(ع) در این باره می فرماید:

مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَخْذُلُ أَخَاهُ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَى نُصْرَتِهِ إِلَّا خَذَلَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.<sup>۳</sup>

هیچ مؤمنی برادر دینی خود را درحالی که توانایی یاری اش را دارد، تنها و بی یاور نخواهد گذاشت، مگر آنکه خداوند او را در دنیا و آخرت تنها و بی یاور می گرداند.

۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۳۶۶ و ۳۶۷.

۱. بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۲۱.

۳. ثواب الأعمال، ص ۲۸۴.

#### د. عذاب الهی

امام صادق (ع) در این باره می‌فرماید:

أَيُّمَا رَجُلٍ مِنْ شِيعَتِنَا أَتَى رَجُلًا مِنْ إِخْوَانِهِ فَاسْتَعَانَ بِهِ فِي حَاجَتِهِ فَلَمْ يُعِنْهُ وَهُوَ يَقْدِرُ إِلَّا ابْتِلَاءَهُ  
اللَّهُ بِأَنْ يَقْضَى حَوَائِجَ غَيْرِهِ مِنْ أَعْدَائِنَا، يُعَذِّبُهُ اللَّهُ عَلَيْهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ.<sup>۱</sup>

هر یک از شیعیان ماکه پیش یکی از برادران دینی خود برود و از او برای رفع نیازش کمک بخواهد، اما او باینکه توانایی یاری وی را دارد، کوتاهی کند، خداوند او را گرفتار می‌کند به برآوردن نیازهای دشمنان ما، تا به واسطه آن در قیامت عذابش نماید.

درس یازدهم

## رعایت قوانین و مقررات و حفظ بیت المال

### ۱. تعریف قانون و مقررات

قانون در معنای عام، شامل مجموعه قواعد حقوقی است که به وسیله قانونگذار مقرر می شود.<sup>۱</sup> مقررات (جمع مقرر) به معنای تصمیمات و اقدامات مربوط به اعلان و اجرای قوانین است که توسط وزرا (مقررات وزارتی) یا استانداران (مقررات ایالتی) یا شهرداران (مقررات شهرداری) یا برخی دیگر از مراجع صلاحیت دار اداری گرفته شده است، اما در معنای عام شامل قانون، تصویب نامه، آیین نامه، بخشنامه و هر چه ضمانت اجرا داشته باشد، می شود.<sup>۲</sup>

### ۲. نیاز بشر به قانون

انسان موجودی اجتماعی است و دستیابی به اهداف و خواسته هایش را در زندگی اجتماعی و در ارتباط با دیگران جست و جو می کند؛ اما از آنجا که در زندگی اجتماعی، به دلیل تضاد منافع، درگیری و کشمکش در بین افراد جامعه پیش می آید و این موارد منجر به از هم پاشیدن شیرازه جامعه می شود؛ از همان ابتدای تشکیل جوامع بشری در هر جامعه ای، قوانین و مقررات ویژه ای حکمفرما بوده است که براساس آن، حدود و مرزهای اجتماعی مشخص می شده، منافع افراد از دستبرد دیگران محفوظ می مانده و نیز نظم و انضباط خاصی در سراسر جامعه حاکم می گردیده است.

شهید مطهری (ره) در این باره می فرماید:

---

۱. ترمینولوژی حقوق، دکتر محمدجعفر جعفری لنگرودی، ص ۵۱۷

۲. همان، ص ۶۷۹ و ۶۸۰

نیازمندی به قانون ناشی از نیازمندی به زندگی اجتماعی است و در عین حال همیشگی و دائمی است. بشر هیچ زمانی بی‌نیاز از قانون نخواهد شد.<sup>۱</sup>

این نیازمندی به حدی است که حتی وحشی‌ترین قومها نیز برای خود قانونی داشته و به سختی به آن پایبند بوده‌اند. امام خمینی (ره) در این زمینه می‌فرماید:

در تاریخ هست که چنگیز با آن طبع وحشیگری که داشته‌است، با آن خونریزی‌هایی که کرده است، تابع یک قانون بوده‌است که به آن قانون می‌گفتند «پاسانامه بزرگ» و مغول، چنگیز و سایر مغول، تخلف از آن نمی‌کردند. حتی تعبیر بعضی این بوده است که احترام آن قانون پیش مغول مثل احترام قرآن در صدر اسلام پیش مسلمین بوده‌است؛ تخلف از آن قانون مطابق مرگ بوده است.<sup>۲</sup>

### ۳. برترین قانون

با توجه به نیاز بشر و جوامع بشری به قانون، این مسئله در اذهان مطرح می‌شود که حال از چه قانونی باید پیروی کرد و برترین قانون کدام است، آیا قوانینی که خود بشر وضع می‌کند، می‌تواند راهگشا و کارساز بوده، مشکلات زندگی انسان را حل کند یا نیاز به مرجع و قدرتی برتر از خود دارد؛ یعنی قدرتی که به‌طور کامل به خیر و شر آدمی آگاه بوده و آنچه را که موجب رشد و تعالی سعادت اوست، در قالب قانون ارائه دهد؟ به نظر ما وجه دوم صحیح است؛ زیرا:

- خرد آدمی بدون راهنمایی شرع ممکن است به انحراف کشیده شود.
- انگیزه‌هایی چون سودجویی، مصلحت‌اندیشی فردی و گروهی، منطقه‌ای و نژادی، خشم و شهوت، حسادت و محبت و ... او را به وضع قوانین ناقص و ناعادلانه متمایل می‌سازد.
- عقل و خرد انسانها هر قدر هم که رشد یافته و دارای نبوغ باشد باز هم از درک زوایای روح آدمی و پیچیدگی‌های آن و نیز از تغییر و تحول زمان و زمانه ناتوان است و همین عدم آگاهی و ناتوانی سبب وضع قوانین ناقص یا زیانبار می‌شود.
- تاریخ نیز گواهی می‌دهد که انسانها در مقام قانونگذاری همواره به شکل ناقص و سودجویانه و مستکبرانه عمل کرده‌اند و کمتر پایبند عدالت و حقیقت محض بوده‌اند؛ نمونه بارز آن امتیاز کشی قلدرمآبانه «وتو» برای قدرتهای شیطانی در سازمان ملل است.

بنابراین، بشر برای دستیابی به قوانینی متعالی و حیاتبخش، نیاز به قدرتی مافوق خود دارد؛ قدرتی که نه تنها اسیر هوا و هوس و اغراض پلید و سودجویانه نباشد، بلکه به تمامی نیازها، خواسته‌ها و گرایشهای بشر آگاه بوده، آنچه را که موجب سعادت و رستگاری انسان در دنیا و آخرت می‌شود به خوبی بشناسد؛ و او کسی جز خالق و آفریننده انسان نمی‌تواند باشد. از این رو، در آیین مقدس اسلام، مقام قانون‌گذاری به خدای متعال اختصاص یافته و تنها قانونی پذیرفته است که سر منشأ الهی داشته و از کانون وحی برخاسته باشد.

#### ۴. ضرورت رعایت قانون

بدیهی است که وجود قانون در جامعه - هر چند الهی و به دور از عیب و نقصی باشد - به تنهایی ثمربخش و کارساز نیست؛ بلکه قانون زمانی ارزش و جایگاه واقعی خود را در جامعه بازخواهد یافت که تمامی افراد جامعه خود را ملزم به رعایت آن دانسته، در عمل پایبند به آن باشند. از این رو، قرآن کریم با تأکید بر رعایت قوانین و مقررات در جامعه اسلامی، حفظ حدود و قوانین الهی را از جمله ویژگی‌های برجسته مؤمنان دانسته می‌فرماید:

... وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ. (توبه: ۱۱۲)

و [مؤمنان حقیقی] حافظان حدود الهی‌اند و بشارت ده به این مؤمنان.

در آیه‌ای دیگر، کسانی را که از چارچوب قوانین شرع خارج شده و از حدود الهی پافراتر نهاده‌اند، ستمگر معرفی کرده می‌فرماید:

... وَ مَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ. (بقره: ۲۲۹)

کسانی که از حدود الهی تجاوز کنند [و قوانین الهی را زیر پا گذارند]، ستمگرند.

و از آن‌جا که در جامعه اسلامی، تمامی قوانین و مقررات - اجتماعی و سازمانی - برگرفته از قوانین الهی و موازین شرعی‌اند، باید به دقت مورد توجه قرار گیرند و به آنها عمل شود.

بنابراین، عمل به هر یک از این قوانین در حکم عمل به قانون خداست و اجر و پاداش الهی را در پی دارد؛ در این میان وظیفه و مسؤولیت نیروهای نظامی حساس‌تر و سنگین‌تر است چرا که این قشر نسبت به دیگر اقشار جامعه از موقعیت حساس و ویژه‌ای برخوردارند و در حقیقت بازوان دفاعی و قدرتمند نظام اسلامی هستند، تا آن‌جا که امیر مؤمنان (ع) در توصیفشان می‌فرماید:



فَالْجُودُ بِإِذْنِ اللَّهِ حُصُونُ الرَّعِيَّةِ وَ زَيْنُ الْأَوْلَادِ وَ عِزُّ الدِّينِ وَ سُبُلُ الْأَمْنِ وَ لَيْسَ تَقُومُ الرَّعِيَّةُ إِلَّا بِهِمْ.<sup>۱</sup>

لشکریان و سربازان به اذن خداوند، دژهای محکم رعیت هستند و موجب سرفرازی و زینت رهبران و سبب عزت دین و امنیت راهها می‌باشند و هیچ‌گاه ملت بدون آنها نمی‌تواند پایدار باشد.

از این رو، ضروری است که در رعایت قوانین - چه در حیطه کاری و چه در محیط اجتماعی - نهایت جدیت و تلاش را به عمل آورده، لحظه‌ای از قانون تخلف و سرپیچی نکنند؛ تا معرف واقعی نظام اسلامی و آئینه تمام‌نمای آن باشند و چهره نظام را در نظر دیگران زیبا و قانونمند جلوه دهند. رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای می‌فرماید:

در سپاه باید انضباط نظامی از ایمان و عقیده سرچشمه گیرد و نظم و آموزش و رعایت مراتب به‌عنوان وظیفه‌ای دینی رعایت شود.<sup>۲</sup>

## ۵. آثار رعایت قانون

در این قسمت با استفاده از سخنان نورانی امام راحل (ره) برخی از مهم‌ترین آثار رعایت قانون را که در اثر رعایت قوانین و مقررات، عاید نیروهای نظامی و در پی آن، عاید جامعه می‌گردد، بازگو می‌کنیم:

### الف. موفقیت و پیروزی در برنامه‌ها و دستیابی به اهداف:

بنابراین، اگر بخواهند مملکت ایران یک مملکتی باشد که بتواند روی پای خودش راه برود و بتواند انشاءالله آتیه خودش را به‌طور شایسته انجام بدهد و اصلاح بکند، اول باید این قوای مسلح تحت نظم بیابند و تحت انضباط بیابند؛ چه آنهایی که در سپاه پاسداران واردند و چه آنهایی که در سایر قوای انتظامی اینها باید تحت نظام بیابند؛ تحت انتظام بیابند.<sup>۳</sup>

### ب. قدرتمندی و وحدت و انسجام هر چه بیشتر:

لازم است که در ارتش و سایر قوای مسلح، حفظ نظام و سلسله مراتب را که قانون داخلی قوای مسلح است، بیش از پیش مراعات نمایند تا ارتش و سایر قوای اسلامی قدرتمندتر و هر چه بیشتر منسجم [شوند] و تخلف از این امور، تخلف از قانون است.<sup>۴</sup>

۱. نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۱۰۰۳.

۲. روزنامه جمهوری اسلامی، تاریخ ۱۳۷۰ / ۸ / ۵.

۳. صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۲۵۰.

۴. همان، ج ۱۴، ص ۱۹۱.

در جای دیگر، «جلوگیری از اختلافات و خصومتها» را نتیجه احترام به قانون و عمل به آن دانسته، می‌فرماید:

ما اگر همه اشخاصی که در کشورمان هستند و همه گروههایی که در کشور هستند و همه نهادهایی که در سر تا سر کشور هستند اگر به قانون خاضع بشویم و اگر قانون را محترم بشمریم، هیچ اختلافی پیش نخواهد آمد.<sup>۱</sup>

## ۶. پیامدهای بی‌قانونی

پیامدهای بی‌قانونی در سخنان امام اَمت و رهبر معظم انقلاب چنین آمده است:

### الف. خدشه‌دار شدن اسلام:

اگر پاسدارهای ما که پاسدار جمهوری اسلامی هستند، پاسدار انقلاب اسلامی هستند کاری نکنند که برخلاف موازین پاسداری باشد، مکتب ما خدشه‌دار می‌شود و این مسؤولیت بزرگی است.<sup>۲</sup>

### ب. ناتوانی در مقابله با دشمن:

اگر یک ارتشی با هرج و مرج بخواهد مواجه باشد و بپذیرد این هرج و مرج را، معنایش این است که ارتش نیست. هیچ امکان ندارد که او بتواند با یک قدرتی، هر چه هم باشد، مقابله کند. اگر نتواند ارتش خودش را اصلاح کند و قدرت خودش را و پیوند خودش را و نظمی که در باطن باید باشد، این را ایجاد نکند، این نمی‌تواند در مقابل غیر، هر غیری باشد، مقاومت کند.<sup>۳</sup>

### ج. تهدیدی برای انقلاب:

امروز اگر ما مراعات نظم را نکنیم و اگر ارگانهای دولتی و دستگاههای گوناگون انقلابی و دولتی از محدوده قانونی خودشان پافراتر بگذارند، انقلاب تهدید می‌شود.<sup>۴</sup>

### د. از بین رفتن معنویتها:

شما باید برای خدا مراتب و سلسله‌مراتب را حفظ کنید و اگر بنا باشد هر کسی خودش رأی بدهد و علی‌حده عمل بکند، آن وقت است که معنویات و موفقیت‌های عادی هم از بین می‌رود.<sup>۵</sup>

۱. همان، ص ۲۶۸.

۲. همان، ج ۸، ص ۴۲.

۳. صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۱۶۱.

۴. در مکتب جمعه، ج ۶، ص ۸۰.

۵. صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۴۰.

## ۷. حفظ بیت المال

بیت المال از دو کلمه بیت (خانه) و مال (زر و ملک، دارایی، ثروت و...) تشکیل شده و به معنی مالی است که همه مسلمانان در آن حقی دارند و به معنی خزانه اسلام و... نیز آمده است.<sup>۱</sup> هر دولت و حکومتی برای به اجرا درآوردن طرحها و برنامه‌های خود نیازمند بودجه و امکانات مالی و مادی است. آیین مقدس اسلام نیز با توجه به این ضرورت، مسأله بیت المال را در دستور کار حکومت اسلامی قرار داده و با تعیین منابع آن، پشتوانه مالی عظیمی را برای دولت فراهم آورده است، تا با برنامه‌ریزیهای اصولی و حساب شده، آن موجودی را به مصارف عمومی برساند.

بر این اساس، در اسلام خمس، زکات، جزیه، خراج و دیگر مالیاتها به عنوان درآمدهای سالانه و نیز معادن، جنگلها، دریاها و... به عنوان انفال و ثروتهای عمومی بیت المال به حساب آمده و از منابع تأمین بودجه عمومی کشور محسوب شده است. امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید:

مالیاتیایی که اسلام مقرر داشته و طرح بودجه‌ای که ریخته، نشان می‌دهد تنها برای سد رمق فقرا و سادات نیست؛ بلکه برای تشکیل حکومت و تأمین مخارج ضروری یک دولت بزرگ است. مثلاً «خمس» یکی از درآمدهای هنگفتی است که به بیت المال می‌ریزد و یکی از اقلام بودجه کشور را تشکیل می‌دهد... از طرفی «جزیه» که بر اهل ذمه مقرر شده و خراج که از اراضی کشاورزی وسیعی گرفته می‌شود، درآمد فوق العاده‌ای را به وجود می‌آورد... این به عهده متصدیان حکومت اسلامی است که چنین مالیاتیایی را به اندازه و تناسب و طبق مصلحت، تعیین کرده سپس جمع‌آوری کنند و به مصرف مصالح مسلمین برسانند.<sup>۲</sup> در اصل چهل و پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز آمده است:

انفال و ثروتهای عمومی از قبیل زمینهای موات یا رها شده، معادن، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آبهای عمومی، کوهها، دره‌ها، جنگلها، نیزارها، بیشه‌های طبیعی، مراعاتی که حریم نیست، ارث بدون وارث و اموال مجهول المالك و اموال عمومی که از غاصبین مسترد می‌شود، در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل نماید. تفصیل و ترتیب استفاده از هر یک را قانون معین می‌کند.

۱. لغت نامه دهخدا، واژه‌های بیت، مال و بیت المال. ۲. ولایت فقیه، ص ۲۴-۲۲.

## ۸. گستره بیت المال

بیت المال مصادیق فراوانی دارد و گستره بسیار وسیعی را در بر می گیرد که به عنوان نمونه به ذکر برخی از مهمترین مصادیق بیت المال می پردازیم.

### الف. امکانات

تمامی امکانات موجود در مؤسسه ها و سازمانهای ملی و دولتی از قبیل وسایل نقلیه، میز و صندلی، وسایل ارتباطی، لوازم تحریر و... از طریق بیت المال تهیه و تأمین می شود که باید آنها را به شکلی صحیح مورد بهره برداری قرار داد و از هرگونه حیف و میل و اسراف و تبذیر - که کفران نعمت و خیانت به ملت است - به طور جدی احتراز کرد.

### ب. وقت

زمان و وقتی را که کارکنان دولت باید طبق قانون در محل کار خود باشند، نیز به بیت المال مربوط می شود؛ زیرا در همین زمان و وقت اداری تمامی فعالیتها انجام می گیرد. از این رو، لازم است از وقت گذرانی یا صرف وقت در کارهای غیر ضروری و شخصی اجتناب نمود. امام راحل (ره) با تأکید بر این مسأله، خطاب به دست اندرکاران مطبوعاتی کشور و صدا و سیما - که در حقیقت خطاب به تمامی سازمانهای دولتی است - می فرماید:

... مطبوعات باید این توجه را داشته باشند که چیزهایی که برای ملت مفید نیست، در روزنامه ها ننویسند؛ کاغذ صرف این نکنند؛ وقت صرف این نکنند؛ باید رادیو تلویزیون توجه به این معنا داشته باشد که این از بیت المال مسلمین است؛ باید وقتش صرف چیزهایی که مربوط به مصالح مسلمین است، بشود؛ مسؤولیت دارد اینها.<sup>۱</sup>

### ج. کار

انجام دادن کارهای اداری و وظایف و مأموریتها نیز با بیت المال در ارتباط است؛ چون تنها از این طریق است که طرحها و برنامه های دولت به اجرا در می آید و کل نظام و مردم از آن بهره مند می شوند. بر این اساس، افزودن به کیفیت کارها و اجتناب از کم کاری یا کارهای بیهوده و بی هدف، امری ضروری بوده و مورد تأکید عقل و شرع است. امام خمینی (ره) در وصیت نامه سیاسی الهی خود در این باره می فرماید:

۱. صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۲۲۴.

شماها [وزرا] و کارمندان وزارتخانه‌ها... باید همه خدمتگزار ملت و خصوصاً مستضعفان باشید و ایجاد زحمت برای مردم و مخالف وظیفه عمل کردن، حرام [است] و خدای نخواستہ گاهی موجب غضب الهی می‌شود.<sup>۱</sup>

همچنین حقوقی را که نیروهای دولتی برای کار دریافت می‌دارند، از بیت‌المال تأمین می‌شود و بدیهی است زمانی حلال و گواراست که در قبال آن فعالیت و تلاش لازم و مورد نظر انجام پذیرد. امام راحل (ره) در این باره می‌فرماید:

وزارتخانه‌ها باید وقتی که می‌بینند که کارمند بیت‌المال مسلمین هستند، و از آن جا حقوق می‌گیرند و ارتزاق می‌کنند و اداره، اداره بیت‌المال مسلمین است... ملاحظه کنند؛ کوچک نشمرند مسأله را؛ مسأله بیت‌المال مسلمین است.<sup>۲</sup>

## ۹. ضرورت حفظ بیت‌المال

با در نظر گرفتن منابع بیت‌المال و مصادیق آن و نیز ارتباط آن با کل نظام و جامعه اسلامی حفظ بیت‌المال و بهره‌برداری صحیح از آن - که لازمه یک نظام الهی و مترقی است - ضرورت می‌یابد؛ زیرا تنها در این صورت است که سرمایه‌های عمومی و ملی از هر آفتی مصون می‌ماند و بودجه کشور به شکل مطلوب و مناسبی هزینه می‌گردد. امیر مؤمنان در زمینه حفظ بیت‌المال، به کارگزاران خود چنین سفارش می‌کند:

أَدِقُّوا أَقْلَامَكُمْ وَ قَارِبُوا بَيْنَ سَطُورِكُمْ وَ اخْذِفُوا عَنِّي قُصُولَكُمْ وَ اقْصِدُوا الْمَغَانِي وَ إِيَّاكُمْ وَ الْإِكْثَارَ فَإِنَّ أَمْوَالَ الْمُسْلِمِينَ لَا تَحْتَمِلُ الْإِضْرَارَ.<sup>۳</sup>

قلمهای خود را نازک کنید؛ فاصله میان سطرهای نامه را نزدیک نمایید؛ سخنان زاید را حذف کرده به معانی بسنده کنید و از طولانی‌نویسی بپرهیزید؛ زیرا اموال مسلمانها تحمل ضرر و زیان را ندارد.

امام خمینی (ره) می‌فرماید:

بیت‌المال مسلمین را بزرگ بشمارید، حکومت‌های اسلامی باید بیت‌المال مسلمین را برای جلال و جبروت خودشان صرف نکنند؛ بیت‌المال مسلمین صرف آن چیزی بشود که برای مسلمین است.<sup>۴</sup>

۱. همان، ج ۲۱، ص ۱۹۰.  
۲. صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۲۲۴.  
۳. بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۴۹.  
۴. صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۲۲۳ و ۲۲۴.

نیروهای نظامی نیز باید همانند دیگران به بیت‌المال اهمیت داده، در حفظ و حدود آن بکوشند. در اصل صد و چهل و هشتم قانون اساسی نیز خطاب به تمامی مسؤولان و نیروهای نظامی آمده است:

«هر نوع بهره‌برداری شخصی از وسایل و امکانات ارتش و استفاده شخصی از افراد آنها به صورت گماشته، راننده شخصی و نظایر اینها ممنوع است.»

### ۱۰. پیامدهای سوء استفاده از بیت‌المال

#### الف. مجازات اخروی

تصرف در بیت‌المال و استفاده شخصی از آن، دست‌درازی به اموال همه مردم و خیانت به آنان است و بی‌گمان مجازات سنگینی در پیشگاه الهی دارد. امام راحل (ره) با اشاره به این مجازات می‌فرماید: ... این دستور است در طول تاریخ برای کسانی که متکفل حکومت هستند که تا اندازه ممکن در بیت‌المال تصرف نکنند. یک درهمش در آن طرف حساب دارد. باید حساب پس بدهیم؛ باید در پیشگاه خدای تبارک و تعالی در کارهایی که می‌کنیم تصرفهایی که در بیت‌المال می‌کنیم، باید بعد حساب بدهیم؛ چرا؟ [که] اگر زیاده‌روی شده باشد، مجازات دارد.<sup>۱</sup>

#### ب. مجازات دنیوی

امام علی (ع) یکی از کارگزاران خود را که از بیت‌المال سوء استفاده کرده بود، توبیخ می‌کند و به او می‌نویسد:

از خدا بترس و اموال این مردم را که برای خود برده‌ای برگردان. اگر این کار را نکنی و خدا مرا بر تو توانا گرداند و به تو دسترسی پیدا کنم، در کیفر رساندن تو نزد خدا عذر دارم و تو را با شمشیرم که کسی را با آن نزده‌ام مگر آنکه در آتش داخل شده، خواهم زد. به خدا سوگند! اگر حسن و حسین (ع) آنچه را تو کردی، انجام داده بودند، با ایشان صلح و آشتی نمی‌کردم و از من به خواهشی نمی‌رسیدند، تا اینکه حق را از آنان بستانم و باطلی را که به ستمشان پدید آمده، نابود گردانم.<sup>۲</sup>

۲. نهج البلاغه، نامه ۴۱، ص ۹۵۸.

۱. صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۲۲۳.

در جای دیگر، خطاب به زیاد بن ابیه، جانشین عبدالله بن عباس، می‌فرماید:  
خدای را سوگند! سوگندی مؤکد و راست، که اگر به من گزارش رسد که در بیت‌المال  
مسلمین از تو خیانتی کوچک یا بزرگ سر زده است، چنان برخورد سختی از من بینی که  
اندک مال و درمانده از هزینه عیال مانی و خوار و پریشانحال گردی.<sup>۱</sup>

### ج. نابودی اسلام و مسلمین

امام صادق (ع) به این خطر اشاره کرده می‌فرماید:  
... وَإِنَّ مِنْ قَتَاءِ الْإِسْلَامِ وَقَتَاءِ الْمُسْلِمِينَ أَنْ تَصِيرَ الْأَمْوَالُ فِي أَيْدِي مَنْ لَا يَعْرِفُ فِيهَا الْحَقَّ  
وَلَا يَصْنَعُ فِيهَا الْمَعْرُوفَ.<sup>۲</sup>  
از جمله چیزهایی که موجب نابودی اسلام و مسلمین می‌شود، این است که اموال  
[بیت‌المال] در اختیار کسانی قرار گیرد که حق آن را نمی‌شناسند و معروف (کاری که  
مورد تأیید عقل و شرع است) را درباره آن انجام نمی‌دهند.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۸۵.

۱. همان، نامه ۲۰، ص ۷۸۰.

درس دوازدهم

## داشتن روحیه و شدت با دشمن و رأفت با دوست

### ۱. تعریف روحیه

«روحیه» در لغت به معنای «مجموعه کیفیات نفسانی و حالات روانی در فرد یا افراد»<sup>۱</sup> آمده است. «روحیه قوی بدان معناست که هر فردی در یک گروه کار خواهد کرد یا خواهد جنگید و در انجام وظیفه تا سر حد امکان تلاش خواهد کرد.»<sup>۲</sup> به عبارت دیگر، «روحیه، اراده، معنویت، اعتقاد و تصمیم است.»<sup>۳</sup> عکس موارد مذکور، فقدان روحیه یا ضعف روحیه نامیده می شود.

### ۲. نقش روحیه در نیروهای رزمی

«روحیه» در نیروهای رزمی نقشی کلیدی دارد و شدت و ضعف آن در پیروزی یا شکست تأثیر مستقیم می گذارد تا جایی که «کارشناسان نظامی ۷۵٪ از پیروزی را در گرو روحیه عالی نظامیان و رزمندگان می دانند و تنها ۲۵٪ دیگر را به عواملی چون: تسلیحات، سازماندهی، آموزش، ارتباطات و... نسبت می دهند.»<sup>۴</sup>

پس به طور مسلم چنین عنصری مورد توجه ویژه کارشناسان نظامی است. به همین جهت تلاش می کنند تا از سویی روحیه نیروهای خودی را بالا ببرند و از سوی دیگر، روحیه دشمن را تضعیف نمایند و کارهای مهمی نظیر تبلیغات گسترده، پخش شایعات، جنگ روانی، مانورها، حمله به شهرها و... را با صرف هزینه های کلان در این راستا انجام می دهند.

۱. فرهنگ معین.

۲. روحیه جنگی، ریچاردسون، ترجمه پرویز ایزدی، ص ۴.

۳. جهاد و شهادت، شهید چمران، ص ۶۵

۴. آیین جهاد، هیأت تحریریه بنیاد نهج البلاغه، ص ۱۴۱، چاپ اول.



### ۳. دیدگاه اسلام

با توجه به نقش سرنوشت ساز روحیه در جنگ و دفاع، شارع مقدس، اهمیت خاصی برای آن قائل شده، رهنمودهای لازم را در این باره ارائه می‌دهد. قرآن مجید از سویی با صراحت اعلام می‌کند که مسلمانان واقعی هیچ‌گونه ترس و واهمه‌ای را به دل راه نمی‌دهند:

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ. (احقاف: ۱۳)

کسانی که گفتند پروردگار ما «الله» است، سپس پایداری کردند؛ نه بیمی بر آنهاست و نه غمگین می‌شوند.

از سوی دیگر، به‌طور مرتب اعلام می‌کند که خداوند روحیه مؤمنان مجاهد را شاداب و سرشار می‌سازد:

فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا. (فتح: ۱۸)

آرامش بر ایشان نازل کرد و آنان را به فتوحی نزدیک پاداش داد.

کلمه سکینه از ماده سکون و خلاف حرکت است و در مورد سکون و آرامش قلب استعمال می‌شود و به معنای قرار گرفتن دل و نداشتن اضطراب باطنی در تصمیم‌گیری و اراده است... خداوند سبحان این حالت را از خواص ایمان کامل قرار داده و آن را از مواهب بزرگ خوانده است.<sup>۱</sup> سپس در مقام دادن روحیه به مسلمانان مجاهد می‌فرماید:

فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتَرَكَمُ أَعْمَالَكُمْ. (محمد: ۳۵)

سستی نورزید تا دعوت به سازش کنید. و شما برترید و خدا همراهتان است و از (پاداش) کردارتان نخواهد کاست.

امام راحل (ره)، روحیه سلحشوران ارتش اسلام را چنین می‌ستاید:

آنچه برای این جانب غرور انگیز و افتخار آفرین است، روحیه بزرگ و قلوب سرشار از ایمان و اخلاص و روح شهادت‌طلبی این عزیزان - که سربازان حقیقی ولی الله الاعظم ارواحنا فداه هستند - می‌باشد و این است فتح الفتوح.<sup>۲</sup>

### ۴. عوامل تقویت روحیه

پدیده‌های متعددی در افزایش روحیه رزمی مؤثرند که برخی را به اختصار در زیر می‌آوریم:

۱. المیزان، ج ۲، ص ۲۸۹.

۲. صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۲۳۵ - ۲۳۶.

**الف. ایمان:** در بالا بردن روحیهٔ سلحشوری، ایمان نقش اول را بازی می‌کند؛ به‌طوری‌که می‌توان گفت: اگر ایمان نباشد، هیچ نیرویی انگیزهٔ نبرد ندارد، به اندازه‌ای که هرگز حاضر نخواهد شد. جان خویش را به خطر بیندازد.<sup>۱</sup>

**ب. بصیرت و آگاهی:** هرچه نیروهای رزمی از بصیرت و اطلاعات بیشتری برخوردار باشند، با امید و انگیزهٔ بهتری به نبرد ادامه داده و فداکاری بیشتری از خود نشان خواهند داد. این آگاهی‌ها می‌تواند مسائل اعتقادی، تاریخی، جغرافیایی، سیاسی و... باشد.

امیر مؤمنان، علی(ع)، ضمن خطبه‌ای با اشاره به سوابق و منزلت دیرینهٔ خویش نزد رسول خدا(ص) و نیز اثبات حقایق خود به نیروهایش می‌فرماید:

فَانْفُذُوا عَلَىٰ بَصَائِرِكُمْ وَلْتَصْدُقْ نِيَّاتُكُمْ فِي جِهَادٍ عَدُوَّكُمْ فَوَالَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِنِّي لَعَلِّي جَادَّةٌ الْحَقِّ وَ إِنَّهُمْ لَعَلِّي مَرَلَّةٌ الْبَاطِلِ.<sup>۲</sup>

پس براساس بینایی خویش به پیش روید و باید قصدتان در جهاد با دشمنان صادق باشد؛ که قسم به خدایی که جز او خدایی نیست! من در جادهٔ حق و آنان (معاویه و یارانش) بر لغزشگاه باطلند.

**ج. حمایت مردم:** پشتیبانی مادی و معنوی مردم به‌نوبهٔ خود برشادابی و نشاط نیروهای رزمی می‌افزاید. فرماندهان و مسؤولان نظامی باید ترتیبی اتخاذ کنند تا همواره چنین ارتباطی میان جامعه و نیروهای نظامی برقرار باشد تا هر دو از ثمرات آن بهره‌مند شوند.

**د. رزمایش:** انجام عملیات نمایشی و آزمایشی اثر بسیار مثبتی در تجدید و تقویت روحیهٔ جنگی نیروها دارد و از سویی، دشمن را نیز از افکار شیطانی نسبت به مسلمانان برحذر می‌دارد. چنین روشی تجربه‌شده و بسیار مفید است. حتی پیامبر اسلام(ص) نیز آن را به کار می‌بست.<sup>۳</sup>

**ح. حفظ آمادگیهای رزمی:** تقویت و حفظ مهارت‌های نظامی - در تمام رسته‌ها - و بالا بردن کارایی و آمادگی رزمی نیروها به‌طور قطع بر روحیهٔ آنها اثر مثبت و سازنده‌ای دارد و هرگز نباید از آن غفلت کرد. همچنین به دنبال آن، فراهم کردن سلاح‌های مدرن و ادوات جنگی نیز ضرورت پیدا می‌کند و خواست خدا نیز چنین است.<sup>۴</sup>

۱. در درس اول پیرامون این مطلب، توضیح بیشتری داده شد.

۲. نهج البلاغه، خطبهٔ ۱۸۸، ص ۶۳۴.

۳. برای اطلاع بیشتر به تاریخ جنگ‌های پیامبر(ص) رجوع کنید.

۴. مضمون آیهٔ ۶۰ از سورهٔ انفال (۸).

و. تبلیغات: تبلیغات صحیح و حساب شده نیز نقشی اساسی در بالا بردن روحیه نظامیان خودی و شکست روحیه دشمن دارد. این کار نیز باید با طراحی و کارشناسی بجا و گسترده صورت پذیرد. شعارها و اشعار حماسی، مارشهای نظامی، سرودهای هیجان انگیز، گزیده آیات قرآن و سخنان بزرگان و... در این راستا انجام می گیرد که نمونه های کاربردی آن در صدر اسلام و جنگ تحمیلی بی شمار است و در اینجا به یک مورد بسنده می کنیم:

آتش جنگ احد با فرجامی تلخ به سود کافران خاموش شد. آنگاه ابوسفیان، فرمانده سپاه کفر، بر بلندای کوهی ایستاد و برای تضعیف روحیه مسلمانان، خطاب به پیامبر (ص) گفت:

روزی جنگ به سود شما بود و امروز به نفع ما.

پیامبر (ص) به مسلمانان فرمود: در پاسخ او بگوئید، هرگز دو روز بدر و احد یکسان نیستند؛ کشته های ما در بهشت و کشتگان شما در دوزخند.

ابوسفیان گفت: «لَنَا عِزٌّ وَلَا عِزٌّ لَكُمْ»<sup>۱</sup>

پیامبر (ص) فرمود: در پاسخش بگوئید «اللَّهُ مَوْلَانَا وَلَا مَوْلَى لَكُمْ»<sup>۲</sup>

سپس ابوسفیان شعار «أَعْلَى هُبْلُ» (زنده باد بت هبل) را تکرار کرد و رسول اکرم (ص) هم فرمود: در پاسخش بگوئید: «اللَّهُ أَعْلَى وَأَجَلُّ»<sup>۳</sup>

## ۵. شدت با دشمن و رأفت با دوست

قرآن کریم در آیات متعددی، رزمندگان اسلام را به مبارزه و شدت هر چه بیشتر با دشمن و رأفت و دوستی با یکدیگر سفارش می کند.

خداوند در آیه ای پیروان حضرت رسول (ص) را با این دو ویژگی ستوده می فرماید:

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ... (فتح: ۲۹)

محمد فرستاده خداست و کسانی که با او هستند، در برابر کافران سرسخت و محکم بوده، با یکدیگر مهربانند.

امام خمینی (ره) به نیروهای نظامی می فرماید: «شما هم که سرباز اسلام هستید،... سرمشق، همان باشد که اسلام طرح کرده است؛ که خودتان با هم دوست... رفیق و رحیم باشید؛ در مقابل دشمن، قوی و مصمم و کوبنده.»<sup>۴</sup>

۱. یعنی: ما بت عزّی داریم و شما ندارید.

۲. یعنی: خدا مولای ماست و شما مولایی ندارید.

۳. بحارالانوار، ج ۲۰، ص ۴۴.

۴. صحیفه نور، ج ۹، ص ۱۶.

بنابراین از دیدگاه اسلام هر نظامی مسلمان موظف است که خود را با این دو صفت نیکو و متعالی (شدت با دشمن و رأفت با دوست) بیاراید.

### ۶. برخورد قدرتمندانه

از عوامل مهم و کارساز در پیروزی بر دشمن، برخورد قاطع و قدرتمندانه با اوست، چراکه کوچکترین مسامحه و سهل انگاری در برابر دشمن، خواری و زبونی را به دنبال داشته و در نهایت به شکست و نابودی منجر خواهد شد. قرآن کریم در آیات متعددی، به اقتدار سفارش کرده و در آیه‌ای خطاب به پیامبر (ص) می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ... (توبه: ۷۳)

ای پیامبر! با کافران و منافقان جهاد کن و بر آنها سخت بگیر.

هنگامی که دشمن برای نابودی دین و کشور اسلامی کمر همّت بسته است، تنها برخورد مقتدرانه و شدید است که می‌تواند قدرت ظاهری او را در هم بکوبد. قرآن کریم با تأکید بر سخت‌گیری و شدت هر چه بیشتر با دشمن می‌فرماید:

فَإِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ... (محمد: ۴)

هنگامی که [در میدان جنگ] در برابر کافران قرار گرفتید، [با تمام قدرت] آنها را گردن بزنید.

در آیه‌ای دیگر در این زمینه چنین آمده است:

... فَاضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَاضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ (انفال: ۱۲)

گردنهای کافران را بزنید و انگشتهای آنان را قطع کنید.

علی (ع) در میدان جنگ، ضمن سفارشهایی به سربازان خود می‌فرماید:

... وَأَعْطُوا السَّيُوفَ حُقُوقَهَا وَوَطَّنُوا لِلْجُنُوبِ مَصَارِعَهَا، وَادْمُرُوا أَنْفُسَكُمْ عَلَى الطَّغْنِ الدَّعِيِّ، وَالضَّرْبِ الطَّلْحِيِّ...<sup>۱</sup>

حق شمشیرها را ادا کنید، و پهلوه‌های دشمن را به زمین برسانید (به خاک افکنده و نابود سازید) خود را به زدن سخت‌ترین نیزه و محکمترین ضربه شمشیر وادار سازید.

امام خمینی (ره) می‌فرماید:

۱. نهج البلاغه، نامه ۱۶، ص ۸۶۲

از قوای نظامی می‌خواهم که با قدرت تمام این اشخاصی که به ناحق در مملکت ما وارد شدند، به اینها خاتمه دهند و آنها را از کشورمان ان شاء الله به زودی اخراج کنند.<sup>۱</sup>

## ۷. نمونه‌های تاریخی

تاریخ اسلام نمونه‌های زیادی از پایداریها و رشادتهای مؤمنان را ثبت کرده است. در جنگهای صدر اسلام که نمونه حماسه آفرینی و از خود گذشتگی بوده پیامبر (ص) شجاعانه وارد صحنه کارزار می‌شد و بسان کوه از خود ایستادگی نشان می‌داد؛ تاجایی که علی (ع)، درباره آن حضرت فرمود:

كُنَّا إِذَا أَحْمَرَّ أَلْبَاسُ اتَّقَيْنَا بِرَسُولِ اللَّهِ (ص) فَلَمْ يَكُنْ أَحَدٌ مِنَّا أَقْرَبَ إِلَى الْعَدُوِّ مِنْهُ.<sup>۲</sup>

چون کارزار دشوار می‌شد، ما خود را به وسیله رسول خدا (ص) نگاه می‌داشتیم، چنان‌که هیچ یک از ما از وی به دشمن نزدیکتر نبود.

یکی از تاریخ‌نویسان درباره جنگ اُحد و سرسختی آن حضرت در این جنگ می‌نویسد: «پیامبر (ص) در روز اُحد سخت نبرد کرد. آن قدر تیراندازی کرد که تمام تیرهای آن حضرت تمام شد، و کمانش شکست، و زه او پاره شد.»<sup>۳</sup>

علی (ع) در تمامی جنگهای خود با دشمنان خدا چنان شجاعت، سرسختی و فداکاری از خود نشان داده است که در تاریخ بشر برای آن مصداقی وجود ندارد. خود آن حضرت در این باره می‌فرماید:

أَنَا وَضَعْتُ فِي الصَّغَرِ بِكَالِكِلِ الْعَرَبِ وَكَسَرْتُ نَوَاجِمَ قُرُونٍ رَبِيعَةً وَ مَضَرَ.<sup>۴</sup>

من در کوچکی، سینه‌های عرب را به زمین رساندم و شاخه‌های سربرآورده [دلبیان قبایله‌های] ربیعه و مضر را شکستم.

یکی از دانشمندان بزرگ شیعه درباره جنگ بدر می‌نویسد:

علی (ع) همین‌طور یکی پس از دیگری آنها (کافران و مشرکان) را می‌کشت؛ تا اینکه نیمی از کشتگان را که هفتاد نفر بودند، به تنهایی از بین برد...<sup>۵</sup>

۲. نهج البلاغه، حکمت ۲۵۲، ص ۱۲۱۰.

۴. نهج البلاغه، ص ۸۱۱.

۱. صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۱۸۵.

۳. کامل، ابن اثیر، ج ۲، ص ۱۵۷.

۵. ارشاد، شیخ مفید، ص ۳۹.

آن حضرت در سه جنگ دوران خلافت خویش نیز بعد از اتمام حجت با دشمن، و پیش از مغلوب ساختن حتمی آنان، با سرسختی تمام می‌جنگید؛ به‌طوری که در جنگ جمل، بیش از شش هزار نفر کشته شدند.<sup>۱</sup> در جنگ صفین، «لیلة الهیر»، شبی خاطره‌انگیز شد<sup>۲</sup> و در جنگ نهروان نیز حدود چهار هزار نفر از خوارج را از دم تیغ گذرانید.<sup>۳</sup>

در حماسه خونین عاشورا، حضرت سیدالشهدا(ع) و اصحاب ایشان هرگز در برابر دشمن خونخوار سستی به خرج ندادند و تا توان داشتند نیروهای کفر را از پای درآوردند. این روحیه حماسی و دشمن برانداز آنها در سخنان گهربارشان آشکار است.

امام حسین(ع)، هنگامی که بر قطعی بودن نبرد با اهریمنان واقف شد، روی به یاران خود نموده فرمود:

... من به همه شما اجازه رفتن دادم، پس، همه شما آزادانه بروید، و بیعتی از من به گردن شما نیست.<sup>۴</sup>

مسلم بن عوسجه، از دلیر مردان لشکر امام، از جا برخاسته عاشقانه می‌گوید:

... قسم به خدا! نیزه‌ام را در سینه‌هایشان خواهم کوفت. و شمشیرم را تا وقتی که دسته‌اش در دستم باشد، بر آنها خواهم زد، و اگر سلاحی نداشته باشم که با آنها بجنگم، با سنگ آنها را می‌زنم... به خدا سوگند! اگر کشته شده و سپس زنده شوم و آنگاه سوزانده شوم، پس از آن خاکستر مرا به باد دهند، و این کار را هفتاد بار با من انجام دهند، از تو جدا نخواهم شد...<sup>۵</sup>

یگانه پرچمدار کربلا، حضرت عباس(ع)، در برابر دشمن ناپاک، چون شیر می‌خروشید و رعد آسا به آن حرامیان کوردل یورش می‌برد. آنگاه که دست راستش را قطع کردند، گفت:

به خدا سوگند! اگر چه دست راست مرا قطع کردید، ولی همچنان از دینم و از امامی که یقین راستین دارد، و فرزند پیامبر پاک و امین است، حمایت خواهم کرد.<sup>۶</sup>

## ۸. دوستی و محبت

دوستی و محبت نسبت به دیگران یک استعداد فطری است که خدای تعالی در وجود هر انسانی قرار داده است، تا تمام افراد بشر در پرتو رحمت و عطف الهی و در صلح و آرامش با یکدیگر زندگی کنند.

۱. تاریخ طبری، ج ۴، ص ۵۴۵.  
 ۲. ر. ک. وقعة صفین، ص ۴۷۵-۴۷۹.  
 ۳. جاذبه و دافعه علی، شهید مطهری، ص ۱۴۹.  
 ۴. ارشاد، ص ۲۳۱.  
 ۵. بحارالانوار، ج ۴۲، ص ۳۹۳.  
 ۶. ناسخ التواریخ، ج ۲، ص ۳۴۵.

خدای متعال که سرچشمه زلال محبت و رحمت است، خطاب به پیامبر (ص) می‌فرماید:

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ. (انبیاء: ۱۰۷)

تو را جز رحمت برای جهانیان نفرستادیم.

در آیه‌ای دیگر نیز با تصریح بر لزوم رحمت و محبت، اهمیت آن را بیان می‌فرماید:

فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِظَ الْقَلْبُ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ... (آل عمران: ۱۵۹)

به موجب رحمت الهی تو بر آنها نرم دل شدی، و اگر تندخوی سخت‌دل بودی، از پیرامونت

پراکنده می‌شدند.

از آیات مزبور درمی‌یابیم که این رفتار محبت‌آمیز پیامبر (ص) بود که آنان را برگرد شمع

وجودش جمع کرد و از نعمت اسلام و هدایت الهی بهره‌مند شدند.

پیامبر (ص) با توجه به اهمیت محبت و نقش سازنده آن چنین می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ رَحِيمٌ حَبِيبٌ كُلِّ رَحِيمٍ.<sup>۱</sup>

همانا، خدای بزرگ مهربان است و هر مهربانی را دوست دارد.

## ۹. رأفت مؤمنان

از دیگر ویژگی‌های بارز و برجسته مؤمنان، دوستی و رأفت آنان با یکدیگر است که این خود

نشانه فطرت پاک و سالم و ایمان راستین آنان به خدای مهربان است.

قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

... إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا. (مریم: ۹۶)

آنان که ایمان آورده‌اند و کارهای نیک انجام داده‌اند، خدای بخشایگر برایشان دوستی و

محبت قرار می‌دهد.

در آیه‌ای دیگر با تأکید بیشتری بر رأفت مؤمنان با یکدیگر، می‌فرماید:

وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَ رَحْمَةً. (حدید: ۲۷)

و در دل پیروانش [پیروان حضرت مسیح] رأفت و رحمت نهادیم.

قرآن کریم درباره برادری مؤمنان می‌فرماید:

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ... (حجرات: ۱۰)

براستی که مؤمنان با یکدیگر برادر هستند.

امام صادق (ع) با عنایت به آیات مزبور و با توجه به اهمیت برادری و مهربانی در میان مسلمانان می‌فرماید:

تَوَاصَلُوا وَ تَبَارَّوْا وَ تَرَاحَّمُوا وَ كُونُوا إِخْوَةً بَرَّةً كَمَا أَمَرَكُمُ اللَّهُ.<sup>۱</sup>

با هم پیوند داشته باشید و به یکدیگر نیکی و مهربانی کنید و برادران خوبی برای هم باشید، چنانکه خداوند شما را به آن امر کرده است.

در پایان این درس سخنی از امام راحل (ره) را در این زمینه یادآور می‌شویم. آن عزیز سفر کرده فرمود:

برادرهای من اگر بخواهید آبرومند بشوید در دنیا و آخرت، و شرافتمند زندگی کنید، باید با قدرت و شدت در مقابل دیگران بایستید؛ و در بین خودتان رحیم و رؤوف و دوست باشید.<sup>۲</sup>

۲. صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۱۵۸.

۱. بحارالانوار، ج ۶۸ ص ۳۹۹.



درس سیزدهم

## دعا و نیایش و اهتمام به واجبات و مستحبات

### ۱. دعا و نیایش

دعای ریشه در فطرت آدمی دارد؛ چنان‌که اعتقاد به خدا و یگانگی او نیز امری فطری و وجدانی است:

وَلَّيْنُ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ. (زمر: ۳۸)

و اگر از آنها بپرسی: «چه کسی آسمانها و زمین را آفریده؟» حتماً می‌گویند: «خدا!»

قرآن کریم برای تبیین این مطلب، تشبیه جالبی به کار برده و انسانهایی را مثال می‌زند که سوار بر کشتی، در وسط دریا دچار طوفان سهمگین گردیده هیچ‌گونه منجی و پناهگاهی برای خویش نمی‌یابند. آنگاه است که از صمیم جان و باطن خویش متوجه خداوند شده او را می‌خوانند و نجات خویش را از او درخواست می‌کنند.

فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلِّ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ. (عنکبوت: ۶۵)

هنگامی که سوار بر کشتی شوند، خدا را با اخلاص می‌خوانند [و غیر او را فراموش می‌کنند].

### ۲. ارزش و اهمیت دعا در اسلام

«دعا» در فرهنگ اسلامی به کرات مطرح شده و بسیار مورد تأکید و توصیه قرار گرفته است. در

قرآن کریم می‌خوانیم:

وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ.<sup>۱</sup> (مؤمن: ۶۰)

و پروردگار شما گفته است: «مرا بخوانید تا [دعای] شما را بپذیرم!»

---

۱. البته امر به دعا در قرآن کریم تنها به همین آیه محدود نمی‌شود، و آیات بسیاری در این زمینه وجود دارد. ر. ک.:

اعراف (۷)، آیات ۲۹، ۵۵، ۵۶، ۱۸۰؛ اسراء (۱۷)، آیه ۱۱۰؛ مؤمن (۴۰)، آیات ۱۴، ۶۵؛ کهف (۱۸)، آیه ۲۸.

جالب تر آنکه به تصریح قرآن کریم اگر مردم خدا را نخوانند، خدا نیز به ایشان توجهی نخواهد نمود:

قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ. (فرقان: ۷۷)

بگو: «پروردگارم برای شما ارزشی قائل نیست، اگر دعای شما نباشد».

همچنین، قرآن کریم، کسانی را که با دعا سر و کار ندارند و خدا را نمی خوانند، جزو غافلان<sup>۱</sup> و متجاوزان<sup>۲</sup> شمرده و به ایشان وعده عذاب خوارکننده دوزخ را داده است.<sup>۳</sup>

رسول خدا (ص) در وصایای خود به امیر مؤمنان علی (ع) می فرماید:

يَا عَلِيُّ أَوْصِيكَ بِالْدُّعَاءِ.<sup>۴</sup>

امام صادق (ع) نیز می فرماید:

عَلَيْكُمْ بِالْدُّعَاءِ.<sup>۵</sup>

### ۳. نقش دعا در تکامل انسان

در میان اسباب و وسایلی که تقرّب انسان به درگاه الهی را موجب می شوند، دعا مهم ترین نقش را دارد. از این رو پروردگار متعال می فرماید:

وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ. (بقره: ۱۸۶).

هنگامی که بندگان من از تو درباره من سؤال کنند. [بگو:] من نزدیکم! دعای دعاکننده را به هنگامی که مرا می خواند، پاسخ می گویم! پس باید دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان بیاورند تا راه یابند و به مقصد برسند.

عبادت دامنه ای گسترده دارد و در قالبها و صورتهای گوناگونی تحقق می یابد، اما رسول خدا (ص) دعا را خالص ترین عبادت معرفی کرده می فرماید:

الدُّعَاءُ خُلُّ الْعِبَادَةِ.<sup>۶</sup>

دعا مغز و حقیقت عبادت است.

۲. همان، آیه ۵۵.

۱. اعراف (۷)، آیه ۲۰۵.

۴. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۰۸۸.

۳. مؤمن (۴۰)، آیه ۶۰.

۵. کافی، ج ۲، ص ۴۶۷.

۶. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۰۸۶. (کلمه مخ را در کتب لغت به معنای «خالص کل شیء» گرفته اند.)

چنانکه حضرت باقر(ع) نیز آن را بهترین عبادت می‌داند:

أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الدُّعَاءُ.<sup>۱</sup>

بهترین عبادت، دعا است.

نیروی تکامل بخشی دعا به حدی است که به برخی از مدارج کمال و قرب الهی، جز به وسیله دعا نمی‌توان رسید. امام صادق(ع) در این خصوص می‌فرماید:

إِنَّ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَنْزِلَةً لَا تُنَالُ إِلَّا بِمَسْأَلَةٍ.<sup>۲</sup>

همانا نزد خداوند عزّ و جل منزلت و مقامی است که جز به وسیله دعا بدان نمی‌توان رسید.

#### ۴. تأثیر دعا در جلب امدادهای غیبی

از برکات ارزشمند دعا تأثیر آن در جلب امدادهای غیبی است. این لطف الهی در همه صحنه‌های زندگی بشر زمینه ظهور و بروز دارد اما هنگام هجوم سختی‌ها و مشکلات، مانند میدانهای جنگ و هنگام رویارویی نیروهای حق و باطل، بیشتر مشاهده می‌شود. در قرآن کریم می‌خوانیم:

كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ. (بقره: ۲۴۹)

چه بسیار گروههای کوچکی که به فرمان خدا بر گروههای عظیمی پیروز شدند.

چنانکه می‌دانیم، در جنگ بدر مسلمانان با تجهیزات اندک، روی در روی سپاهی مجهز از مشرکان مکه قرار گرفتند و توانستند با کمک و امداد الهی و پایداری و از جان گذشتگی خویش بر آنان پیروز گردند.

قرآن کریم دعا و نیایش مسلمانان را علت اصلی شتافتن فرشتگان به یاری آنها دانسته و بدین وسیله تأثیر عمیق دعا را در جلب امدادهای غیبی الهی به روشنی بیان می‌کند:

إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ. (انفال: ۹)

[به خاطر بیاورید] زمانی را که [از شدت ناراحتی در میدان بدر] از پروردگارتان کمک می‌خواستید و او خواسته شما را پذیرفت [و گفت: من شما را با هزار از فرشتگان، که پشت سر هم فرود می‌آیند، یاری می‌کنم].

چنانکه در برخی روایات نقل شده، شخص رسول خدا(ص) نیز در این دعا با مسلمانان

همراهی نموده است. آن حضرت وقتی کثرت افراد دشمن، امکانات و ادوات جنگی آنان و کمی یاران خود و تجهیزات ایشان را می بیند رو به قبله می ایستد، دستها را به سوی آسمان بالا می برد و به درگاه با عظمت ربوبی عرضه می دارد:

اللَّهُمَّ اخْزِ لِي مَا وَعَدْتَنِي؛ اللَّهُمَّ إِنَّ تَهْلِكَ هَذِهِ الْعِصَابَةُ لَا تُعْبِدُ فِي الْأَرْضِ.

خداوند! آنچه به من وعده فرمودی، به آن وفا کن! خدایا اگر این گروه اندک (یاران من) نابود شوند، در زمین عبادت نخواهی شد. [کنایه از اینکه اکنون در تمام سطح زمین تنها همین گروه تو را می پرستند و فراهم کنندگان زمینه پرستش تو در آینده نیز همین ها هستند.] و آن قدر به دعا و تضرع ادامه داد که عبای آن حضرت از دوشش افتاد.<sup>۱</sup>

امدادهای غیبی الهی که در اثر دعا نصیب مسلمین شده به جنگ بدر و پیکارهای سرنوشت ساز صدر اسلام اختصاص ندارد و در فرازهای حساس تاریخ اسلام به طور مکرر پدیدار گشته است.

آنچه برای ما بیش از همه نمونه های دیگر، عینی و مشهود است، عنایتها و امدادهای ویژه ای است که در طول عمر انقلاب شامل حال انقلاب اسلامی و امت مسلمان ایران شده است. در این مدت دسیسه ها و توطئه های خطرناکی از سوی دشمنان اسلام برای نابودی، رکود و انحراف این انقلاب طرح ریزی و اجرا گردیده است؛ توطئه های عظیمی که چه بسا ممکن بود یکی از آنها برای نابودی یک نظام حکومتی نیرومند کفایت کند؛ لیکن به حول و قوه الهی و در پرتو دعاهای خالصانه امت خداجوی ایران اسلامی همه این دسیسه ها و ترفندها نقش بر آب شد. یکی از مهمترین توطئه های دشمنان اسلام تحمیل جنگ بود. آنان طبق محاسبات مادی خود پنداشته بودند که با این کار خواهند توانست ایران اسلامی را به زانو در آورند و انقلاب را نابود سازند. در حالی که روح دعا و معنویت حاکم بر ملت شرافتمند ایران، به کمک رزمندگان کفر ستیز اسلام آمد و این توطئه خطرناک را در هم شکست.

## ۵. اهتمام به واجبات و مستحبات

واجبات و مستحبات دستورالعملهایی هستند که خداوند برای سعادت افراد بشر مشخص فرموده و به وسیله پیامبران به مردم ابلاغ کرده است؛ چنان که رسول خدا می فرماید:

۱. جوامع الجامع، امین الاسلام طبرسی، ج ۲، ص ۶

... مَا مِنْ عَمَلٍ يُقَرَّبُكُمْ مِنَ النَّارِ إِلَّا وَقَدْ نَبَأْتُكُمْ بِهِ وَنَهَيْتُكُمْ عَنْهُ وَ مَا مِنْ عَمَلٍ يُقَرَّبُكُمْ إِلَى الْجَنَّةِ إِلَّا وَقَدْ نَبَأْتُكُمْ بِهِ وَأَمَرْتُكُمْ بِهِ.<sup>۱</sup>

هیچ عملی نیست که شما را به آتش نزدیک می‌کند جز اینکه شما را به آن خبر داده از آن نهی کردم و هیچ عملی نیست که سبب نزدیکی شما به بهشت شود، جز اینکه شما را از آن خبر دادم و به آن امرتان کردم.

بنابراین هر عملی که مایهٔ سعادت‌مندی انسان است، به او معرفی و از او خواسته شده که آن را انجام دهد. حال یا به صورت امر الزامی و واجب از انسان خواسته شده و یا غیر الزامی و مستحب. در هر حال، این دستورالعملها برای دستیابی به سعادت نقش مهمی دارند.

## ۶. اهمیت واجبات و نقش مستحبات در تکمیل واجبات

امام صادق (ع) دربارهٔ اهمیت انجام واجبات می‌فرماید: خداوند تبارک و تعالی فرمود:

مَا تَحَبَّبَ إِلَى عَبْدِي بِأَحَبِّ مِمَّا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ.<sup>۲</sup>

بنده‌ام به چیزی محبوب‌تر از آنچه بر او واجب کرده‌ام، به من تقرب نمی‌جوید.

همچنین امام سجاد (ع) می‌فرماید:

مَنْ عَمِلَ بِمَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ فَهُوَ مِنْ خَيْرِ النَّاسِ.<sup>۳</sup>

هر کس به واجبات عمل نماید، از بهترین مردم است.

مستحبات نیز هم موجب تقرب بیشتر انسان به خدا می‌شود و هم واجبات را در برابر گردبادهای سستی و سهل‌انگاری حفاظت کرده، نواقص آنها را جبران می‌کند؛ چنان که امام باقر (ع) می‌فرماید:

إِنَّمَا جُعِلَتِ النَّافِلَةُ لِيُتِمَّ بِهَا مَا يَفْسُدُ مِنَ الْفَرِيضَةِ.<sup>۴</sup>

نافله برای این قرار داده شده که نواقص فریضه به واسطهٔ آن جبران شود.

## ۷. چگونگی اهتمام

مسألهٔ اهتمام به امور واجب و مستحب در دو محور فردی و اجتماعی قابل بررسی است:

۱. بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۱۴۵.

۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۶۶.

۳. همان.

۴. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۳۱.

**الف. فردی**

در اسلام پاره‌ای از دستورالعملهاست که به تک تک افراد مربوط می‌شود و انسانها یا به‌طور الزامی (واجب) مکلف به انجام آن اعمالند، مانند نماز، روزه، حج و... یا به‌طور غیر الزامی (مستحب) که برخی از آنها عبارت است از:

۱. **نظم در واجبات:** اسلام برای نظم و برنامه‌ریزی در کارهای فردی و اجتماعی اهمیت ویژه‌ای قائل شده است؛ تا آنجا که حضرت امیر المؤمنین (ع) در بستر شهادت به دو فرزند خود، امام حسن و حسین (ع) فرمود:

أَوْصِيكُمْ وَ جَمِيعَ وُلْدِي وَ أَهْلِي وَ مَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي بِتَقْوَى اللَّهِ وَ نَظْمِ أَمْرِكُمْ.<sup>۱</sup>

شما و همه فرزندانم و کسانم و آن‌را که نامه‌ام به او رسد، به ترس از خدا و نظم در کارها سفارش می‌کنم.

۲. **حفظ شرایط و اجزاء:** به‌جا آوردن واجبات به شکلی صحیح و بر طبق دستور شرع از دیگر موارد اهتمام به واجبات است. از این رو، اگر شرایط آن عبادت را رعایت نکنیم، مثلاً چیزی بر اجزای آن عبادت بیفزاییم، یا کم کنیم، چه‌بسا موجب بطلان آن عبادت شود. راجع به این موارد در رساله‌های عملیه به تفصیل سخن به میان آمده است.

۳. **حضور قلب:** خضوع و خشوع و حضور قلب در برابر خداوند بزرگ در ادای واجبات از دیگر مصادیق بارز اهتمام شمرده شده است.

رسول گرامی اسلام (ص) می‌فرماید:

لَا تَلْتَفِتُوا فِي صَلَاتِكُمْ فَإِنَّهُ لَا صَلَاةَ لِمَلَّتْ...<sup>۲</sup>

در نمازتان به غیر خدا توجه نکنید؛ زیرا برای کسی که به غیر خدا توجه دارد، نماز [کامل] نیست.

**ب. اجتماعی**

پاره‌ای دیگر از دستورالعملها در اسلام وجود دارند و شایسته است مسلمانان به این دستورالعملها عنایت ویژه‌ای داشته باشند و در برپایی آن به بهترین وجه ممکن اهتمام ورزند. موارد زیر از جمله مهمترین دستورالعملهای اجتماعی است:

۱. نهج البلاغه، نامه ۴۷، ص ۹۷۷.

۲. بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۲۱۱.

### ۱. پیروی از ولی فقیه

از آنجا که ولی فقیه، ولایتش شعبه‌ای از ولایت خدا و رسول است، پیروی از او نیز بر همگان واجب خواهد بود. اگر کسی از دستورهای «ولی فقیه» اطاعت نکرد، از دستورات خدا و رسول اطاعت نکرده و از فرامین آنها سر باز زده است. چنان که امام صادق (ع) می‌فرماید:

... فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ حَاكِمًا فَإِذَا حَكَمَ بِحُكْمِنَا فَلَمْ يَقْبَلْهُ مِنْهُ فَإِنَّمَا اسْتَحَفَّ بِحُكْمِ اللَّهِ وَعَلَيْنَا رَدٌّ وَ الرُّادُّ عَلَيْنَا الرُّادُّ عَلَى اللَّهِ وَ هُوَ عَلَى حَدِّ الشَّرْكِ بِاللَّهِ.<sup>۱</sup>

من چنین فردی [فقیه جامع‌الشرایط] را بر شما حاکم کردم. پس اگر او طبق دستور ما حکم داد و کسی آن را نپذیرفت، حکم خدا را سبک شمرده و ما را رد کرده است و آن کسی که ما را رد کند، خدا را رد کرده و این در حدّ شرک به خداست.

### ۲. رعایت مقررات اجتماعی

رعایت قوانین و مقرراتی که برای حفظ نظام جامعه، دوری از هرج و مرج و گسترش عدالت اجتماعی به وسیله حکومت و دولت اسلامی وضع می‌شوند، بر همگان لازم است. از آنجا که این‌گونه مقررات از امور عقلایی هستند و برای جامعه ضرورت دارند، مورد تأیید شرع نیز خواهد بود. از این رو، گردن نهادن به مقررات اجتماعی و جوب شرعی نیز پیدا خواهد کرد. بر این اساس امام خمینی (ره) مقررات دولتی را لازم و تخلف از آن را غیر مجاز می‌داند.<sup>۲</sup>

### ۳. نظارت همگانی

یکی دیگر از امور مهم اجتماعی اسلام، اصل نظارت همگانی است و مسلمانان موظفند با امر به معروف و نهی از منکر به مسؤولیت شرعی، انقلابی و سیاسی خود عمل نمایند. خداوند سبحان این دو فریضه بزرگ را واجب کرده می‌فرماید:

وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ. (آل عمران: ۱۰۴)

باید از شما گروهی باشند که دعوت به نیکی و امر به خوبی و نهی از بدی کنند و آنان همان رستگارانند.

در آیه‌ای دیگر امت اسلامی را به این دو فضیلت انسانی ستوده می‌فرماید:

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۹۹.

۲. ر. ک. به استفتائات از محضر امام خمینی (ره)، ج ۲، ص ۳۷-۶۲.

كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ. (آل عمران: ۱۱۰)

شما بهترین امتی بودید که برای مردم ظاهر شده است؛ (زیرا) امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید.

کسی که نسبت به سرنوشت اجتماع و ارزشهای اسلامی حساسیتی نشان ندهد، حیات معنوی و سعادت حقیقی خود را از دست داده است. حضرت علی (ع) می‌فرماید:

مَنْ تَرَكَ انْكَارَ الْمُنْكَرِ بِقَلْبِهِ وَ يَدِهِ وَ لِسَانِهِ، فَهُوَ مَيِّتٌ بَيْنَ الْأَحْيَاءِ.<sup>۱</sup>

کسی که نهی از منکر را به وسیله قلب، زبان و دستش ترک کند، مرده‌ای [در] میان زندگان است.

#### ۴. برپایی جمعه و جماعات

در اسلام بر شرکت در نمازهای جمعه و جماعت نیز تأکید شده و اهتمام به این دو فریضه مهم ملاک تشخیص صلاحیت افراد دانسته شده است. امام صادق (ع) می‌فرماید:

نماز جماعت و اجتماع بدین سبب نهاده شده که نماگزار از بی‌نماز باز شناخته شود... و اگر جماعت نبود، امکان نداشت کسی به صلاحیت دیگری گواهی دهد؛ زیرا آن کس که نماز جماعت نمی‌خواند، در نزد مسلمانان بی‌نماز محسوب می‌شود؛ چرا که پیامبر (ص) فرموده است: کسی که بدون عذر، با مسلمانان در مسجد نماز نگذارد، در واقع بی‌نماز است.<sup>۲</sup>

همین‌طور آن حضرت در اهمیت شرکت در نماز جمعه می‌فرماید:

بهر کس که سه جمعه متوالی بدون عذر نماز جمعه را ترک نماید در زمره منافقین محسوب می‌شود.<sup>۳</sup>

#### ۵. احترام به حقوق دیگران

در فرهنگ اسلام، بر لزوم رعایت حق دیگران بسیار تأکید شده است. احترام به حقوق مردم در همه زمینه‌ها و به شکل عمومی و فراگیر از اصول شریعت اسلامی است و عظمت و اهمیت مراعات حقوق مردم از مرز حقوق الهی نیز فراتر رفته و در سخن امیر مؤمنان (ع) نیز حتی مقدم بر آن شمرده شده است:

۲. همان، ج ۵، ص ۳۷۷.

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۰۴.

۳. ر. ک. بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۱۸۴.



جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ حُقُوقَ عِبَادِهِ مُقَدَّمَةً لِحُقُوقِهِ، فَمَنْ قَامَ بِحُقُوقِ عِبَادِ اللَّهِ كَانَ ذَلِكَ مُؤَدِّيًّا إِلَى الْقِيَامِ بِحُقُوقِ اللَّهِ.<sup>۱</sup>

خداوند سبحان حقوق بندگانش را بر حقوق خویش مقدم داشته است؛ هر کس به حقوق بندگان خدا قیام کند، چنین کاری به قیام حقوق الهی خواهد انجامید.

همچنین امام صادق (ع) در اهمیت رعایت حقوق هموعان می‌فرماید:

مَا عُبِدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ أَدَاءِ حَقِّ الْمُؤْمِنِ.<sup>۲</sup>

خداوند با چیزی برتر از ادای حق مؤمن پرستش نشده است.

۱. شرح غررالحکم، ج ۳، ص ۳۷۰.

۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۳۶.

درس چهاردهم

## توسل به اهل بیت (ع) و انس با قرآن

### ۱. معنای توسل

هر چه راکه به سبب آن امکان دسترسی یا نزدیک شدن به چیز دیگر فراهم می آید، «وسیله» می گویند و توسل به معنای اتخاذ وسیله است برای نزدیک شدن به چیزی یا دست یافتن به مقصدی.<sup>۱</sup> به عنوان مثال وقتی شخصی تشنه برای رفع عطش خود به سراغ آب می رود، آب برای او «وسیله» ای است که او را به مقصد «رفع تشنگی» می رساند و رفتن او به سراغ آب برای رسیدن به هدف مزبور، نوعی «توسل» محسوب می شود.

خداوند متعال در قرآن کریم، ضرورت اتخاذ «وسیله» برای رسیدن بندگان به کمال معنوی و رستگاری دائمی را چنین تبیین فرموده است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ. (مائده: ۳۵)

ای کسانی که ایمان آورده اید، از [مخالفت فرمان] خدا بپرهیزید و وسیله ای برای تقرب به او بجوئید و در راه خدا جهاد کنید؛ باشد که رستگار شوید.

### ۲. گستره وسایل معنوی

وسایلی که انسان می تواند با آنها به درگاه الهی تقرب جوید و به کمک آنها موانع تکامل را از سر راه خویش بردارد، فراوانند. به طور کلی هر چه مورد رضای خدا باشد، اعم از ایمان به خدا و پیامبر، جهاد در راه خدا، عباداتی از قبیل نماز، زکات، روزه، حج، صلۀ رحم، انفاق در راه خدا و خلاصه هر کار خیری می تواند وسیله تکامل و تقرب واقع شود.

---

۱. لسان العرب، ج ۱۱، ص ۷۲۴.

حضرت علی(ع) در تبیین گستره وسایل می‌فرماید:

برترین وسایلی که جویندگان قرب الهی می‌توانند به آن تمسک جویند عبارت است از: تصدیق و اعتراف به یگانگی خدا و رسالت فرستاده او؛ جهاد در راه خدا که موجب سربلندی اسلام است؛ کلمه اخلاص (لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ) که مقتضای فطرت است؛ بر پا داشتن نماز که نشانه شریعت دین اسلام است؛ پرداخت زکات که قدر معینی است و پرداخت آن واجب است؛ روزه ماه مبارک رمضان که سپری از عذاب دوزخ است؛ حج و عمره خانه خدا که موجب از بین رفتن و شستن روح از پلیدی گناه است؛ صلۀ رحم که ثروت را می‌افزاید و عمر انسان را زیاد می‌کند؛ صدقه پنهان که گناه را می‌پوشاند؛ صدقه آشکار که مرگ بد را دفع می‌کند و سرانجام به جا آوردن هر کار خوب و پسندیده دیگر که انسان را از فروافتادن در دامان ذلتها و بدبختیها نگاه می‌دارد....<sup>۱</sup>

### ۳. توسل به انسانهای برگزیده و برتر

از وسایلی که در پیمودن راه قرب الهی و سیر و سلوک معنوی نقش مؤثری دارد، استفاده از شفاعت پیامبران، امامان و بندگان صالح خدا و توسل به دامان عنایات آن بزرگواران است. در قرآن کریم آمده است که وقتی برادران حضرت یوسف(ع) از ستمی که در حق او روا داشته بودند، پشیمان شدند، به پدرشان حضرت یعقوب(ع) متوسل گشتند و از او تقاضای شفاعت و استغفار در پیشگاه خدا کردند و او نیز این تقاضا را پذیرفت:

قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ ۝ قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ. (یوسف: ۹۷-۹۸)

گفتند: «پدر! از خدا آمرزش گناهان ما را بخواه! که ما خطاکار بودیم. گفت: «به زودی برای شما از پروردگارم آمرزش می‌طلبم؛ که او آمرزنده و مهربان است.»

همچنین قرآن کریم به کسانی که به نفس خویش ستم کرده و مرتکب معصیت خداوند شده‌اند، می‌آموزد که چنانچه خدمت رسول خدا(ص) شرفیاب شوند و ایشان را نزد خدا شفیع قرار دهند، خداوند از گناه ایشان در می‌گذرد و آنان را می‌آمرزد:

وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا. (نساء: ۶۴)

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۰۹، ص ۳۳۸.

و اگر آنها هنگامی که به خود ستم کردند، به نزد تو می‌آمدند و از خدا طلب آمرزش می‌کردند و پیامبر هم برای آنها استغفار می‌کرد، خدا را توبه پذیر و مهربان می‌یافتند. از حضرت علی (ع) نیز نقل شده که در تفسیر آیه شریفه «وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» فرمود:

أَنَا وَسِيلَتُهُ<sup>۱</sup>.

من «وسیله خدا» هستم.

همچنین حضرت زهرا (س) در خطبه معروف خود می‌فرماید:

وَاحْمَدُوا اللَّهَ الَّذِي لِعَظَمَتِهِ وَنُورِهِ يَتَّبَعِي مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَيْهِ الْوَسِيلَةُ؛ وَنَحْنُ وَسِيلَتُهُ فِي خَلْقِهِ<sup>۲</sup>.

خدایی راستایش کنید که عظمت و نورش ایجاب می‌کند تا اهل آسمانها و زمین [برای نزدیک شدن به او] وسیله بجویند و ما وسیله او در میان خلقتش هستیم.

#### ۴. تأثیر ارتباط با اهل بیت (ع) بر رشد اخلاقی افراد

انسان موجودی اجتماعی و الگوپذیر است. او در اثر معاشرت با هموعان خود تحت تأثیر اخلاق، افکار، روحیات و اعمال آنان قرار می‌گیرد. قرآن کریم به مسلمانها توصیه می‌کند که در پیمودن مدارج کمال و برخورد با مسائل گوناگون زندگی دنیا و آخرت خویش به برجسته‌ترین نمونه انسان کامل، حضرت محمد بن عبدالله (ص) تأسی بجویند و از ایشان الگو بگیرند:

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ. (احزاب: ۲۱)

مسلمانان برای شما در [سنت] رسول خدا (ص) سرمشق نیکویی است.

در دو جای دیگر نیز حضرت ابراهیم (ع)<sup>۳</sup> و پیروان آن حضرت<sup>۴</sup> به عنوان الگو و سرمشق معرفی شده‌اند.

#### ۵. توسل به معصومین (ع)، شرط سلوک الی الله

چنان‌که ذکر شد، وسایل گوناگونی می‌توانند در تهذیب نفس و سیر و سلوک انسان به سوی خالق هستی مؤثر باشند. پذیرفتن ولایت ائمه معصوم (ع) و توسل به آن بزرگواران در میان همه وسایل از جایگاه و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۱. تفسیر المیزان، ج ۵، ص ۳۳۳. ۲. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱۶، ص ۲۱۱.

۳. ممتحنه (۶۰)، آیه ۴. ۴. همان، آیه ۶.

از رسول خدا(ص) نقل شده که در شب معراج وقتی سخن از شرافت انوار خمسه طیبیه (محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین)(ع) به میان آمد، خدا فرمود:

يَا مُحَمَّدُ! وَ عِزِّي وَ جَلَالِي لَوْ أَنَّ عَبْدًا عَبْدَنِي حَتَّى يَنْقُطَعَ أَوْ يَصِيرَ كَالشَّنِّ الْبَالِي ثُمَّ أَتَانِي جَاحِدًا لَوْلَايَتِهِمْ لَمْ أَذْخُلْهُ جَنَّتِي وَلَا أَظْلَلْتُهُ تَحْتَ عَرْشِي.<sup>۱</sup>

ای محمد(ص)! به عزّت و جلالم سوگند! اگر بنده‌ای مرا چندان بپرستد که از پا درآید، یا همچون مشک کهنه و پوسیده‌ای نحیف و لاغر گردد، آنگاه به سوی من آید، در حالی که ولایت ایشان را منکر باشد، من او را در بهشت خود داخل نمی‌کنم و در سایه عرش خود پناهش نمی‌دهم.

فردی به نام میسر نیز می‌گوید: خدمت مولایم امام صادق(ع) رسیدم و عرض کردم: فدایت شوم، همسایه‌ای دارم که شبها با صدای تلاوت قرآن او از خواب بیدار می‌شوم و گاهی او را در حال تلاوت گریان می‌بینم. چنانکه دستگیرم شده، از گناهان نیز پرهیز می‌کند. امام(ع) پرسید: آیا از آنچه شما بر آن هستید (ولایت ما اهل بیت) آگاهی دارد؟ عرض کردم خدا می‌داند. در سفر دیگری که خدمت امام(ع) رسیدم باز هم سخن همان مرد را به میان آوردم. این بار نیز امام(ع) همان سؤال را تکرار فرمود. براساس تحقیقی که کرده بودم، پاسخ دادم: خیر! حضرت فرمود: ای میسر! کدام یک از بقعه‌ها و قطعات زمین حرمت بیشتر و بزرگتری دارد؟ عرض کردم: خدا و رسول خدا و فرزند رسول خدا داناترند. حضرت فرمود: ای میسر! میان رکن و مقام (در مسجدالحرام) باغی از باغهای بهشت است و میان قبر و منبر (در مسجدالنبی(ص)) باغی از باغهای بهشت است و اگر خدا به بنده‌ای هزار سال عمر دهد که بین رکن و مقام و قبر و منبر، او را عبادت کند و سرانجام نیز مظلومانه همچون گوسفندی کشته شود در حالی که بدون ولایت ما خدا را ملاقات کند، بر خداست که او را به رو در آتش دوزخ بیفکند.<sup>۲</sup>

## ۶. انس با قرآن

قرآن مجید تنها سند ارتباط خدا با بشر در چارچوب وحی است. قرآن آبشار جان بخش و روح‌افزایی است که از عالم ملکوت نازل شده تا دل‌های تفتیده انسانهای با تقوا را سیراب و بارور سازد. نسخه شفابخشی است از حکیمی حاذق و صادق تا دردهای کهنه و کشنده روحی بشر را مداوا کند و به تعبیر امیر مؤمنان(ع):

۱. بحارالانوار، ج ۲۶، ص ۳۰۸.

۲. همان، ج ۲۷، ص ۱۷۹ - ۱۸۰.

کتابی است با برونی شگفت و درونی ژرف که شگفتی‌هایش پایان ندارد و نوآوری‌هایش فناپذیر نیست.<sup>۱</sup>

از سوی دیگر پیامبر و امامان (ع) مفسران و شارحان واقعی قرآنند که به عنوان «اسوه حسنه» و بهترین و زیباترین الگوی انسان معرفی شده‌اند. انس به معنای طمأنینه، خو گرفتن به چیزی و الفت داشتن است.<sup>۲</sup>

رهبران معصوم (ع) قرآن را مونس جان خود می‌دانستند و با وجود آن از هیچ چیز بیم نداشتند. حضرت سجاد (ع) می‌فرماید:

لَوْ مَاتَ مَنْ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَمَا اسْتَوْحِشْتُ بَعْدَ أَنْ يَكُونَ الْقُرْآنُ مَعِيَ.<sup>۳</sup>

اگر همه اهل زمین بمیرند، اگر قرآن با من باشد، هیچ وحشتی نخواهیم داشت.

## ۷. عشق به قرآن

کلام معشوق نزد عاشق بسیار شیرین، شنیدنی و خواندنی است. پیامبر و امامان (ع) عاشقان واقعی خدا بودند و از لابلای آیه‌هایش آفریننده را جست و جو می‌کردند و با هر آیتی قدمی به جانب یار نزدیکتر می‌شدند. چرا که قرآن را مظهر تجلی یار می‌دانستند و بر این اعتقاد بودند که:

فَتَجَلَّى لَهُمْ سُبْحَانَهُ فِي كِتَابِهِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَكُونُوا رَأَوْهُ.<sup>۴</sup>

خدای سبحان در کتاب خویش [قرآن]، بی‌آنکه او را ببینند، برای بندگان تجلی کرد.

امیر مؤمنان (ع) می‌فرماید:

رسول خدا (ص) سوره «اعلی» را دوست می‌داشت.<sup>۵</sup>

سخن مزبور بدین معناست که اشتیاق آن حضرت به این سوره، بروز و نمود بیشتری داشته است. ابن عباس می‌گوید:

روزی پیامبر (ص) به من فرمود: برایم قرآن بخوان! من هم شروع به تلاوت سوره «نساء» کردم، تا اینکه به آیه «فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ...» (نساء: ۴۱) رسیدم، که در این هنگام چشمان آن بزرگوار پر از اشک شد و فرمود فعلاً بس است.<sup>۶</sup>

۱. وَإِنَّ الْقُرْآنَ ظَاهِرُهُ أَنْبَقُ وَبَاطِنُهُ عَمِيقٌ لَا تَغْنَى عَجَائِبُهُ وَلَا تَقْضِي غَرَائِبُهُ... (نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه ۱۸).

۲. لسان العرب، این منظور و فرهنگ دهخدا. ۳. اصول کافی، ج ۲، ص ۴۴۰، اسلامیه.

۴. نهج البلاغه، خطبه ۱۴۷، با استفاده از ترجمه دکتر شهیدی.

۵. سنن النبی، طباطبائی، ص ۳۰۹. ۶. بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۲۱۶.

## ۸. تقدیس قرآن

خداوند درباره قرآن می‌فرماید:

لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ. (فُصِّلَتْ: ۴۲)

نه از پیش روی قرآن باطل راه یابد و نه از پس آن، [چراکه] از جانب خداوندی حکیم و ستودنی نازل شده است.

همچنین خداوند برای این کتاب مقدس حریم و قداست قائل شده و فرموده است:

لَا يَسُبُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ. (واقعه: ۷۹)

علامه طباطبایی(ره) در تفسیر این آیه می‌نویسد:

کلام در سیاق بزرگداشت امر قرآن است. می‌خواهد قرآن را تجلیل کند و از همین جا می‌فهمیم که منظور از مس قرآن دست‌کشیدن به خطوط آن نیست<sup>۱</sup> بلکه علم به معارف آن است که جز پاکان خلق، کسی به معارف آن عالم نمی‌شود... و منظور از مطهرون کسانی هستند که خدای تعالی دل‌هایشان را از هر رجس و پلیدی، یعنی از رجس گناهان و پلیدی ذنوب پاک کرده...<sup>۲</sup>

نتیجه اینکه قرآن کتاب حقی است که هرگز باطل بدان راه نمی‌یابد و کتاب مقدسی است که جز پاکان و وارستگان از پلیدی ظاهری و باطنی، به حریم مقدسش هدایت نمی‌شوند. بنابراین، وظیفه هر مسلمانی است که حریم و قداست کتاب خدا را پاس دارد. پیامبر و ائمه(ع) بیش از دیگران به چنین وظیفه خطیر آگاه بودند و به آن عمل می‌کردند و در سخن و سیره خویش به تجلیل و تقدیس قرآن می‌پرداختند.

رسول اکرم(ص) می‌فرماید:

فَضْلُ الْقُرْآنِ عَلَى سَائِرِ الْكَلَامِ كَفَضْلِ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ.<sup>۳</sup>

برتری قرآن بر سخنهای دیگر، همچون برتری خدا بر آفریدگان اوست.

حضرت صادق(ع) از پیامبر(ص) نقل کرده که آن حضرت به مردم فرمود:

راه قرآن را تمیز نمایید. گفتند: راه قرآن کدام است؟ فرمود: دهان‌هایتان. پرسیدند: چگونه؟ پاسخ داد: با مسواک زدن.<sup>۴</sup>

۱. هر چند آن هم بدون طهارت ممنوع است. ۲. المیزان، ترجمه موسوی همدانی، ج ۱۹، ص ۲۳۸.

۳. همان، ص ۲۱۳.

۴. بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۱۹.

پیامبر به جهت نگاه داشتن احترام قرآن، در زمانی که بدنش نیاز به غسل داشت، قرآن نمی‌خواند.<sup>۱</sup>

## ۹. تلاوت و حفظ قرآن

خداوند به پیامبر (ص) و پیروان آن حضرت این چنین امر می‌کند:

وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً. (مزل: ۴)

قرآن را شمرده و روشن بخوان.

فَاقْرَأْ مَا تيسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ. (مزل: ۲۰)

هر قدر میسر است از قرآن بخوانید.

از این رو پیامبر (ص) و امامان (ع) علاوه بر اینکه خود قرآن را از حفظ داشتند و نیکو و فراوان تلاوت می‌کردند، اصرار داشتند که پیروانشان نیز قرآن را زیبا و زیاد تلاوت کنند. امام باقر (ع) می‌فرماید:

رسول اکرم (ص) خوش‌ترین صوت قرآن را داشت.<sup>۲</sup>

حضرت صادق (ع) می‌فرماید:

امام سجاد (ع) صوتی بس زیبا داشت و هنگام قرائت قرآن افرادی در برابر منزلش اجتماع

می‌کردند تا از قرائتش لذت برند. پدرم نیز در زمان خود، زیباترین صوت را داشت.<sup>۳</sup>

معصومین (ع) برای زندگی خویش، برنامه‌ای دقیق و حساب شده داشته‌اند و از اوقات شبانه‌روزی خود، مدتی را به قرائت قرآن اختصاص می‌دادند، که البته به تناسب زمان و موقعیت سیاسی اجتماعی ایشان در نوسان بود؛ به عنوان مثال حضرت رضا (ع) قرآن را در سه روز ختم می‌کرد.<sup>۴</sup> دعبل خزاعی - شاعر متعهد و حماسی - خدمت حضرت رضا (ع) رسید و قصیده‌ای شیوا و غزادر فضیلت و حقانیت اهل بیت (ع) سرود، امام پیراهن خویش را بدو بخشید و ضمن آن فرمود:

از این پیراهن به خوبی نگهداری کن! که در آن هزار شب و هر شبی هزار رکعت نماز

گزارده‌ام و هزار بار نیز قرآن را ختم کرده‌ام.<sup>۵</sup>

۱. سنن النبی، ص ۳۰۸.

۲. سنن النبی، ص ۳۱۱.

۳. اصول کافی، ج ۲، ص ۶۱۶.

۴. مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۳۶۰.

۵. ائمتنا، دخیل، ج ۲، ص ۸۵ به نقل از اعیان الشیعه.



## ۱۰. در خلوت راز

شب شاهد مناجاتهای عاشقانه و قرائت عارفانه ائمه معصوم(ع) بوده و هست. آن پاکان بی نظیر در دل شب، که چشم نامحرمان می غنود، به راز و نیاز با محبوب برمی خاستند و آیه های روح افزای کتابش را ترنم می کردند.

رسول اکرم(ص) همیشه پیش از خواب مسبّحات را قرائت می کرد.<sup>۱</sup> جابر می گوید: رسول خدا(ص) نمی خوابید مگر این که سوره «سجده» و «ملک» را تلاوت می کرد.<sup>۲</sup> درباره حضرت رضا(ع) نیز نوشته اند:

ساعتها در بستر خود قرآن تلاوت می کرد و با قرائت آیه هایی که از بهشت و دوزخ خبر می دهند، سخت می گریست و از دوزخ به خدا پناه می برد و از او بهشت می طلبید.<sup>۳</sup> شبی که مزدوران متوکل عباسی به منزل امام هادی(ع) هجوم بردند، آن حضرت را در اتاقی تنها یافتند که لباسی پشمین به تن داشت و روی ریگهای کف اتاق نشسته، محو جمال حق بود و آیه های وعد و وعید را ترنم می کرد.<sup>۴</sup> حضرت امام سجاد(ع) نیز وقتی به آیه «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» می رسید، آنقدر آن را تکرار می کرد که نزدیک بود روح از پیکرش جدا شود.<sup>۵</sup> احاطه معصومین(ع) به قرآن و استناد به آن در هر مطلب و موقعیتی، گویای این مطلب است که آنها حافظ قرآن بودند.

۱. سنن النبی، ص ۳۰۹ (مسبّحات سوره هایی است که اول آنها سَبَّحَ، یُسَبِّحُ یا سَبَّحَ دارد).

۲. همان. ۳. ائمتنا، ج ۲، ص ۸۴، به نقل از اعیان الشیعه.

۴. همان، ص ۲۱۷، به نقل از اعیان الشیعه. ۵. اصول کافی، ج ۲، ص ۶۰۲.

## درس پانزدهم

### شب زنده‌داری و ذکر خدا

#### ۱. شب زنده‌داری

واژه «شب» در فرهنگ و معارف اسلامی از ارزش و قداست ویژه‌ای برخوردار است. خداوند متعال در قرآن کریم بیش از «روز» به «شب» سوگند یاد فرموده<sup>۱</sup> و آن را آیت و نشانه‌ای بر وجود خویش دانسته است.<sup>۲</sup> در میان شبها، «شب قدر» نیز قرار گرفته که ارزش آن از هزار ماه بیشتر است.<sup>۳</sup> قرآن کریم در چنین شبی به آسمان چهارم (بیت المعمور) یا بر قلب مبارک رسول خدا (ص) نازل شده است.<sup>۴</sup> برخی از وقایع بسیار مهم در زندگی پیامبران خدا نیز در شب واقع شده که به عنوان نمونه می‌توان سلوک معنوی حضرت یونس (ع)<sup>۵</sup>، عروج حضرت عیسی (ع)<sup>۶</sup> و معراج رسول اکرم (ص)<sup>۷</sup> را نام برد. همچنین قرآن کریم از میعاد حضرت موسی (ع) در کوه طور و مناجات آن حضرت با خداوند، که چهل شبانه‌روز به طول انجامید، با عنوان چهل «شب» یاد می‌کند.<sup>۸</sup> اینها همه نشانه‌های روشنی بر این واقعیت‌اند که شب در ادیان الهی و معارف آسمانی مورد توجه خاص بوده و در رشد و تکامل انسانها نقش داشته است.

۱. در قرآن کریم هشت بار به «لَیْل» [= شب]، یک بار به «لَیَالٍ» [= شبها] و دو بار به «نهار» [= روز] سوگند یاد شده.

۲. یس (۳۶)، آیه ۳۷. ۳. قدر (۹۷)، آیه ۳.

۴. قدر (۹۷)، آیه ۱؛ دخان (۴۴)، آیه ۳؛ ر. ک. التمهید فی علوم القرآن، محمد هادی معرفت، ج ۱، ص ۷۹-۹۱.

۵. انبیا (۲۱)، آیه ۸۷.

۶. تفسیر نورالتقلین، ج ۱، ص ۵۶۹، (طی روایتی از امام باقر (ع)).

۷. اسراء (۱۷)، آیه ۱. ۸. بقره (۲)، آیه ۵۱.

## ۲. سرعت سیر و سلوک در نیایشهای شبانه

عبادت شبانگاهی و راز و نیاز با خدا در دل تاریکی، زمینه مناسبی برای خودسازی و سیر و سلوک است. نگاهی به زندگی پیشوایان بزرگ اسلام نشان می‌دهد که آن رادمردان تاجه اندازه از نعمت گران‌سنگ شب زنده‌داری در جهت ارتقای معنوی و تقرب به خداوند سود می‌جستند. رسول خدا(ص)، اسوه و مصداق بارز شب‌زنده‌داری بود و به دلیل رسالت سنگینی که برعهده داشت مأمور بود که جز اندکی از شب را نخوابد و باقی را به تهجد و شب‌زنده‌داری بپردازد؛ تا بدین وسیله آمادگی لازم را برای دریافت پیام الهی و ابلاغ آن به بندگان خدا کسب کند:

يَا أَيُّهَا الْمَرْمَلُ ○ قُمْ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا... ○ إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا. (مزمّل: ۱-۵)

ای جامه به خود پیچیده! شب را جز کمی بپا خیز!... چرا که ما به زودی سخنی سنگین بر تو القا خواهیم کرد.

و نیز در قرآن کریم در این باره چنین می‌خوانیم:

وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا. (اسراء: ۷۹)

و پاسی از شب را از خواب برخیز و [قرآن و] نماز بخوان! این [یک وظیفه اضافی] برای تو است؛ امید است پروردگارت تو را به مقامی در خور ستایش برانگیزد.

هر فرد با ایمانی که خواهان درک معارف قرآن کریم و سلوک الی الله است. باید قدری از

شب را به عبادت خداوند بپردازد. در ادامه آیات سورة مزمّل آمده است:

إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا ○ إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثِي اللَّيْلِ وَ نِصْفَهُ وَ ثُلُثَهُ وَ طَائِفَةٌ مِّنَ الَّذِينَ مَعَكَ. (مزمّل: ۱۹-۲۰)

این هشدار و تذکری است؛ پس هرکس بخواهد، راهی به سوی پروردگارش برمی‌گزیند؛ پروردگارت می‌داند که تو و گروهی از آنها که با تو هستند، نزدیک دو سوم از شب یا نصف یا ثلث آن را به پامی خیزید.

## ۳. اعمال شب‌زنده‌داران

افعال عبادی دامنه‌ای وسیع و گسترده دارند و هر کار خیری را که به قصد خشنودی خدا و تقرب به او انجام گیرد، شامل می‌شوند؛ لیکن در قرآن کریم و سیره ائمه معصوم(ع) به نمونه‌های خاصی از عبادتها برای شب‌زنده‌داری سفارش شده است. اهم این نمونه‌ها عبارتند از:

**الف. تفکر**

«سلوک الی الله» رابطه نزدیکی با تفکر دارد. از سویی، تفکر خود عبادتی بزرگ است. امام صادق (ع) در ضمن برشمردن محاسن تفکر می فرماید:

... وَ هِيَ خَصْلَةٌ لَا يُعْبَدُ اللَّهُ بِهَا.<sup>۱</sup>

و آن [تفکر] خصلتی است که خداوند به [چیزی] مانند آن پرستش نمی شود. از سوی دیگر، عبادت واقعی و سلوک صحیح و به دور از انحراف، تنها در پرتو تفکر صحیح امکان پذیر است. وانگهی سکوت شب و انزوای شب زنده دار در کنج خلوت، بهترین فرصت برای اندیشه های عمیق و بنیادین است.

**ب. تلاوت قرآن کریم**

قرآن سخن خدا و کتاب رشد و هدایت است. فراگیری و اجرای احکام و دستورات آن ضامن سعادت انسانهاست. تلاوت قرآن نیز به عنوان مقدمه فراگیری و اجرای آن مطلوب و ضروری است. گرچه به خودی خود نیز موجب نورانیت دل آدمی می شود. از این رو خدای متعال به فرستاده خود دستور می دهد که بخشی از شب را به تلاوت و ترتیل قرآن بپردازد.

وَ رَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِلاً. (مزل: ۴)

و قرآن را با دقت و تأمل بخوان!

امام علی (ع) نیز تلاوت قرآن در تاریکی شب را از ویژگی های تقوای پیشگان دانسته می فرماید:

چون شب فرا رسد، مستمر و ثابت قدم به تلاوت قرآن می پردازند و آن را با تأمل و تدبّر می خوانند و با این کار همواره خود را محزون می سازند و درمان درد خویش را از آن می جویند. پس هرگاه به آیه ای برمی خورند که در آن مژده و بشارت است با امید به آن می نگرند و جان خویش را مشتاق آن می سازند. توگویی که آنچه به آن بشارت داده شده، در برابر دیدگان خود دارند و هرگاه به آیه ای می رسند که در آن تهدید و وعده عذاب است، گوشه های دلشان را به آن می گشایند چنانکه گویی صدای دم و بازدم آتش دوزخ را در بیخ گوشه های خویش می شنوند...<sup>۲</sup>

۲. نهج البلاغه، خطبة ۱۸۴، ص ۶۱۲-۶۱۳.

۱. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۲۶.

### ج. نافله شب

همان‌گونه که ذکر شد، به دلیل سنگینی بار رسالت الهی، نماز شب بر رسول خدا (ص) واجب بوده است. در عین حال، سایر بندگان صالح خداوند نیز که اراده «سلوک الی الله» را دارند، شایسته است از انجام این مهم غفلت نورزند؛ زیرا براساس آنچه از قرآن و روایات اهل بیت (ع) فهمیده می‌شود، نماز شب، در پیشبرد امر سلوک معنوی نقشی منحصر به فرد و تعیین کننده دارد. امام صادق (ع) ضمن اشاره به آیه‌ای از قرآن کریم<sup>۱</sup>، بین نماز شب و سایر عبادتها مقایسه نموده می‌فرماید:

مَا مِنْ عَمَلٍ حَسَنٍ يَعْمَلُهُ الْعَبْدُ إِلَّا وَ لَهُ ثَوَابٌ فِي الْقُرْآنِ إِلَّا صَلَاةُ اللَّيْلِ فَإِنَّ اللَّهَ لَمْ يُبَيِّنْ ثَوَابَهَا لِعَظَمِ خَطَرِهَا عِنْدَهُ...<sup>۲</sup>

هر کار نیکی که بنده انجام می‌دهد، در قرآن برای پاداشی ذکر شده مگر نماز شب که خداوند به خاطر بزرگی پاداشی که [این عمل] نزد او دارد [مقدار آن را] بیان نفرموده است.

### د. دعا و استغفار

دعا و استغفار موجب روشنی دل و زدودن زنگار لغزشها و گناهان از ضمیر انسان می‌شود. به همین دلیل، حتی پیامبر بزرگوار اسلام و امامان معصوم (ع) با آنکه کمترین گناه و لغزشی هم از ایشان سر نمی‌زد، همواره از خداوند طلب غفران و آمرزش می‌کردند. چنانکه نقل شده، رسول خدا (ص) روزانه حداقل هفتاد و گاهی صد بار استغفار می‌کرد و نیز نقل شده که آن حضرت از هیچ مجلسی بر نمی‌خاست مگر آنکه حداقل بیست و پنج مرتبه استغفار می‌کرد.<sup>۳</sup>

بهترین زمان برای دعا، توبه و استغفار، دل تاریک شب و هنگام سحر است. از این رو قرآن کریم، استغفار بنده در سحرگاهان را ستوده و آن را از ویژگی‌های تقوای پیشگان دانسته است:

كَانُوا قَلِيلًا مِنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ ۝ وَ بِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ<sup>۴</sup>

آنها کمی از شب را می‌خوابیدند و در سحرگاهان استغفار می‌کردند.

۱. سجده (۳۲)، آیات ۱۶ - ۱۷.

۲. بحار الانوار، ج ۸۷ ص ۱۴۰.

۳. بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۲۰۴؛ ج ۶۳، ص ۱۸۳؛ ج ۹۳، ص ۲۸۲.

۴. ذاریات (۵۱)، آیات ۱۷ - ۱۸.

### ه. کمک به بینوایان و مستمندان

از دیگر اعمالی که انجام آن در شب فضیلت فراوان دارد، رسیدگی به حال بینوایان و نیازمندان و رساندن غذا و مایحتاج زندگی به ایشان است. در حالات امام سجاد (ع) آمده است که آن بزرگوار در شبهای تاریک انبانی حاوی مواد خوراکی و هیزم به دوش می‌گرفت، مقداری در هم و دینار هم با خود برمی‌داشت و درحالی که صورت خود را پوشانده بود تا شناخته نشود، به در خانه نیازمندان می‌رفت و به وضع زندگی ایشان رسیدگی می‌کرد. بعد از وفات آن حضرت وقتی بدن مبارکشان را غسل می‌دادند، اثر جراحاتی بر شانه‌ها و پشت ایشان مشاهده نمودند. امام باقر (ع) در توضیح علت این جراحات فرمود: اینها آثار حمل انبانهای نان و غذایی است که پدرم شبها برای نیازمندان حمل می‌کرد.<sup>۱</sup>

### و. نگهبانی

بیدار ماندن در شب به منظور نگهبانی از جان و مال مسلمین نیز عبادت ارزنده دیگری است که می‌تواند در سیر و سلوک معنوی انسان مؤثر واقع شده او را به خداوند نزدیک‌تر کند. رسول خدا (ص) در این باره می‌فرماید:

عَيْنَانِ لَا تَمْسُهَا النَّارُ، عَيْنٌ بَكَتْ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَ عَيْنٌ بَاتَتْ تَحْرُسُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.<sup>۲</sup>

دو چشم‌اند که آتش [دوزخ] به آنها نمی‌رسد، چشمی که از خوف خدا بگرید و چشمی که شب بیدار بماند و برای خدا نگهبانی دهد.

### ۴. ذکر خدا

«ذکر» به معنای یادکردن با قلب یا زبان است.<sup>۳</sup> این واژه در فرهنگ اسلامی معنا و مفهوم خاصی دارد که در آیات قرآنی و روایات اهل بیت (ع) گاهی به معنای ذکر خدای سبحان، اسمای الهی و نعمتهای خدا به کار رفته است و گاهی نیز به معنای یادآوری ایام الله و سرگذشت بندگان صالح، اولیای خدا و پیامبران و مانند آن آمده است که تمام ذکرها در فرهنگ اسلامی مقدمه‌ای برای «ذِکْرُ اللَّهِ» است و توصیه شده که انسان همواره و در تمام احوال به یاد خدای سبحان بوده او را حاضر و ناظر بر اعمالش بداند.

۲. تیسیر الوصول، ج ۱، ص ۲۲۳.

۱. بحارالانوار، ج ۴۹، ص ۶۲.

۳. مفردات، راغب اصفهانی، واژه ذکر.

## ۵. فضیلت ذکر

ذکر خدای سبحان از بهترین و پاکیزه‌ترین اعمال نزد خداست. و آیات قرآن و روایات اسلامی به آن توصیه کرده‌اند.

قرآن کریم می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا... (احزاب: ۴۱)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را بسیار یاد کنید.

رسول خدا (ص) می‌فرماید:

إِعْلَمُوا أَنَّ خَيْرَ أَعْمَالِكُمْ عِنْدَ مَلِكِكُمْ وَ أَرْكَأَهَا وَ أَرْفَعَهَا فِي دَرَجَاتِكُمْ وَ خَيْرَ مَا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ، ذِكْرُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى فَإِنَّهُ أَخْبَرَ عَنْ نَفْسِهِ فَقَالَ أَنَا جَلِيسٌ مَنْ ذَكَرَنِي.<sup>۱</sup>

بدانید که بهترین اعمال شما نزد خداوند و پاکیزه‌ترین و والاترین آنها در مراتب شما و بهترین چیزی که آفتاب بر آن تابیده، ذکر خدای سبحان است؛ زیرا خدای تعالی از خودش خبر داده و فرموده است: من همنشین کسی هستم که مرا یاد کند.

## ۶. حقیقت ذکر

اولین مرحله ذکر، گفتن و تکرار «الله اکبر»، «سبحان الله» و «الحمد لله» و... با حالت توجه است؛ زیرا بیان همین کلمات، دل را صفا می‌دهد و موجب می‌شود که انسان از یاد و حضور خدا غافل نشود. مرحله بالاتر و مهمتر ذکر، یاد خدا به هنگام روبه‌رو شدن با معاصی و گناهان است. یعنی ذکر بتواند انسان را از نافرمانی خدا حفظ کند، دست آدمی را بگیرد و از سقوط در پرتگاه‌های هولناک دروغ و معصیت و تهمت و فرار از جبهه و آزار مردم و... مانع شود، اما ذکر حقیقی، جمع بین این دو است، یعنی هم در قلب هم بر زبان و هم در عمل، انسان به یاد او باشد. حضرت صادق (ع) می‌فرماید:

از مهم‌ترین چیزهایی که خدا بر بندگانش لازم فرموده «ذکر در همه حال است»؛ ولی منظور من «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» نیست - گرچه اینها هم ذکر است - بلکه مقصود به یاد داشتن خدا هنگام اطاعت و معصیت است.<sup>۲</sup>

همچنین آن حضرت از رسول خدا (ص) نقل کرده که فرمود:

۱. عذّة الداعی، احمد بن فهد، ص ۲۳۸. ۲. بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۱۵۴.

هر کس اوامر خدا را اطاعت نمود و از گناهان پرهیز کرد، همانا او ذا کر خداست، گرچه نماز و روزه [مستحبی] و قرائت قرآن او اندک باشد. و هر کس که معصیت و نافرمانی خدا نماید، خدا را فراموش کرده، گرچه نماز و روزه و تلاوت قرآن او بیش از حد معمول بوده باشد.<sup>۱</sup>

## ۷. مراتب ذکر

ذکر دارای سه مرتبه است:

### الف. ذکر قلبی

اصل ذکر همان توجه قلبی و به یاد خدا بودن است: قلب انسانِ ذا کر، به یاد خدا زنده است؛ از او نور می‌گیرد، برای او می‌تپد و توجهی به غیر او ندارد.

### ب. ذکر زبانی

ذکر زبانی، یادآوری نامها و صفات مقدس خداوند و یا نعمتهای او و تسبیح و تمجید او با زبان است؛ البته ذکر زبانی بدون توجه قلبی (هرچند کم) منشأ اثر و مفید واقع نمی‌شود.<sup>۲</sup>

### ج. ذکر عملی

ذکر عملی به این معناست که ذا کر در شؤون زندگی و تصمیم‌گیریهای فردی و اجتماعی به یاد خدا و در صدد کسب رضای او باشد. دستورهای او را انجام دهد و گرد اعمال ناروا نگردد. در این صورت همه اعمال او با یاد خدا انجام می‌پذیرد و در واقع او با عمل خود، یاد خدا را زنده کرده و زندگی‌اش نیز رنگ خدایی می‌گیرد.

این مرحله از ذکر نسبت به مرحله دوم از ارزش بالاتری برخوردار است.

مؤمنان و پیروان واقعی دین خدا به چنین مقامی نایل شده و با یاد خدا روح و جان خویش را می‌آرایند اما نایل شدن به این مرتبه از ذکر کاری بس دشوار است. امام باقر(ع) می‌فرماید:

یکی از سخت‌ترین کارهای بندگان، ذکر خدا در هر حال است و آن چنین است که هنگام عزم بر

معصیت، یاد خدا میان او و آن گناه مانع می‌شود و این (تفسیر) کلام خداست که می‌فرماید: «إِنَّ

الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُم مُّبْصِرُونَ»<sup>۳</sup> (اعراف: ۲۰۱)

۱. همان، ص ۱۵۶. ۲. تفسیر اثنی‌عشری، شاه عبدالعظیمی، ج ۱، ص ۲۸۹.

۳. پروا پیشگان هنگامی که گرفتار وسوسه‌های شیطان می‌شوند، به یاد خدا می‌افتند و بناگاه بینا می‌شوند.



## ۸. موانع ذکر

آیات قرآنی و روایات اسلامی، موانعی چند که انسان را از یاد خدا باز می‌دارند بر شمرده‌اند:

### الف. شیطان

إِسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ. (مجادله: ۱۹)

شیطان بر آنان سلطه یافت و یاد خدا را از ایشان گرفت.

و نیز:

إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقَعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَ يُصَدِّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ... مائده: ۹۱

خواسته شیطان این است که با شراب و قمار، میان شما دشمنی و کینه افکند و شما را از یاد خدا باز دارد.

### ب. دوستان گمراه

قرآن کریم اعتراف ساکنان جهنم را بازگو کرده که می‌گویند:

يَا وَيْلَتَى لِمَ اتَّخَذُ فُلَانًا خَلِيلًا، لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي...<sup>۱</sup>

وای بر من! کاش فلانی را دوست نمی‌گرفتم. او پس از آنکه آمد، مرا از ذکر باز داشت.

خداوند، از همنشین با کسانی که جز دنیا مطلوبی ندارند، نیز انسان را نهی کرده است:

فَاعْرِضْ عَمَّن تَوَلَّى عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا. (نجم: ۲۹)

از کسی که از یاد ما روی گردانیده و جز زندگی دنیوی را نمی‌جوید، اعراض کن!

### ج. پیروی از هوای نفس

حضرت علی (ع) فرمود:

لَيْسَ فِي الْمَعَاصِي أَشَدُّ مِنْ اتِّبَاعِ الشَّهْوَةِ، فَلَا تُطِيعُوهَا فَيَشْغَلَكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ.<sup>۲</sup>

در میان گناهان چیزی سخت‌تر از پیروی شهوت نیست. بنابراین، از آن پیروی نکنید که شما را از یاد خدا باز می‌دارد.

### د. چشم‌چرانی

حضرت علی (ع) فرمود:

۱. فرقان (۲۵)، آیات ۲۸ - ۲۹.

۲. شرح غررالحکم، ج ۵، ص ۸۸.

لَيْسَ فِي الْمَوَارِحِ أَقَلُّ شُكْرًا مِنَ الْعَيْنِ، فَلَا تُعْطُوهَا سُؤْلَهَا فَتَشْغَلَكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ.<sup>۱</sup>  
در میان اندام (بدن، عضوی) کم سپاس تر از چشم نیست. بنابراین، خواسته‌هایش را به او  
عطا نکنید که شما را از ذکر خدا باز می‌دارد!

### ۹. نکوهش ترک ذکر خدا

همه گرفتاریهای انسان بر اثر غفلت از یاد خداست که موجب تیرگی دل شده، شیطان را بر او  
مسلط می‌کند و در نتیجه انسان را به ورطه هلاکت می‌اندازد. قرآن کریم رویگردانی از یاد خدا را  
سخت نکوهش می‌کند و می‌فرماید:

فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ. (زمر: ۲۲)

وای بر سخت‌دلانی که یاد خدا در دلهایشان راه ندارد!

کسی که از یاد خدا روی برتابد، باطنش کور گشته، آیات و جلوه‌های الهی را نمی‌بیند؛ زندگی  
او بی‌فروغ می‌گردد و در بن‌بستهای زندگی پناهگاهی نمی‌یابد. آن کوری باطن و فراموشی  
آیات و مظاهر جمال و جلال الهی در روز قیامت نیز تجسم پیدا می‌کند. قرآن کریم می‌فرماید:

مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى. (طه: ۱۲۴)

هر کس از یاد من روی بگرداند، زندگی‌اش تنگ شود و در روز قیامت نابینا محسورش سازیم.  
آیا وقت آن نرسیده که با شناختی که علاوه بر فطرت خود آگاه، از خداوند و از انگیزه خلقت  
حاصل نمودیم، در این ایام جوانی، دل را به او داده و در برابرش فروتن باشیم؛ به او پناه ببریم، تا از  
دچار شدن به بن‌بستها، گرفتاریها، اضطرابها، دلهرها، بی‌هدفها، بی‌بند و باریها و افسار  
گسیختگی‌ها نجات یابیم؟!

أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ. (حدید: ۱۶)

آیا مؤمنان را وقت آن نرسیده که دلهایشان در برابر یاد خدا نرم (و فروتن) شود؟

## درس شانزدهم تعظیم شعائر اسلامی

«شعائر» جمع «شعار» یا «شعیره» به معنای عبادتها، نشانه‌ها و آداب و رسوم مذهبی یا ملی است<sup>۱</sup> و «شعائر الهی نشانه‌هایی است که خداوند برای اطاعت خویش نصب کرده است.»<sup>۲</sup> و مرکز و محوری است که مردم گرد آن اجتماع کرده خدا را اطاعت و عبادت می‌کنند. شعائر اسلامی ممکن است از نوع کردار، ایام و اماکن باشد که به شرح برخی از آنها می‌پردازیم:

### کردار

منظور از شعائر کرداری، اعمالی است که انجام دادن آنها جنبه شعاری دارد و از علائم مسلمانی به شمار می‌آید؛ مانند اذان، نماز جمعه و جماعت، حج و....

### الف. اذان

ندای ملکوتی و روحبخش اذان که فراخوان عمومی مسلمانان به سوی خداست، از شعائر مهم اسلامی محسوب می‌شود و در هر صبح و شام هر مسلمانی را در هر کوی و برزن به نماز و راز و نیاز با خدا می‌خواند. به گونه‌ای که در هر جای زمین چنین ندایی برخیزد، نشانه وجود اسلام و مسلمان در آن دیار است.

به مسلمانان سفارش شده که شعار اذان را زنده بدارند و در شبانه‌روز پنج نوبت اذان بگویند و نام و یاد خداوند تعالی و پیامبر (ص) را با صدایی رسا به عمق جانها بفرستند و در پی آن در صفوفی متحد به نماز بایستند.

۱. لغت نامه دهخدا.

۲. المیزان، ج ۱۴، ص ۳۷۳.

رسول گرام اسلام (ص)، چهره واقعی مؤذن را این گونه ترسیم می‌کند:

الْمُؤَذِّنُونَ أَطْوَلُ النَّاسِ أَغْنَاءًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ.<sup>۱</sup>

مؤذنان در روز قیامت، یک سر و گردن از دیگران بلندترند.

و مقام مؤذن به قدری ارجمند است که جبرئیل - فرشته مقرب الهی - در شب معراج اذان می‌گوید و فرشتگان به امامت پیامبر (ص) نماز جماعت بر پا می‌کنند.<sup>۲</sup>

مستحب است «مؤذن» در جای بلند اذان گوید؛ خوش صدا باشد؛ دست بر بنا گوشش گذارد و همه صدایش را به اذان بلند کند. رسول خدا (ص) به بلال می‌فرمود:

بالای دیوار مسجد برو و صدايت را به اذان بلند کن! خداوند بادی را مأمور کرده که صدای اذان را به آسمان ببرد. وقتی فرشتگان آن را بشنوند، گویند: این صدای امت محمد (ص) است که به توحید بلند شده است.<sup>۳</sup>

#### ب. نماز جمعه و جماعت

اجتماع پرشکوه مسلمانان در هر شهر و روستا به طور روزانه، هفتگی و سالیانه در قالب نماز جماعت، جمعه و عید، از بهترین نشانه‌های مسلمانی است که نمایانگر اعتقاد راسخ نمازگزاران به اسلام و عزت و عظمت آن است؛ چرا که حضور در چنین اجتماعاتی فرد را همچون قطره‌ای به دریایی بیکران وصل می‌کند، نفاق را از دل می‌زداید، مسلمانان را یکدل و یکپارچه می‌کند و شیاطین پیدا و پنهان را مأیوس می‌سازد.

امام صادق (ع) در سخنی به جنبه شعاری و نشانه بودن نمازهای جماعت تصریح کرده می‌فرماید:

نماز جماعت و اجتماع بدین سبب نهاده شده که نمازگزار از بی‌نماز باز شناخته شود... و اگر جماعت نبود، امکان نداشت کسی به صلاحیت دیگری گواهی دهد؛ زیرا آن کس که نماز جماعت نمی‌خواند، در نزد مسلمانان بی‌نماز محسوب می‌شود؛ چرا که پیامبر (ص) فرموده است: «کسی که بدون عذر، با مسلمانان در مسجد نماز نگذارد، در واقع بی‌نماز است».<sup>۴</sup>

۱. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۶۱۶.

۲. همان، ص ۶۱۲.

۳. همان، ص ۶۴۰ و ۶۴۱.

۴. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۷۷.

همچنین می فرماید:

در زمان پیامبر (ص) عده‌ای از نماز جماعت در مسجد طفره می رفتند. پیامبر (ص) فرمود: [اگر به چنین کاری ادامه دهند] به زودی دستور می دهیم تا خانه‌هایشان را آتش بزنند.<sup>۱</sup>

امام خمینی (ره) به یکی از ابعاد مهم نمازهای دسته جمعی اشاره کرده می فرماید:  
... هر روز در محله‌ها اجتماع و رسیدگی به اوضاع شهر و محله، در هر هفته اجتماع بزرگ در شهرها و در جاهایی که شرایط نماز [جمعه] محقق است برای بررسی اوضاع شهرستان و بالاتر اوضاع کشور و در هر سال باز دو اجتماع بزرگ برای بررسی اوضاع کشورها... این مسائل سیاسی هست و مسائلی است که باید مسلمین به آن توجه داشته باشند.<sup>۲</sup>

### ج. حج

همایش عظیم و سالانه حج که فراتر از شهر و کشور و در گستره بین الملل اسلامی برگزار می شود، نمایش بی نظیر دیگری از وحدت و قدرت مسلمانان در جهان است که عظمت و شکوه آن بر دوست و دشمن آشکار است.

حضور میلیونی پیروان محمد (ص) در سرزمین وحی، شعاری پرفروغ و جاودانه است که استواری و صلابت دین مبین اسلام را نوید داده، پیروان آن را به توحید و دوری از شرک فرا می خواند. هر یک از مناسک حج و همه مواقف مقدس آن به تنهایی شعاری وحدت آفرین و دشمن شکن است؛ مانند احرام بستن حاجیان در لباس سفید و متحدالشکل، طواف منظم آنان گرد خانه خدا، سعی صفا و مروه، وقوف روزانه در عرفات، وقوف شبانه در مشعر، رمی جمره، قربانی، تراشیدن سر، بیتوته در منا و... همه نشانی از بندگی خدا و شعاری از شعائر الهی است که خیر و برکت در آن نهفته است. خداوند در این زمینه می فرماید:

وَالْيَذِّنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ... (حج: ۳۶)

شتران قربانی را برای شما از شعائر الهی قرار دادیم؛ شما را در آن خیری است...

## اماکن

در فرهنگ ناب اسلام، نقاطی از زمین دارای قداست خاصی است که به مسلمانان سفارش شده آنها را اگر امانی بدانند به قدری که اهمیت این اماکن مقدس آنها را به شکل شعارهایی استراتژیک مطرح کرده و جنبه محوری بخشیده است. کعبه و مسجد الحرام، مسجد پیامبر، مسجد کوفه، بیت المقدس، مسجد جامع هر شهر، تربت پاک ائمه معصوم (ع) و هر مسجدی که در هر نقطه جهان ساخته شود، از چنین اهمیتی برخوردار است و مسلمانان به پاسداشت حرمت آنها و نیز حفظ و آبادانی آنها سفارش شده‌اند.

در این جا به اختصار پیرامون برخی از اماکن مقدس اسلامی مطالبی را عنوان می‌کنیم:

### الف. مسجد الحرام

شریف ترین مرکز اسلامی، «مسجد الحرام» و خانه خدا - کعبه - است که قبله بیش از یک میلیارد مسلمان است که به سوی آن نماز می‌خوانند، به آن عشق می‌ورزند و حتی بدان سوی می‌خوابند و می‌میرند. استواری کعبه نشانه حیات اسلام و مسلمانان است. حضرت امام صادق (ع) فرمود:

لَا يَزَالُ الدِّينُ قَائِمًا مَا قَامَتِ الْكَعْبَةُ.<sup>۱</sup>

تا زمانی که کعبه پا برجاست، دین، استوار است.

از این رو، بر هر مسلمانی واجب است که با داشتن توانایی به سوی این مرکز مقدس بشتابد و با آداب و احترام خاصی به نیت بندگی خدا گردش بگردد؛ در مسجد الحرام نماز بگذارد؛ با دست کشیدن بر «حجر الاسود» به خدا اعلام وفاداری کند و... در ضمن بداند که:

- صفا و مروه از شعائر الهی است.<sup>۲</sup>

- شهر مکه و حومه آن - که مسجد الحرام را بسان نگینی گرانقدر در خود جای داده است - زادگاه پیامبر، علی و زهرا (ع) و مهبط بسیاری از آیات قرآن و حرم امن الهی است.

- مقام ابراهیم، حجر اسماعیل، چاه زمزم، حطیم و... در مسجد الحرام قرار دارد.

- یک رکعت نماز در مسجد الحرام بیش از صد هزار رکعت در جای دیگر ارزش دارد.<sup>۳</sup>

- مشعر الحرام و سرزمین عرفات و منا در آن جا قرار دارند که خود از شعائر الهی محسوب می‌شوند.

- مسجد الحرام به منزله خانه مردم است که مسافر می‌تواند نمازش را در آن جا تمام بخواند.

۲. بقره (۲)، آیه ۱۵۸.

۱. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۱۴.

۳. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۳۷.

### ب. مسجد النبی

نخستین اقدام رسول‌الله (ص) پس از هجرت به مدینه، احداث مسجدی بود که به نام نامی آن حضرت مشهور شد و عنوان «مسجد النبی» را به خود گرفت که پس از مسجد الحرام حائز بیشترین اهمیت است. طرح و نقشه این مسجد، از فکر پاک پیامبر تراوش کرده و معماری نخستین آن نیز با دست مبارک آن فرزانه یگانه انجام گرفته است و قداست خود را نیز از همین راه کسب کرده است؛ البته بعدها خانه و حرم مطهر آن پیامبر نیز به مسجد ضمیمه شد و بر اهمیتش افزود. رسول خدا (ص) فرمود:

الصلوة في مسجدی كالفِ صلوة في غيره إلا المسجد الحرام...<sup>۱</sup>

(یک) نماز در مسجد من، مانند هزار نماز در دیگر مساجد، به جز مسجد الحرام - است....

### ج. مسجد کوفه

مسجد کوفه - که در شهری به همین نام در کشور عراق بنا شده - نیز یکی دیگر از شعائر مهم اسلامی است. امیر مؤمنان، علی (ع)، فرموده است:

لا تُشدُّ الرِّحالُ إلا إلى ثلاثة مساجد؛ المسجد الحرام و مسجد الرسول و مسجد الكوفة.<sup>۲</sup>

کوچ نمی شود مگر به سوی سه مسجد: مسجد الحرام، مسجد پیامبر و مسجد کوفه.

امام صادق (ع) نیز فرموده است:

نعم المسجد مسجد الكوفة؛ صلى فيه ألف نبي و ألف وصي...<sup>۳</sup>

مسجد کوفه، مسجد خوبی است؛ هزار پیامبر و هزار وصی پیامبر در آن نماز گزارده است.

### د. مسجد الاقصی

مسجد الاقصی نیز در میان شعائر اسلامی از اهمیت ویژه ای برخوردار است؛ به طوری که خداوند در شب معراج، پیامبر (ص) را از مسجد الحرام به مسجد الاقصی و از آن جا به آسمانها برد.<sup>۴</sup> همچنین این مکان مقدس در نیمه اول دوران رسالت، قبله گاه مسلمانان بود و پس از هجرت، جایگاه خود را به کعبه سپرد. این مسجد با عظمت، پس از تشکیل حکومت غاصب اسرائیل در فلسطین اشغالی، همواره نقطه امید مظلومان فلسطین و زبانزد مسلمانان جهان بوده است که امیدواریم در آینده از چنگال حکومت صهیونیستی نجات یابد.

۲. همان، ص ۵۲۵.

۱. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۳۷.

۴. اسراء (۱۷)، آیه ۱.

۳. همان، ص ۵۲۱.

**ه. عتبات مقدّسه**

تربت پاک ذریّه پیامبر (ص) نیز در میان امت اسلامی - به ویژه شیعه - از احترام فراوانی برخوردار است. قرنهایست که عاشقان اهل بیت، پروانه وار برگرد آنها پرسوخته اند و در طول بیش از هزار سال همواره از آن حریمهای نورانی امید و نیرو گرفته اند. حوزه علمیّه هزار ساله نجف در پرتو ضریح مطهر امیر مؤمنان (ع)، چون مشعلی فروزان فرا روی امت اسلامی نورافشانی کرده است و انقلابیون سترگ همیشه از تربت لاله گون شهیدان الهام گرفته اند و... «زیارت» در فرهنگ شیعه، شعاری حرکت آفرین، امیدبخش و حماسی است که «زائر» را به «صاحب مزار» پیوند داده او را بر ضدّ دشمنان اسلام می شوراند. از این رو، ستمگران، با تمام توان به مقابله با شعار «زیارت» برخاسته، گاه دست «زائر» را بسته، گاه پایش را شکسته و گاه «مزار» را به آب و منجنیق بسته اند تا از شور آفرینی این شعار بکاهند.

**و. مساجد**

مسجد در هر شهر و محلی خانه مقدّس الهی است و از شعائر الهی به شمار می آید. احترام به مساجد ضروری است و باید هم با تعمیر و نگهداری و هم با حضور پرشکوه مردم آباد نگاه داشته شود. نیز باید همواره پاک و مطهر باشد. و اگر قسمتی از آن به نجاست آلوده شد، فوراً تطهیر گردد. خوابیدن در مسجد و ورود به مسجد بدون وضو کراهت دارد؛ هنگام ورود مستحب است پای راست را مقدم بدارند و هنگام خروج پای چپ را. در آغاز ورود به مسجد سلام به مسجد، اقامه نماز تحیت است. آن قطعه زمینی که وقف مسجد شد، دیگر از مسجد بودن خارج نمی شود؛ اموال مسجد را باید حفظ و نگهداری کرد، اشیاء متعلق به مسجد را نباید در غیر مسجد مورد استفاده قرار داد. نظافت مسجد و تمیز نگهداشتن آن ضروری است. سخن گفتن از کارهای دنیایی در مسجد کراهت دارد و اینها همه برای تعظیم و احترام این مکان مقدس است.

**ایام الله**

در تاریخ هر ملتی، روزهای سرنوشت سازی وجود دارد که نقاط عطف گذشته آن ملت است. در فرهنگ قرآن، واژه «ایام الله» دارای چنین مفهومی است. خداوند به حضرت موسی (ع) فرمان می دهد:

وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ... (ابراهیم: ۵)

روزهای خدا را به یاد آنها بیاور.



ایام الله برای بنی اسرائیل، روزهایی بود که خداوند آنان را از چنگال فرعونیان نجات بخشید. در اسلام روزهایی چون اعیاد بزرگ فطر، قربان، مبعث، غدیر، هجرت، مولید معصومین (ع) و نیز روزهای سوگ بزرگ چون رحلت پیامبر، عاشورای حسینی و... ایام الله‌اند. در انقلاب اسلامی نیز پانزده خرداد، هفده شهریور، بیست و دوم بهمن، دوازده فروردین، هفت تیر، هشت شهریور، سیزده آبان، چهارده خرداد و... از جمله ایام الله‌اند که بزرگداشت آنان سبب تحکیم و انسجام ملت و شور و تحرک آنان در راستای آرمان‌خواهی اسلامی می‌گردد. از این رو، معمار بزرگ انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی، حضرت امام خمینی (ره) بر تعظیم آنها چنین تأکید می‌کند:

انقلاب کردیم که شعائر اسلام را زنده کنیم، نه انقلاب کردیم که شعائر اسلام را بمیرانیم. زنده نگهداشتن عاشورا یک مسئله بسیار مهم سیاسی-عبادی است... یک مسئله‌ای است که در پیشبرد انقلاب اثر به‌سزا دارد.<sup>۱</sup>

### احیای شعائر اسلامی

برای تجسم عینی یافتن اسلام در جامعه، لازم است شعائر اسلامی به همان کیفیتی که از طرف شارع مقدس رسیده، حفظ شود و برای احیا و تعظیم هر یک از آنها دولت و ملت اسلامی وظیفه‌ای برعهده دارند که به اختصار آنها را شرح می‌دهیم:

#### الف. وظیفه دولت اسلامی

مبنای سیاسی و رهبری کشورهای اسلامی باید بر احیا، اعمال و ترویج شعائر اسلامی استوار باشد؛ زیرا حیات و عظمت جامعه اسلامی به آن بستگی دارد. قرآن مجید نیز برخی از اعمال و شعائر اسلامی را در حیطه حکومت و رهبری جامعه اسلامی قرار داده می‌فرماید:

الَّذِينَ إِن مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ... (حج: ۴۱)

کسانی [هستند] که اگر در زمین به آنان قدرت دهیم نماز را به‌پای دارند و زکات می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند....

از سوی دیگر، مبارزه با مظاهر شرک و بت پرستی نیز وظیفه حکومت اسلامی محسوب می شود؛ چنانکه رهبر بزرگ اسلام به تخریب بتخانه ها و شکستن بتها اقدام کرد. به همین جهت، اهل ذمه یعنی کفاری که در پناه اسلام و در کشور اسلامی به عنوان ذمی و مُعاهد زندگی می کنند، حق تظاهر به کارهای خلاف شعائر اسلامی نظیر تظاهر به روزه خواری در ماه مبارک رمضان، استعمال مشروبات الکلی و گوشت خوک و یا به صدا در آوردن ناقوس کلیساها بدون اجازه دولت اسلامی را ندارند؛ زیرا همه اینها با شعائر اسلامی منافات دارد.

بنابراین، جهت گیری دولت اسلامی باید به سوی احیا و ایجاد مساجد باشد و مسجدها را رونق بخشد و نیز موظف به پخش اذان از رادیو، تلویزیون و مساجد می باشد. همچنین ترتیب و تنظیم برنامه حج و احیای آن، به صورت یک نیروی عظیم الهی در برابر کفر و استکبار، از وظایف دولت اسلامی است و باید در سیاست داخلی خود جایگاه ویژه ای برایش در نظر گیرد. دولت اسلامی باید جامعه را از تظاهر به روزه خواری پاک نموده و در معابر عمومی و دید مردم از آن جلوگیری نماید و... در خارج از کشور اسلامی و در ممالک کفر و شرک نیز باید اسلام را تبلیغ کرده، آنان را به اسلام و به کار گرفتن قوانین فردی و اجتماعی آن دعوت نمایند.

#### ب. وظیفه امت اسلامی

وظیفه فرد فرد امت اسلامی است که شعائر الهی را همراه دولت و علمای دین حفظ نمایند. به عبارت دیگر، ایجاد زمینه رواج و احیای شعائر اسلامی، وظیفه دولت و همکاری مردم و حضور در صحنه ها، وظیفه امت اسلام است. این امر به اندازه ای مهم است که فقه اسلام سکونت مسلمانان در جایی که قادر به اظهار و اعلان شعائر اسلام نیستند را حرام نموده و در صورت تمکن، هجرت از چنین مکانی را واجب شمرده است.<sup>۱</sup>

علاوه بر این، قرآن مجید، تعظیم شعائر اسلامی را نشانه تقوای دلها دانسته می فرماید:

... ذَلِكَ وَ مَنْ يُعْظِمُ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ. (حج: ۳۲)

آری کسانی که شعائر خدا را بزرگ می شمارند، این کارشان نشان دهنده تقوای دلهایشان می باشد.

۱. شرح لمعه، ج ۱، ص ۲۵۶.

حضور پرشکوه امت اسلامی در نمازهای جمعه و جماعات، شرکت در آباد کردن و ساختن مساجد و حسینیه‌ها و بارگاه مطهر ائمه اطهار و فرزندان آنان (امام زادگان)، بزرگداشت و شرکت در مراسم و راهپیمایی‌های روزهای ۲۲ بهمن، قدس و نیز مراسم سوگواری ایام محرم و...، حضور در مراسم حج و زیارت مراقد پاک امامان معصوم و امام زادگان، ترویج و تبلیغ جلسات قرآنی و نیز مراسمی که در آنها علوم الهی و معارف دینی و نیز مدح و مصیبت امامان معصوم بیان می‌شود، همه مصداق‌هایی از اعلان و اظهار شعائر اسلام به وسیله مسلمانان است.

## منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه، فیض الاسلام.
۳. آیین جهاد، هیأت تحریریة بنیاد نهج البلاغه، اول، ۱۳۶۲ هـ. ش.
۴. اثمتنا، علی محمد علی، دخیل، الطبعة السادسة، بیروت، ۱۴۰۲ هـ. ق.
۵. ارشاد، شیخ مفید، بصیرتی - قم، بی تا.
۶. استفتاآت از محضر امام خمینی (ره)، دفتر انتشارات اسلامی.
۷. أسد الغابه، ابن اثیر، دارالمعارف.
۸. اصول کافی، ثقة الاسلام کلینی (ره)، دارالصعب و دارالتعارف، الطبعة الرابعة، بیروت، ۱۴۰۱ هـ. ق.
۹. اعیان الشیعه، سید محسن امین عاملی، دارالتعارف، بیروت، ۱۴۰۳ هـ. ق.
۱۰. بحار الانوار، علامه مجلسی، دارالکتب الاسلامیه، ایران، بی تا.
۱۱. پرتوی از نهج البلاغه، محمد مهدی جعفری، وزارت ارشاد اسلامی، اول، ۱۳۷۳ هـ. ش.
۱۲. پیام استقامت، امام خمینی (ره)، وزارت ارشاد اسلامی، تهران، بی تا.
۱۳. پیامبر و آیین نبرد، ترجمه مرزناک، بعثت، تهران.
۱۴. تاریخ طبری، دارالمعارف - مصر، ۱۹۶۰ م.
۱۵. تحریر الوسیله، امام خمینی (ره)، نجف، بی تا.
۱۶. تحف العقول، ابن شعبه حرانی، بیروت، پنجم، ۱۳۹۴ هـ. ق.
۱۷. ترمینولوژی حقوق، محمد جعفر جعفری، امجدی، چهارم، ۱۳۶۸ هـ. ش.
۱۸. تعلیم و تربیت، شهید مرتضی مطهری، صدرا، یازدهم، تهران، ۱۳۶۷ هـ. ش.
۱۹. تفسیر اثنتی عشری، شاه عبدالعظیمی، میقات، اول، تهران، ۱۳۶۴ هـ. ش.
۲۰. تفسیر مجمع البیان، طبرسی، داراحیاء التراث، بیروت، ۱۳۷۹ هـ. ق.
۲۱. تفسیر شیخ ابوالفتوح رازی، اسلامیة، تهران، ۱۳۹۸ هـ. ق.

۲۲. تفسیر نمونه، جمعی از نویسندگان، دارالکتب الاسلامیه، بیست و چهارم، قم، ۱۳۶۸ ه. ش.
۲۳. تفسیر نورالثقلین، حویزی، اسماعیلیان، دوم، قم، بی تا.
۲۴. ثواب الاعمال، شیخ صدوق (ره)، نشر صدوق، بی تا.
۲۵. جاذبه و دافعه علی، شهید مطهری، صدرا.
۲۶. جامع احادیث الشیعه، آیت... بروجردی، علمیه، قم، ۱۳۹۹ ه. ق.
۲۷. جامع السعادات، محمد مهدی نراقی، مکتبه الداوی، قم، بی تا.
۲۸. جهاد و شهادت، شهید چمران، اسلامی اول، ۱۳۶۸ ه. ش.
۲۹. جوامع الجامع، طبرسی، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۵۹ ه. ش.
۳۰. در جستجوی راه از کلام امام (ره)، امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۲ ه. ش.
۳۱. در مکتب جمعه، وزارت ارشاد اسلامی، اول، ۱۳۶۲ ه. ش.
۳۲. روزنامه جمهوری اسلامی، سال ۱۳۷۵.
۳۳. روحیه جنگی، اف.ام. ریچاردسون، ترجمه پرویز ایزدی، دانشگاه امام حسین (ع)، اول، تهران، ۱۳۶۹ ه. ش.
۳۴. روضة الواعظین، قتال نیشابوری، رضی، اول، ۱۴۰۶ ه. ق.
۳۵. ستاره بدر، جلال محمدی، انتشارات کیهان.
۳۶. سرگذشتهای ویژه از زندگی حضرت امام (ره)، مصطفی وجدانی، پیام آزادی.
۳۷. سفینه البحار، شیخ عباس قمی، دارالتعارف، بیروت، بی تا.
۳۸. سنن، ابن ماجه، احیاء التراث، بیروت، ۱۳۹۵ ه. ق.
۳۹. سنن النبی (ص)، علامه طباطبایی، اسلامی، تهران، ۱۳۵۴ ه. ش.
۴۰. سیرت سرداران سپاه اسلام، انتشارات سپاه، دوم، ۱۳۷۴ ه. ش.
۴۱. سیره ابن هشام، داراحیاء التراث، بیروت، بی تا.
۴۲. شرح اربعین حدیث، امام خمینی (ره)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۴۳. شرح غررالحکم، آمدی، دانشگاه تهران، اول، ۱۳۶۰ ه. ش.
۴۴. شرح لمعه، شهید ثانی (ره)، چاپ سنگی، مکتبه الاسلامیه، تهران، ۱۳۰۹ ه. ق.
۴۵. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، داراحیاء التراث، بیروت، بی تا.
۴۶. صحیح البخاری، داراحیاء التراث، دوم، بیروت، ۱۴۰۱ ه. ق.
۴۷. الصحیح من سیره النبی الاعظم، جعفر مرتضی عاملی، دارالحدیث، اول، قم، ۱۳۸۵ ه. ش.
۴۸. صحیفه سجادیه، ترجمه الهی قشمه‌ای، مؤسسه انتشارات اسلامی، قم، بی تا.
۴۹. صلح امام حسن (ع)، ترجمه آیه الله خامنه‌ای، آسیا، اول، ۱۳۵۴ ه. ش.
۵۰. عذبة الداعی، ابن فهد حلی، وجدانی، کتابفروشی جعفری، مشهد، بی تا.
۵۱. الغارات، ثقفی کوفی، انجمن آثار ملی، تهران، ۱۳۵۵ ه. ش.

۵۲. فرهنگ معین، دکتر معین، امیر کبیر، چهارم، تهران، ۱۳۶۰ ه. ش.
۵۳. فرهنگ نظام، داعی الاسلام، دانش، دوم، تهران، ۱۳۶۳ ه. ش.
۵۴. فروع کافی، کلینی، دار صعب، الطبعة الثالثة، بیروت، ۱۴۰۱ ه. ق.
۵۵. فروع ابدیت، جعفر سبحانی، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۶۶ ه. ش.
۵۶. قاموس المحيط، فیروز آبادی، مؤسسه العربیه للطباعة و النشر، بیروت، بی تا.
۵۷. کامل، ابن اثیر، بیروت، دارصادر، ۱۴۰۲ ه. ق.
۵۸. کردستان، شهید چمران، بنیاد شهید چمران.
۵۹. کلیات، سعدی شیرازی، نگاه تهران، تهران، ۱۳۷۳ ه. ش.
۶۰. لسان العرب، ابن منظور، دارالصادر، بیروت، بی تا.
۶۱. لغت نامه، علی اکبر دهخدا، دانشگاه تهران، اول، تهران، ۱۳۷۳ ه. ش.
۶۲. مشنوی مولوی، کلاله خاور.
۶۳. مجمع البحرين، طریحی، مرتضویه، تهران، بی تا.
۶۴. مجموعه آثار، شهید مرتضی مطهری، صدرا، اول، تهران، ۱۳۷۴ ه. ش.
۶۵. مجموعه ورام، ابی فراس، دار صعب، بیروت، بی تا.
۶۶. محاسن، برقی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.
۶۷. محجة البیضاء، فیض کاشانی، صدوق، تهران، ۱۳۴۲ ه. ش.
۶۸. مدرّس، علی مدرّسی، بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران، ۱۳۵۸ ه. ش.
۶۹. مرآة العقول، علامه مجلسی، اسلامی، دوم، تهران، ۱۳۶۳ ه. ش.
۷۰. مستدرک الوسائل، محدث نوری، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، دوم، بیروت، ۱۴۰۸ ه. ق.
۷۱. معراج السعادة، نراقی، علمیه اسلامی، بی تا.
۷۲. مفردات، راغب اصفهانی، مرتضویه، دوم، ۱۳۶۲ ه. ش.
۷۳. مقتل الحسین، خوارزمی، انوار المهدی، الاول، قم، ۱۴۱۸ ه. ق.
۷۴. مقتل الحسین، مقرّم، دارالکتب الاسلامی، الطبعة الخامسة، بیروت، ۱۳۹۹ ه. ق.
۷۵. مقدمة روان شناسی، شریعتمداری.
۷۶. مکارم الاخلاق، طبرسی، مؤسسه الاعلمی، الطبعة السادسة، بیروت، ۱۳۹۲ ه. ق.
۷۷. الملهوف علی قتلی الطفوف، سید ابن طاووس، دارالاسوه، الاولى، ۱۴۱۴ ه. ق.
۷۸. مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، علامه، قم، بی تا.
۷۹. المنجد فی اللغة، لوییس معلوف، اسماعیلیان، بی تا.
۸۰. المیزان، علامه طباطبائی، دفتر انتشارات اسلامی، بی تا.
۸۱. میزان الحکمه، محمدی ری شهری، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۶۲ ه. ش.

٨٢. ناسخ التواريخ، سبهر، اسلاميه، تهران، ١٣٥٧ هـ. ش.
٨٣. نفس المهموم، شيخ عباس قمي، ترجمه شعرائي، اسلاميه، تهران، ١٣٧٤ هـ. ش.
٨٤. نهج السعادة في مستدرک نهج البلاغه، داراحياء التراث، بيروت، ١٣٩٧ هـ. ق.
٨٥. وافي، فيض كاشاني، انتشارات امام اميرالمؤمنين علي (ع)، اول، اصفهان، ١٤٠٦ هـ. ق.
٨٦. وسائل الشيعه، شيخ حرّ عاملي، داراحياء التراث العربي، بيروت، بي تا.
٨٧. وقعة صفين، نصر بن مزاحم، كتابخانه مرعشي نجفي، الطبعة الثانية، قم، ١٣٨٢ هـ. ش.
٨٨. ولايت فقيه، امام خميني (ره)، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني (ره)، دوم، ١٣٧٣ هـ. ش.